بسم اللہ الرحمن الرحیم

الحمد للہ رب العالمین والصلوٰۃ والسلام علی خیر خلقہ محمد وآلہ واصحابہ اجمعین بدانکہ این رسالہ مختصر ترجمہ رسالہ حضرت **خواجہ حسن بصری** است رضی اللہ عنہ کہ از مضمون آیات ومفہوم احادیث نبوی است صلی اللہ علیہ وسلم کہ امام حضرت خواجہ حسن بصری رحمہ اللہ تعالیٰ علیہ بیکی از زاہدان ودوستان خود کہ در مکہ معظمہ یکرمہ صانہا اللہ تعالیٰ الی یوم الدین ساکن بود ومیخواست کہ از تنگ حالی خود از مکہ مکرمہ برآید نوشتہ فرستاد ودر نہایت ترغیب وتحریص برسکونت نمودند وسخنان نرم ودرشت وفصائح درست دلالہ برا قامت نمودند وفرمودند کہ مقام در مکہ معظمہ سعادت ابدی است وبرآمدن ازان شقاوت سرمدی اگر ترا ایجاد وخلوص حاصل شود بہتر است کہ دو ہزار ازجای دیگر یابی وفرمودند عجب است از عقل تو کہ نیت برآمدن کردہ بعد ازانی کہ حق تعالیٰ ترا بفضل خود از اہل حرم گردانید وہمسایۂ خود ساخت تمام عالم درین آرزو رستند از ہزاران یکی را این دولت عظیم میسر میگردد پس ہر آئینہ شکر این نعمت بجا آرد مادام کہ در جامۂ حیات ہستی زنہار از مکہ بیرون مشو کہ شیطان ترا خرابی میخواہد وبر خود لازم دان صبر وتقوی وآداب را بتحقیق کہ مکہ بہترین ودوستترین زمین است عند اللہ وبزرگترین از زمینہای زمین است وفضیلت داده است او را بر جمیع شہرہا وباد کرده است او را در قرآن مجید زیاده از بیست آیت ودر فضیلت آن رسول صلی اللہ علیہ وسلم چندین احادیث فرموده است کہ از حصا

شما بر بیرون است واندک ازان آنست که درین رساله مختصر ذکر کرده است **بدانکه و خبرست**
که بروزی رسول الله صلی الله علیه وسلم ازانکه معظمه بمدینه منوره هجرت کرد و در باب خود ره
باستاد و رو بکعبه کرمه کرد و گفت بدرستیکه تو بهترین شهرها و دوستترین زمین نزد حق سبحانه
و تعالی هستی و گرنه آن بودی که مشرکان مرا بیرون کردندی از تو بیرون نرفتمی **و هم** آنحضرت
صلی الله علیه وسلم فرمود که بهترین بلاد روی زمین و دوستترین شهرها نزد خدا تعالی مکه مبارکه است
و تمام روی زمین را از زیر او کشیده اند پس ازان نام او ام القری نهاده اند یعنی مادر شهرها و اول
کوهی که بر روی زمین پیدا شد جبل ابو قبیس است و اول طائفه که طواف زمین مکه مکرمه کردند ملائکه
بودند پیش از انکه بیافریند حق تعالی ابو البشر آدم علیه السلام را بده هزار سال پیش ازین هیچ فرشته نیست
که حق سبحانه و تعالی فرستاده او را از هفت آسمان بزرین بالا انکه غسل کند زیر عرش و فرود آید
بحرم پس نزول کند بمکه معظمه که طواف هفتگانه بجا آورد و در خلف مقام ابراهیم علیه السلام
دو رکعت نماز بگزارد بعد ازان برود بکاری که او را مامور کرده اند **و هم** آنحضرت صلی الله علیه وسلم
فرمود که هیچ پیغامبری از قوم خود نگریخت مگر انکه بمکه مبارکه می آمد و عبادت حق سبحانه و تعالی
میکرد تا وفات مییافت **و هم** آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود بدرستیکه در حوالی کعبه کرمه
قبر سیصد تن از پیغامبران است که ایشان از کرستکی و پیش الم کشیده صبر کرده اند تا انکه وفات
یافتند و قبر اسمعیل علیه السلام و مادر او هاجره علیها السلام در حجر است یعنی در حطیم که جانب ناودان
کعبه است و هیچ پیغامبری از پیغامبران که چون قوم ایشان بایشان ایمان نا ورده اند و ایشان را در رنجو
کفته و ایشان از قوم خود گریخته آمده اند در مکه معظمه عبادت میکردند تا وفات مییافتند **و هم** آنحضرت
صلی الله علیه وسلم فرمود که هر کس در حج یا در عمره بمیرد او را عرض و حساب نکنند و گویند در آی بهشت
بی حساب و بی عقاب **و هم** آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که اسمعیل بن ابراهیم علیهما
السلام شکایت کرد بحضرت خدا تعالی از گرمای مکه پس وحی آمد از حق سبحانه و تعالی بو که بدرستی
من بگشایم برای تو در حجر دروازه از بهشت که نسیم بهشت بپوسته تر ازان در بیرون می آمده باشد

تا روز قیامت **فصل** است که روزی امیر المومنین حضرت عثمان بن عفان رضی الله تعالی عنه
باصحاب خود ملاقات کرد و گفت که از من پرسید که از کجای آفتی اصحاب گفتند که بفرمایند که از کجای
آیند گفت بر در بهشت ایستاده بودم و حال آنکه زیر ناودان کعبه ایستاده بودم و دعا میکردم و هم
آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود بدستیکه نزدیک رکن یمانی دری از درهای بهشت است و مسیح احمد
دعا نکند نزدیک حجر الاسود مگر آنکه خدا تعالی دعای او را مستجاب فرماید و میان رکن یمانی و حجر الاسود
روضه ایست از ریاض بهشت و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود هر کس که در مکه معظمه بمیرد در
حالتی که احرام حج یا عمره بسته باشد برانگیزاند او را خدا تعالی از در قیامت بی حساب و بی عذاب و
گویند در آی در بهشت از هر دری که خواهی و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود هر کس که در ماه
رمضان روزه دارد در مکه بدهد خدا تعالی او را ثواب صد هزار ماه که در غیر مکه روزه دارد و یکرکعت
نماز در مسجد الحرام برابری میکند بصد هزار رکعت که در غیر آن مسجد گزارد و اگر بجماعت گزارد یکی بصد
هزار و پانصد نماز محسوب است چنانچه بیست و پنج هزار نوبت باشد و هر کس که یکروز در مکه بیمار شود حرام
گرداند خدا تعالی تن او را از آتش دوزخ و هر کس که یکروز به گرمای مکه تا یکساعت دور گرداند
خدا تعالی تن او را از آتش دوزخ هزار ساله راه نزدیک گرداند به بهشت و دویست ساله راه و هم
آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود بدانید که مکه و مدینه مرد ما را پاک میکنند از گناه چنانچه پاک میکند آتش کوره آهن
آهن را و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود هر کس که صبر میکند بر سختی مکه و بر وبای مکه منکر رسول خدایم
نزد حق سبحانه و تعالی شفاعت او خواهم کرد در روز قیامت و بدانید که اهل مکه خاصان خدایند و
همسایگان خانه او بند و بهترین وادیها وادی حضرت ابراهیم است علیه السلام که عبارت از مکه
است و هر کس که نماز گزارد در هیچ جا در برابر کعبه از گناهان پاک شود و بهترین بقعها نزدیک
خدا تعالی کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام و ملتزم و بهترین چاهها چاه زمزم است و نظر کردن
بسوی زمزم امان است از نفاق و هر کس که آب زمزم بخورد بهر نیتی که خواهد مراد او را بدهد و هم
آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که مومن نظر کند بسوی کعبه از برای گناهان گذشته و آینده

مگر آنکه او آمرزیده شود در روز قیامت و در امان خدا تعالی باشد و فرمود هر کس که دو رکعت نماز بگزارد
در مسجد الحرام بنویسد خدا تعالی برای هر رکعت او دو هزار و پانصد نماز و هم آنحضرت صلی الله علیه
وسلم فرمود آنکسانی که حج و عمره میکنند گروه خدایند و هر چه خواهند بدهند خدا تعالی ایشانرا و دعای ایشانرا
اجابت کند و آنچه نفقه کنند در راه حج عوض بدهد خدا تعالی بهر درمی هزار درم قسم بان خدائی که نفس ابو القاسم
بید قدرت اوست که هیچ تهلیل و تکبیری نیست که حاجیان گویند الا که همه ایشان بموافقت ایشان
تهلیل و تکبیر گویند حتی زمین هم **و هم** آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که از عمره تا عمره کفارت
گناهان است و حج پسندیده را جزا نیست الا بهشت پرسیدند که حج پسندیده کدام است فرمود ندانکه مردم را
طعام دهند و بر هر که رسند سلام کنند **و هم** آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که آنچه حاجیان در راه
حج نفقه میکنند عوض بدهد خدا تعالی ایشانرا پیش از مرگ هزار چندان و بآن خدای که نفس محمد بید قدرت
اوست که بهر درم [illegible]

**و هم** فرمود آ [illegible] تا آخر

است نزد خدا تعالی از عبادت یکساله که در غیر مکه باشد از روزه و نماز شب و رکوع و سجود **و هم**
حضرت پیغامبر صلی الله علیه وسلم فرمود هر که بنشیند روبکعبه کرده یکساعت خالصه برای خدا
و رسول خدا و برای تعظیم کعبه بدهد حق جل و علا او را مثل ثواب کسی که حج گزارده باشد
و عمره آورده و جهاد کرده و اسب در راه خدا تعالی دوانیده باشد از برای جهاد و روزه داشته
باشد **و هم** آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که خدا تعالی اول نظر رحمت باهل مکه میکند هر که او طواف
یا در نماز یا در مسجد بیند و یا روی بکعبه کرده بیامرزد او را ملائکه گویند باقی نماند مگر جماعتی که در خواهند
حق سبحانه تعالی فرماید که ایشانرا نیز داخل آمرزیدگان کنند **و هم** آنحضرت صلی الله علیه وسلم
فرمود هر که دریابد ماه رمضان را در مکه و تمام ماه روزه دارد و نماز تراویح و نماز شب بگزارد
و آنچه که تواند خدا تعالی از برای وی ثواب صد هزار ماه رمضان که در غیر مکه باشد بدهد و او را بعدد
هر روزی آزادن مغفرتی و شفاعتی و بعدد هر روزی درجه در بهشت و بعدد هر روزی ثواب

بنده آزاد کند و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که در مکه بودن سعادت است بیرون
رفتن ازان شقاوت بدانکه این حدیث نزد اکثر علماء محدثین موضوع است بر تقدیر صحت و ورود
وی معنی آنست که اگر کسی را آنجا قدرت مکه معظمه میسر شود و آداب اینمکان قدسی آستان میتواند
نگاهداشت سعادت است و اگر باختیار خود و بطلب دنیا و حظ نفس بی ضرورت می برآید نشان شقاوت
است والا الله تعالی اعلم و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود هر که طواف کند کعبه را
هفت نوبت در روز در تابستان در گرمای سخت سر برهنه بود و در هر نوبت که بحجر الاسود رسد
او را بوسه دهد چنانکه ایذا بکس نرساند و سخن دنیا نگوید مگر ذکر حق تعالی بعدد هر قدمی که نهد و بردارد
هفتاد هزار حسنه او را نویسند و بلند کردانند از برای او هفتاد هزار حسنات و محو کنند از نامه
اعمال او هفتاد هزار سیئات و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که فضیلت حاجی پیاده
بر حاجی سوار همچون فضیلت ماه شب چهارده بر دیگر ستارها و هم آنحضرت صلی الله علیه و
سلم فرمود که حاجی سواره را بهر گامی که نهد و بردارد هفصد هزار حسنات حرم است پرسیدند
که یا رسول الله حسنات حرم کدام است فرمود که حسنه صد هزار حسنه است و هم آنحضرت
صلی الله علیه وسلم فرمود اگر فرشتگان کسی را مصافحه کنند هر آینه غازیان را یا کسی را که با او در
دیدار نکوئی کرده باشد یا کسی را که گرد کعبه طواف کند و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که
گرد کعبه گریه هفتاد هزار ملک اند که آمرزش میخواهند برای کسی که طواف کند و هم آنحضرت
صلی الله علیه وسلم فرمود که طواف کعبه کردن در آمدن است در رحمت خدا تعالی بدرستیکه
خدا تعالی مباهات میکند بر طواف کنندگان کعبه بر ملائک و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم
فرمود که حج کسی را که مقبول شده باشد او را از دن شفاعت چهار صد تن است از هر که خواهد از اهل بیت
او و از مسلمانان و بیک روایت هر چند که خواهد حق سبحانه و تعالی ببخشد و هم آنحضرت صلی
الله علیه وسلم فرمود که عمره ماه رمضان برابری میکند با حجی و بروایتی برابری میکند با حجی که با
من گزارند و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود هر که در حرم مکه بمیرد همچنان است که در آسمان

چهارم مرده باشند و هر که در حرم مدینه بمیرد همچنان است که در آسمان اول مرده باشد و هم آنحضرت
صلی الله علیه وسلم فرمود که اطراف بحون و بقیع را بکنند و در روز قیامت در بهشت افشانند بحون کورستان
مکه است و مشهورست بمعلاً و بقیع کورستان مدینه است و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود
که برانگیزاند خدا تعالی از کورستان مکه هفتاد هزار شهید که بحساب درآیند در بهشت و روهای
ایشان همچون شب چارده باشد و هر یک هفتاد تن را شفاعت کنند پرسیدند یا رسول الله ایشان
چه کسانند فرمود که ایشان غریبانند و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که هر که بخانه کعبه درآید
در رحمت خدا تعالی درآمده باشد و چون بیرون آید آمرزیده بیرون آمده باشد و هم آنحضرت
صلی الله علیه وسلم فرمود که نیست هیچ عمل فاضل تر از حج پسندیده و فرمود هر که حج گزارد و ذکر
فسق نکرده و فحش نگفته و حرام نخورده باشد همچنان باشد که از مادر این زمان زاییده باشد بیگناه
و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود بدرستیکه خدا تعالی هر روز صد و بست رحمت برای
خانه کعبه میفرستد شصت از برای طواف کنندگان در کعبه و چهل برای نماز گزارندگان و بست
برای نشیندگان روی کعبه و نظر کردن بکعبه عبادت است و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم
فرمود جهادی که خرد و بزرگ ضعیفان و نسوان بتوانند کرد حج و عمره است و فرمود که هر که
صبر کند بر گرمای مکه ساعتی از روزی صد ساله راه دوزخ از وی دور کنند و هر که یک روز بیمار
شود در مکه بنویسند خدا تعالی از برای او عمل صالح که میکند در غیر مکه عبادت شصت ساله و هم
آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که حجر الاسود یمین خدا تعالی است در زمین که مصافحه میکنند بان
باید باهم همچنان باشد که شما با برادران مومن مصافحه میکنید و هر که بیعت رسول صلی الله علیه وسلم در بیعت
پس از ان دست بحجر الاسود رساند بدرستیکه بیعت با خدای و رسول خدا صلی الله علیه وسلم کرده باشد
و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که حجر الاسود و مقام ابراهیم علیه السلام بیایند در
روز قیامت و هر یک در بزرگی مثل کوه ابو قبیس باشد و هر یک از ایشان را چشمها و زبان باشد و گواهی
دهند بآنانی که ایشانرا دریافته اند و بعهد ابراهیم علیه السلام وفا کرده اند در روزی که ایشانرا بحج خوانده

است و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که هر که حج کند از برای مادر و پدر خود نیکو است از برای او و حج
[illegible] شد و هم فرمود
[illegible] تعالی برای
[illegible] باقی نمانده در
روی زمین چیزی از بهشت عزیز تر الاسود و مقام ابراهیم علیه السلام و الدر ان لولوی که مشرکان
در زمان جاهلیت آنرا بدستان خود مساس کرده بودند و هیچ بیماری از وی طلب شفا نکردی مگر آنکه آن
بیمار شفا یافتی و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که طواف نیکو بسیار کنید پیش از آنکه حایل شود میان
شما و میان کعبه یا نفی گفتند یا رسول الله چگونه حایل شود گفت مردی را که آدم سرخ است و با کج خانه کعبه نشسته و بر میکند یک
سنگ او را و فرمود که هر که دو رکعت نماز در مسجد الحرام بگزارد همچنان است که هزار رکعت در مسجد من گزارده
باشد یعنی در مسجد مدینه و یک رکعت نماز در مسجد من فاضلتر است از هزار رکعت در غیر آن و هم آنحضرت صلی الله
علیه وسلم فرمود که زیارت کرده باشد مرا در حیات من کسی که زیارت کند قبر مرا بعد از مرگ من بداند که او را واجب است هر آینه بیاید بزیارت قبر من عزیزان یعنی تیز رو همچو عراب حلفا و خواجه حسن بصری
رضی الله عنه میفرماید که نمیدانم هیچ شهری بروی زمین که هر عمل خیری که در وی کنند یکی را بصد هزار ذو نویسند غیر از مکه
مبارکه و نیز نمیدانم هیچ شهری بر روی زمین که در وی شراب ابرار و مصلا را نیا باشد غیر از مکه مشرفه زیرا که
ابن عباس رضی الله تعالی عنهما فرمود که شراب ابرار زمزم است و مصلا آخیار زیر ناوردان و نمیدانم هیچ
شهر بر ابر دی زمین که حق سبحانه و تعالی بپیغمبر خود ابراهیم امر کرده باشد که فلان موضع را جامه نماز خود کن الا مکه که
آنجا فرمود وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى و نمیدانم هیچ شهر بر ابر روی زمین که بچشم رحمت نظر کردن عبادت
نویسند بی آنکه نماز گزارد یا طواف کند الا مکه معظمه و نمیدانم هیچ شهر بر ابر روی زمین که طاعتی
نکنند در وی که اجر بسیار الا مکه و افطار در یکدانق فضل است از روزه یکسال و جای خواب کردن در وی
بهتر است از نماز شب در غیر او و نمیدانم هیچ شهر بر ابر روی زمین که برخیزند در روز قیامت از انبیا
و صدیقان و ابرار و فقها و علما و صلحا و اخیار از مردان و زنان ایشان جمله رستگاران باشند

روز قیامت از عذاب خدا تعالی الا در مکه و نمیدانم هیچ شهر را بر روی زمین که دعا در آن مستجاب شود و دعا در آن مکه که فرو آید
در ما زر وح و را تحت قبت الا مکه و نمیدانم هیچ شهر را بر روی زمین که مستجاب شود و دعا الا مکه
که در پانزده موضع در مکه و حوالی او که دعا مستجاب میشود اول چون نظر کند بکعبه باید که قصد دوم نزدیک حجر الاسود
سوم در ملتزم چهارم در زیر ناودان کعبه پنجم نزدیک رکن یمانی ششم میان رکن حجر الاسود و مقام
ابراهیم علیه السلام هفتم اندرون خانه کعبه هشتم پس مقام ابراهیم علیه السلام نهم در حطیم دهم در سر چاه
زمزم یازدهم در صفا دوازدهم در مروه سیزدهم در منا نزدیک جمرات ثلث چهاردهم در مزدلفه پانزدهم
در عرفات و امام المشائخ حضرت خواجه حسن بصری رحمة الله علیه میگوید که غنیمت دارید این موضع را که محل
اجابت دعاست بکنید در دعا تضرع و چون از مکه بیرون روید از برکت این موضع محروم نمانید و نمیدانم
هیچ شهر را بروی زمین که همه انبیا مرسل و پیغامبران و ملائکه علیهم الصلوة والسلام بسوی او آمده و با
الا مکه و نمیدانم هیچ شهر را بر روی زمین که دریای بهشت بسوی او کشاده شود تا روز قیامت الا مکه یک
در نزدیک باب کعبه است و یک در نزدیک ناودان کعبه و یک نزدیک حجر الاسود و یک نزدیک رکن
یمانی و یک نزدیک صفا و یک نزدیک مروه و یک نزدیک چاه زمزم و یک در اندرون خانه کعبه و هیچ احد
در خانه کعبه در نیاید الا برحمت حق تعالی و بیرون نرود الا بمغفرت حق جل و علا و هم آنحضرت صلی
الله علیه وسلم فرمود هر که استطاعت دارد که در مکه یا در مدینه اقامت کند و هم آنجا بمیرد اول کسیکه
شفاعت او را کنم منم در روز قیامت و رستگار باشد از عذاب خدا تعالی و بروی نه حساب باشد
نه عقاب و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که سفر مکنید الا بسوی سه مسجد اول مسجد الحرام
دوم مسجد من یعنی مسجد مدینه سوم مسجد اقصی که یک نماز در مسجد الحرام برابری میکند بصد هزار نماز جای
دیگر و در مسجد مدینه بهزار نماز جای دیگر و در مسجد اقصی برابری میکند بپانصد نماز جای دیگر و فرمود صلی الله
علیه وسلم که هر که یک نظر بکعبه کند کنایان او را بیامرزند اگرچه بعدد کف دریا و ریگ بیابان باشد و چون
روز عرفه شود و خلق در موقف عرفات حاضر شوند رحمت حق تعالی الی الخلق نزدیک شود و با آسمان
دنیا آمده و بعد ازان در ها آسمان بگشایند پس مباهات کند خدای عز و جل بجا جیان بر فرشتگان خود

پس بفرماید بفرشتگان خود که بعبادت من درآمده اند تر و لیده سوی وکرد آلوده روی از راهها دور
بلید حضرت ما آمده اند بدرگاه یکی همایشان را بیامرزیدم و نداکند بازگردید ای بندگان من همه را آمرزیدم
و گناهان شما را عفو کردم هر که را خواهید شفاعت کنید اگرچه گناهان بشمار ریگ بیابان و کف دریا
و بعدد ستارهای آسمان بود قطرهای باران باشد همه را آمرزیدم پدرستیکه من آنم الرحمن الرحیم
ام و رحمت من همه چیزها میرسد و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که حج اسلام بگزارد
همه گناهان او آمرزیده شود و پس ازان فرشته بیاید و دست میان دو شانه نهد و بگوید
که ای بنده گنه گار آید بیار که کار گذشته تو بکفایت شود و گویند گناهی بزرگتر ازان
نیست که چون بنده از عرفات بازگردد گناهان او عفو کرده و بازگوید که آمرزیده شده باشم
و خدا تعالی را یک نوع رحمت هست که چون بر زمین آید ده چیز و میشود نه خیر و نصیب اهل که
و یکچیز و نصیب اهل تمام عالم **بدانکه** فضایل حج و عمره و بزرگی حرم از حساب بیرون است
که کتابها بر کلان از فضائل او پر است و دران هیچ شکی نیست و شک کننده محروم است
اخلاص و عقیده و لقمه حلال و نیت نیک درکار است تا نتیجه عمل ظاهر شود و نیاز اصل است و آخر
دار نتیجه عمل باید کرد و بدل حاضر و قلب خاشع بنده را بندگی باید و نتیجه را امید وار باید بود ان الله
لا یضیع اجر المحسنین و السلام علی من اتبع الهدی بسم الله الرحمن الرحیم
**بدانکه** در مصحف آدم علیه السلام سورتی نازل شد که ترجمه آن است که من آن خدایم
که مکه را بیافریدم و کعبه را باضافت بیتی شرف ساختم پس ساکنان مکه همسایگان من
باشند و کعبه را با اهل آسمان و زمین معمور دارم تا آنگه هر روز و شب هفتاد هزار فرشته را بفرستم که طواف
بیت المعمور کنند و بر زمین آیند و طواف کعبه بکرمه کنند و ازانجا بزیارت قدس و در عالم صلی الله
علیه وسلم روند و ایشان باز نیایند و همچنان هر روز و شب هفتاد هزار دیگر فرستم و در ایام حج هفتصد
هزار حاجی بیایند و اگر از آدمیان آنقدر نباشد از ملائکه بفرستم تا آن عدد را کمال کنند
و چون فوج فوج باموی تر و لیده و روی کرد آلوده تکبیر گویان باخود شان تلبیه و تسبیح

بمکه آیند و بنیت خالص و اعتقاد درست از خانهای خود بدر آیند پس ایشان زیارت من آمده اند و
بضیافت رسیده اند و بجناب کبریائی من نزول کرده اند بر ذمه اکرام من واجب است که
ایشان را باجر جزیل و ثواب جمیل و عطیات وافر و کرامات مکرمات مخصوص و محفوظ گردانم
و سیئات ایشان را محو سازم و درجات ایشان را بلند گردانم آیا نمی بینی عمارت کعبه را بدست
پسر تو ابراهیم خلیل باتمام رسانم و ابر اسمعیل را بطفیل این خانه کرامات علیه و عطیات سنیه بخشم
بعد وی با ولاد وی از مرحمت خود معمور دارم و در آخر الامر مکه را بسلطنت و بدیه نبوت پسر تو
محمد را از مکه طالع سازم و تا قیامت با امت او اینخانه و این شهر را معمور دارم و این فرزند ترا
خاتم النبیین گردانم پس هر که در موسم حج خواهد که مرا دریابد بداند که من نزدیک جماعت قصر ام
که موی پریشان و روی گرد آلوده دارند و نذرها بخویش را نفا میکنند و روهای خود را
متوجه من ساخته اند و در مناسک نور الدین ملا عبد الحق دهلوی که از کبار محدثین و متاخرین است علیه
الرحمة مذکور است که احادیث در فضیلت حج مطلقا و ترغیب دران بسیار واقع شده است خصوصا
در بخاری و مسلم واقع شده که هر که حج کرد برای خدا و رفث و فسق نکرد پاک گردد از گناه چنانکه
امروز که یا از مادر شده و نیز در حدیث بخاری و مسلم مذکور است که عمره تا عمره دیگر کفارت
گناهان است از انچه که واقع است درمیان از گناهان و حج مبرور نیست جزای او مگر بهشت و
نیز آمده است که عمره در رمضان برابر است با حج و در بعض روایت آمده است که حجی که همراه پیغمبر کنند
صلی الله علیه وسلم و در حدیث امام ترمذی از امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه آمده که گفت رسول
صلی الله علیه وسلم هر که مالک شود زاد و راحله را که برساند او را به بیت الله و حج نکرد و تفاوت
نمیکند که بمیرد یهودی و یا نصرانی و این غایت تغلیظ و تشدید و وعید است بترک حج و اشاره
است بانکه ترک وی موجب نحوست نهایت و کفران نعمت است و تخصیص یهودی و نصرانی از جهت
آن باشد که ایشان اهل ملت اند و کتابهای خدا تعالی میخوانند و بدان عمل میکنند بخلاف کفار دیگر
و امام دارمی نیز این حدیث را آورده از ابی امامه رضی الله تعالی عنهما این لفظ هر که منع نکند او را

از حج حاجت ظاهر را سلطان جابر یا مریض صاحب پس بمیرد و حج نکزارد برابر است که یهودی
بمیرد یا نصرانی و در حدیث ابی داود ابن ماجه از ام سلمه رضی الله تعالی عنها آمده است که گفت
شنیدم از رسول صلی الله علیه وسلم که گفت هر که احرام بندد بحج یا عمره از مسجد الاقصی بسوی مسجد
الحرام آمرزیده شود مر او را از آنچه پیش ازین کرده از گناهان و آنچه پس ازین کند و ابو داود ذکر
از ابن عباس رضی الله تعالی عنهما آورده که گفت رسول صلی الله علیه وسلم هر که خواهد که حج
کند باید که شتابی کند و بیهقی از ابی هریره رضی الله تعالی عنه آورده اند که گفت رسول صلی
الله علیه وسلم هر که برآید برای حج یا عمره یا برای غزا پس بمیرد در راه بنویسد خدا تعالی برای
او اجر غازی و حاجی و معتمر و در بعض روایات زیاده کرده هر سالی یعنی هر سال از برای
حج و غزا و عمره نویسند فطوبی له انتهی و در زاد الحج آورده است که در حدیث قدسی آمده است
که ای بنده ترا صحت دادم و معیشت را بر تو فراخ کردم بر تو پنج سال بگذشت که سوی من
میل نکردی از فضیلت بزرگ و رحمت اکمل من نا امید شدی بدانکه از همین حدیث دلیل گرفته اند
بعض که بعد از پنج سال فرض است حج باز عود میکند یعنی بعد از هر پنج سال حج کردن لازم
است و الله تعالی اعلم و هم در حدیث فرمود که هر کس مالک شود توشه و مرکب را که برساند
او را به بیت الله و حج نکند و غرامت حج نکرده باشد پس نیست هیچ حجت بروی اینکه بمیرد یهودی
یا نصرانی و هم در حدیث بلفظ دیگر آمده است که هر که بمیرد و حج نیاورده باشد و باز نداشته
باشد او را از حج آوردن بیماری یا سلطان جابر و نه غیر حاجت برابر است اینکه او یهودی
بمیرد یا ترسا و هم در حدیث آمده است که هر که حج نکند و وصیت هم نکند بحج حق سبحانه قبول
نکند روز قیامت هیچ عمل او را و روایت کند ابن عباس رضی الله تعالی عنهما
هر که را مال بود و استطاعت حج دارد و حج نیاورد و بر ان حال بمیرد در آید در آتش دوزخ
در آید در آتش دوزخ در آید در آتش دوزخ بار دیگر و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که حجی که
حضرت او نباشد کفارت گناه هفتاد ساله میشود پس حج مقبول را ثواب بحساب است

امام محمد بن حسن نقاش المفسر رضی الله عنه حکایت کرد که در مکه معظمه جبل جیاد مکان قبولیت دعا
را زیرا که هر مکانی وقتی معین کرده شد چنانچه اکثر ازان مذکور میگردد و آنست مقام
ابراهیم علیه السلام و تحت المیزاب وقت سحر نزد رکن یمانی و وقت نماز فجر و نزد حجر الاسود نصف
النهار نزد ملتزم نصف اللیل

دو ستون اول وقت ره

خدیجه کبری رضی الله عنها کرا

وقت زوال هم در وادی الخیف زمان که قریب صفاست بین العشائین و در منا شب چهاردهم ماه و در مسجد
لبش که مسجد حضرت اسمعیل علیه السلام است و در مشعر الحرام در مزدلفه قبل از طلوع آفتاب و در عرفات
و در موضعی که تحت السدره میگویند وقت زوال و در موقف جانب چپ جبل الرحمه وقت غروب
و در مسجد السحر که مقابل مسجد بیعت است روز چهارشنبه و در مسکا بر و یکشنبه و در غار جبل ثور و در
مسجد بیعت که قریب بمنا است جانب دست چپ رونده و در غار مرسلات که آنجا سوره والمرسلات
نازل شده است و آن غار پهلوی مسجد خیف است و نیز در مغاره فتح در زمین که صخره عائشه میگویند
رضی الله عنها و عنهنا معید النبی صلی الله علیه وسلم قبل النبوة والد عامر موکد فیها و در رباط موقف
و بالای جبل ابی قبیس و وقت ظهر و فی روایت حرا و نیز مطلقا و نزد قبر حضرت خدیجه کبری
رضی الله تعالی عنها و نزد قبر سفیان ابن عیینه و قبر شیخ فضیل بن عیاض و قبر امام عبد الکریم
ابن هوازن القشیری و قبر شیخ ابو الحسن الشیولی و قبر عبد الله الحسن بن ابی عمید و صاحب المقام
ای مقام ابراهیم علیه السلام او اخر روز جمعه رضی الله تعالی عنهم اجمعین باید دانست که در قبولیت
دعا سکنی نیست در دنیا و در آخرت البته البته نتیجه او ظاهر خواهد شد حق تعالی حکیم کریم است اگر در دنیا
مصلحت نبیند در آخرت قبول دعا او را خواهد ساخت انشاء الله تعالی رب العالمین بفضله و کرمه

تمام شد

دانستن اوقات استجابت دعوات در ایام سبعه که معلوم اند اینست روز شنبه روز یکشنبه

روز دوشنبه روز سه شنبه روز چهارشنبه روز پنجشنبه روز جمعه باید که از معلومات
ایام مذکوره غافل نشود و بفضل الهی مقصد رسد **فوائد دوازده کلمه** روایت کنند
عبدالله ابن عباس رضی الله تعالی عنه از حضرت رسالت پناه صلوات الله تعالی علیه
والسلام که فرمود این دوازده کلمات منتخب است از توریت و انجیل و زبور و فرقان
باید که هر مومنی که این را بر ورق کاغذ بنویسد و هر روز بران نظر کند و بران عمل نماید
برکند به حضرت عزت تعالی باشد **کلمه اول** حضرت حق سبحانه و تعالی فرماید ای فرزند
آدم غم روزی مخور دام کز خزینه رحمت و نعمت من پرست و خزینه من هرگز خالی نشود
**کلمه دوم** ای فرزند آدم از سلاطین هیچ مترس دام را کبار مترس دام که سلطنت من علی الدوام
باقی است **کلمه سوم** ای فرزند آدم با کسی انس و محبت مگیر و از کسی چیزی مطلب دام
کرم ایابی و هرگاه که مرا طلب نمی یابی **کلمه چهارم** ای فرزند آدم همه چیز را از برای تو آفریدم
و ترا از برای خود پس خود را بر دیگران خوار مکن **کلمه پنجم** ای فرزند آدم همچنان من از
توعمل فردائی طلبیم تو نیز از من روزی فردا مطلب **کلمه ششم** ای فرزند آدم چنانچه
فردا امروز نه چون بفردا برسی روزی فردا برسد **کلمه هفتم** ای فرزند آدم چنانچه
از پیدا کردن آسمانها و هفت زمین ها عاجز نیامده ام از پیدا کردن تو و رزق رسانیدن
تو عاجز نیایم و ترا روزی بلا شک بسانم **کلمه هشتم** ای فرزند آدم همچنانکه روزی ترا قوت
نمیسازم تو عبادت مرا نیز قوت مکن و مخالفت در امر من مکن **کلمه نهم** ای فرزند آدم آنچه
قسمت تو کرده ام بدان راضی باش و از هوای نفس شیطانی دل خود را از وسوسه ها محترز
**کلمه دهم** ای فرزند آدم من محب توام و تو محب من باش همیشه از غم عشق و محبت من
خالی مباش **کلمه دوازدهم** ای فرزند آدم از قهر من ایمن مباش تا از پل صراط نگذری و پای در بهشت
نه نهی **کلمه سیزدهم** ای فرزند آدم و غضب مشوی بر من برای مصلحت نفس خویش و غضب
نمیکنی بر نفس خود بجهت حصول رضای من **کلمه دوازدهم** ای فرزند آدم اگر تو

من راضی شوی نفس خود را برهانی از عذاب من و اگر بدان راضی نشوی و نفس را بر تو
گمارم تا تراچون وحشیان در بیابان ها دوانیده باشد بعزت تو بجلال من که نیابی مگر برانچه
ترا در تقدیر کرده ام ط

## تمام شد

حضرت اسماعیل ذبیح الله علیه السلام بن حضرت بی بی هاجره و حضرت اسحق نبی الله علیه السلام بن بی بی

## بست و پنج مواعظ و نصیحت از صحف حضرت ابراهیم خلیل الله علیه السلام

منقول است کعب احبار رضی الله تعالی عنه میگوید که در صحف ابراهیم علیه السلام مرقوم است
مهلا مهلا یا ابن آدم فان الرزق مقسوم والحریص محروم والبخیل مذموم والحسود
معذوم والدنیا لا تدوم والرزاق هو الحی القیوم نصیحت دوم ای پسر آدم بدرستیکه
من خوش شنودم از تو نماز و خدمت روز بروز تو نیز از من راضی باش برزق روز بروز
نصیحت سوم ای پسر آدم پیش فرست انچه در دست خود داری برای آنروز که در پیش
داری نصیحت چهارم ای پسر آدم شکرگذاری کن کسی را که در باره تو انعام فرموده و
انعام کن در حق انکه شکرگذاری تو نموده نصیحت پنجم ای پسر آدم همه عمر در طلب دنیا فانی
کردی پس طلب آخرت کی خواهی کرد نصیحت ششم ای پسر آدم بدرستیکه آفریده ام برای تو
تو پوششی که عبارت از پلک ست تا چون چیز نا دیدنی در پیش نظر تو در آید فی الحال چشم خود از ان
بپوشانی و پنجمین از برای زبان تو طبقه از لبان تو ترتیب کرده ام تا چون سخنی ناگفتنی باشد از ان
لب بندی نصیحت هفتم ای پسر آدم از آنها مباش که طلب دنیا کنند بطول آمل و آرزوی عقبی
بزعم تقلیل عمل سخن ایشان موافق عابدان بود و فعل ایشان مطابق منافقان باشد اگر عطا یابند
قناعت نکنند و اگر مرادی از ایشان باز دارند صبر نکنند پس اگر معامله تو بران منوال گذرد ترا بلائے
گرفتار کردانم که همه عالمیان از تو تجربه بردارند نصیحت هشتم ای پسر آدم هر که ترا دوست میدارد برای

خود دوست میدارد و بسوگند یعنی من که من ترا برای تو دوست میدارم نهاد که خود را از
من باز داشت بخل و دریغ انداز نی نصیحت نهم ای پسر نی آدم در کردن تو و خلاف آن خته ام
در نیکی عیوب تو و در دیگری عیوب مردم تو همواره چشم از عیوب خود بر دوخته و چشم بر عیوب
خلائق انداخته این از انصاف است نصیحت دهم ای پسر آدم نه هر که کلمه لا اله الا الله بگوید
ببهشت در آید مگر کسی که بآن چند عمل نیکو جمع کند یکی تواضع نماید در درگاه من دیگر خود را نگذارد
میان من و نفس خود را از محرمات باز دارد برای من دیگر بار را در جوار خود جا دهد و با فقر اموا

آدم اگر تو بهشت را دوست میداری خدای جل و علا طاعت را دوست میدارد و تو عمل کن بآنچه دوست
است یعنی طاعت تا در آرم ترا در آنچه دوست است یعنی در بهشت و اگر تو بکرده میداری دوزخ را
خدایتعالی نیز مکروه میدارد معصیت را پس تو ترک کن مکروه را یعنی عصیان تا من نگاه دارم
ترا از مکروه تو یعنی دوزخ نصیحت نهم ای پسر آدم از شبهات اجتناب نمای تا مرا بشناسی و
کسی نیشه کن تا مرا بینی و خود را برای من فارغ ساز تا من ترا اصل شوی نصیحت چهارم ای پسر آدم
پسر آدم اگر برای بهشت آن مقدار عمل کند که از برای دنیا کند خداوند سبحانه او را بحساب در بهشت در آرد
و اگر قناعت کند بآنچه خداوند تعالی داده او را از کل خلائق مستغنی فرماید و اگر ترک حرام کند
دین خود را خالص گرداند و اگر ترک دروغ کند از جمله صدیقان شود نصیحت پانزدهم ای پسر آدم
هرچه داری از محتاجان باز مگیر تا من نیز باز ندارم از تو آنچه دارم و گرامی دار مهمان مرا چنانچه
من گرامی میدارم مهمان ترا بهتر ابراهیم علیه السلام عرض کرد خداوندا مهمان تو کیست تا او را گرامی
دارم وحی آمد که هر فقیری و حقیری که نزد تو آید بدانکه مهمان من اوست نصیحت شانزدهم ای پسر آدم
همه شما خطاکار آفریده و من همه غفران بمن باز گرد و پس توبه کن تا من بیامرزم و باک ندارم

نصیحت نهم ای پسر آدم مرا یاد کن چون غضب بر تو مستولی گردد تا ترا یاد کنم برحمت خود
در وقتی که غضب من ظهور کند نصیحت دهم ای پسر آدم هر که از من راضی شود بقلیلی از رزق
من نیز راضی شوم از وی بقلیلی از عمل نصیحت یازدهم ای پسر آدم آنچه از من است یکی خاصه از آن
من تو و یکی خاصه از آن تو و یکی از آن میان من و تو آنکه خاصه منست روح تست در بدن تو و آنکه خاصه
تو است عمل تست و آنکه میان من و تست از تو دعا و از من اجابت پس تو مرا محجوب نکردانی دعا
خود را از من بلقمه حرام نصیحت دوازدهم ای پسر آدم بآنقدر که میل میکند دل تو بدنیا بیرون کنم محبت خود را
از دل تو و بآن مقدار که حرص کنی در دنیا بیرون برم حلاوت ایمان را از سینه تو ای پسر آدم
ترا برای آن نیافریدم که تو دنیا جمع کنی بلکه برای عبادت خود آفریدم و برای آنکه بازداری دعوت
مظلومان را از درگاه من بدرستیکه دعاء مظلوم را اجابت میکنم و اگر چند فرصتی در میان افتد
نصیحت سیزدهم ای پسر آدم روزی تو نشود مگر آنکه برای تو رزق تو بفرستم و در برابر آن فرشتگان
من از تو عمل ناپسندیده بجناب من ببارند روزی من میخوری و عصیان می ورزی و با وجود این دعا
میکنی اجابت میکنم و هر چه بطلبی عطا میدهم و ترا به بهشت میخوانم و اجابت نمیکنی نصیحت چهاردهم
ای پسر آدم تقرب جوی تو بامن بانفل و جوارح من بدست آر بعمارت مساجد و رضاء من بطلب
بهمنشینی با علماء و دروغ گو را بکلی ترک کن تا ملائکه من بمصافحه تو تقرب جویند و غیبت را بگذار تا بهشت
من بتو مشتاق شود و مرا بعد نماز بامداد و نماز دیگر ساعتی یاد کن تا ما بین این دو وقت ترا از برای
تو کفایت کنم نصیحت پانزدهم ای پسر آدم از دعا ملول مشو که من از اجابت ملول نمیشوم و هر چند
در معاصی اسراف کرده باشی نومید نباشی از رحمت من فَاِنَّ رَحْمَتِی وَسِعَتْ کُلَّ شَیْءٍ ای پسر آدم
بی سوال و مطلب ترا ایمانی بفضل خود کرامت کردم پس چگونه بخیلی کنم با تو به بهشت با وجود آنهمه سوال
و طلب نصیحت شانزدهم ای پسر آدم به پیوند با کسی که از تو ببرد و عطا ده با آنکه ترا محروم کند و سخن
کن با کسی که از تو زبان باز گیرد و نصیحت کن هر که درباره تو خیانت کند و عفو کن هر که درباره تو ظلم
کند و نکوئی کن با هر که با تو بدی کند تا از جمله سابقان باشی بجنت و از زمره فائزان برحمت در

ترا ابن سلامت ثواب هفتاد پیغامبر کرامت کنم نصیحت پذیرفتم گفت یا ابن آدم الرحیل الرحیل تزود فان السفر بعید وخفف فان العقبة کاد واخلص العمل فان الدیان تصیر وگویند این نصیحت آخرین بود از نصایح صحف ابراهیم علیه السلام وروایت است که ابراهیم علیه السلام از حضرت حق سبحانه تعالی سوال کرد که خداوندا چیست جزای آن بنده که خسارة او جاوید از ترس تو تر شود حق تعالی جواب فرمود که ای ابراهیم جزای او مغفرت من وبهشت من وضوان من و سوال کرد که خداوندا چیست جزای آنکس که متکفل یتیمی وبیوه بود فرمود ای خلیل من جزای او آنکه او را در میان عرش خود جا دهم در روز قیامت ابراهیم گفت ربنا لک الحمد لک الحمد

تمام شد

# ذکر عمر مهتر ابراهیم خلیل الله علیه السلام واخذ پیثاق از مهتر اسمعیل علیه السلام وسپردن او تابوت سکینه را بآنحضرت

بدانکه عمر حضرت ابراهیم علیه السلام بمذهب اهل کتاب صد وهفتاد وپنج سال بود ودر معارف قتیبه دویست سال تعیین نموده ودر اخبار الزمان مسعودی صد ونود وپنج سال نوشته وعلماء تواریخ قول مسعودی را ترجیح داده اند وعلماء حدیث بر دویست سال اتفاق کرده اند والله اعلم ومحمد حنفی گوید که چون عمر ابراهیم علیه السلام آخر رسید تابوت سکینه را که از آدم علیه السلام بآنحضرت رسیده وآن تابوتی بود که بعد وهر پیغمبری خانه از زبرجد سبز در وی مرتب بود وآخر خانه حضرت محمد رسول الله صلی الله تعالی علیه وسلم در آنخانه دیباجه بود ومحمد ابن وی صورت آنحضرت نگاشته واز راست آنصورت کهلی هرقوم ساخته وآن صورت صدیق اکبر بود رضی الله تعالی عنه وبر پیشانی وی نوشته که اول کسی که دائره تصدیق این پیغمبر بر گزیده حق نهاد او باشد واز یسار وی صورت فاروق اعظم رضی الله عنه نبشت کرده وبر پیشانی وی نوشته که در روز داری چون آهن محکم بود واز

لاتحان نامند پشت و از عقب آن صورت ذی النورین عثمان منقش کرده و بر پیشانی وی نوشته
که این اسم خلفاء راشدین ست و از مقابل آن صورت علی رضی الله عنهم اجمعین رقم زده
و شمشیر برهنه بر دوش می نهاده و بر پیشانی او نوشته که او شیر حمله کننده ست که هرگز
گریزان نشود و خدا تعالی و رسول او را دوست دارند و او خدا و رسول او را دوست
دارد و در حوالی خلفا صور اصحاب از مهاجر و انصار کشیده بعد ازان ابراهیم علیه السلام
آن را طلبیده اولاد خود را گفت تا نظر در ان صور انبیا کردند و دانستند که همه انبیا از صلب مهتر
اسحق پیغمبر علیه السلام خواهند بود الا محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم که او از صلب اسمعیل علیه
السلام خواهد بود آنگاه اسمعیل را گفت که مرا فرموده اند که از میان اولاد خود عهد و میثاق
از تو فرا گیرم تا این نو محمدی وضع نکنی الا مطهرات بنکاح و او را بکوه نبیر برد و آنجا ابر پاره
سفید ظاهر شد و مشک خالص بر ایشان ببارید و عهد و میثاق از اسمعیل فرا گرفت و عهد نامه
معهوده ازوی بستد و تابوت سکینه ویرا سپرد و بجانب قدس مراجعت فرمود و در انجا
دعوت حق را اجابت فرمود و در بعض روایات توثیق این عهد بعد اتمام بنا کعبه
کریمه ایراد یافته والله اعلم روزی ابراهیم لطلب ضعیف بیرون آمده در صحرا پیری دید ضعیف
که پیاده پا میرود و جمازه برای طلب وی بعادت معهود بفرستاد تا او را سوار کنند و آنحضرت حاضر کردند
و آنحضرت طعام طلبیدند که مهمان کنند آن پیر لقمه ازان برداشت تا در دهان برد گاهی بسوی
چشم میبرد و گاهی بسوی گوش و چون در دهان فرو بردی مستراح از دبر بیرون رفتی
و حضرت ابراهیم با حضرت حق تعالی عهدی بسته بود که تا فوت خود را از حضرت خداوندی
مسئلت نکند بیک مرگ بمیرد و قتا و نسد بعد ازانکه این پیر را بر نخیال دید ازوی پرسید
که ای پیر بچه سبب باین منوال ضعیف گشته او گفت بسبب کبر سن گفت عمر تو چه مقدار
است آن پیر مقدار عمر خود بد و سال زیاده از عمر ابراهیم بیان کرد پس آنحضرت با خود
گفت که تا دو سال دیگر احوال من نیز با نمینوال خواهد شد و آن پیر گفت آری

ابراہیم گفت خداوندا جان من قبض فرمای پیش از انکہ باین بچہ رضعف مبتلا
شود پیر بفرمود و بحکم رب تعالیٰ قبض روح آنحضرت سلواۃ اللہ علیہ فرمود
و آن پیر ملک الموت بود علیہ السلام و آنحضرت را در قبر گذاشتند
نوذ بی بی سارہ خاتون مدفون گردید بگذاشتی عرائس امام تعلبی رحمۃ
اللہ علیہ

الحمد للہ والمنہ کہ ترجمہ فارسی رسالہ عزلی خواجہ حسن بصری رحمۃ اللہ علیہ
در مطبع مصطفائی بتاریخ بست و پنجم محرم ۱۲۶۹ ہجری محمد مصطفیٰ خان خلف حاجی
محمد روشن خان عفا عنہما المنان بطبع نمود

56/3

بسم اللہ الرحمن الرحیم

سب تعریف اُس ناگ کے واسطے لایق ہی کو
جسنے ہمارے ہدایت کے واسطے خاتم النبی صلی اللہ
علیہ وسلم کو بھیجا اور ہمکو کفر کے غار سے نکالنے کے لئے
اپنا کلام پاک اُن پر نازل فرمایا اور اپنے وعدے
موجب جو قدیم کتابون مین فرمایا تھا نور احمدی سے
کعبہ کو نورانی اور روشن فرمایا اور آخری زمانے مین
جو اپنے گھر کے پہار کا درجہ اونچا کرنیکا وعدہ فرمایا تھا

کو پورا کیا اور ایک عالم کو تربیت دی کہ اس گھر کے
طواف اور اسکے مذہبی مراسم بجا لانے کے لئے سوار اور
پیادے دور سے جیسے بشارت ابراہیمی کی تھی
ہوئی اور کنار اذر مشرکین کی گردن نیچی اور ہزار
ہزار درود بے شمار اس رسول مقبول پر جنہوں نے
کعبہ کو آباد کیا اور احکام و ارکان حج کے صاف صاف
بیان فرمایا اور انکے اولاد اور اصحاب اور ازواج پر
جنکے وسیلے سے ہم تک قرآن و حدیث پہنچا بعد حمد
و نعت کے جاننا چاہئے کہ مشکوٰۃ مزیلت بین کہ ابن
روایت ہے ابن عمر رضی اللہ عنہ کے حضرت
رسول اللہ صلے اللہ علیہ وسلم نے فرمایا ہی کہ بنا کیا
ہی اسلام اوپر پانچ چیز کے بیان کیا ہی ذکر اس بات کا
کہ کوئی معبود نہیں سوائے خدا کے اور محمد رسول خدا کے
ہیں دو طرح نماز پڑھنا بیشتر از کوٰۃ دینا چوتھا حج کرنا
ماہ رمضان کا روزہ رکھنا پس جب معلوم ہوا

کہ پانچ چیز جسکن اسلام کے ہین سب ہر مسلمانکو ضرور ہوا
کہ احکام ان پانچ چیز کے جانین اور چونکہ احکام اُنکے زبان
عربی مین ہین عوام بے چارے محروم رہتے ہین اور
ہر مسئلہ کو عالم سے پوچھنا دشوار ہی اور اکثر کتابین
زبان ہندی مین مسائل ایمان اور نماز اور روزہ کے
تصنیف ہوئین ہین لیکن ابتک کوئی کتاب احکام حج
کے زبان ہندی مین تصنیف نہین کی گئی تھی اسلیے
بندہ حقیر خواہ عبدالنبی شب و روز اس فکر مین رہتا تھا
کہ کوئی کتاب بیان مین ارکان و احکام حج کے لکھی جاوے
اس مین خدا کے فضل سے ایک رسالہ مختصر فارسی زبان
مین جسمین مسائل ضروری احکام اور ارکان حج کے بخوبی
بیان ہین تصنیف کیا ہوا حضرت مولانا شاہ عبدالعزیز
محدث دہلوی قدس سرہ العزیز کا کہ جب کسی شخص
کو حج کے لیے بھیجتا تھا اُسکے واسطے مختصر کر کے ضروری
مسائل حج کے لکھدیا تھا موجود رسالہ اس خاکسار کے

[illegible] آیات اس [illegible] خواہ خلق اللہ نے بنا کر [illegible]
زبان میں ترجمہ کرے کہ ہر ایک مسلمان بنا بیوں کے کلام
آوے تب اس رسالہ کو ترجمہ کر کے سنوں گا اس کام
سے جو بیوری کے خطر سے گذرا اتنوں سے اسکو
اول سے آخر تک دیکھا اور جہاں اصلاح تھی سمجھا
وہاں اصلاح فرمایا اور اصل رسالہ میں بعضے مقام جہاں کئی
لفظ سبب غلطی کتابت کے بڑھے تھے گئے اور دوبارہ اسکو
اس رسالہ کا پھر نہ بھیجا کہ اس عبارت کو صحیح کریں
اسواسطے اس مقام میں شرح وقایہ اور جامع الرموز
اور درالمختار وغیرہ کتب فقہ سے ترجمہ کیا اور تمام
اسکا ارکان [illegible] * * * * * *
ورحمۃ اللہ تعالیٰ جو سورت کے رہنے والے تھے ذکر کیا تو
اسواسطے کہ جسکے لیے یہ رسالہ لکھا تھا وہ اسی راہ
سے جہاز پر الاتما اسطرح ہر ایک ملک کا آدمی اپنے
اپنے ملک کے میقات سے احرام باندھے اور میقات

اُس مقام کو کہتے ہین جسکو شارع نے حد باندھ رکھی ہی کہ
جب وہان پہنچے تو بغیر احرام باندھے وہان سے کے
طرف اگے نہ بڑھے اور میقات یعنی احرام باندھنے کا
مقام مدینے والونکے لئے ذوالحلیفہ ہی اور عراق والونکے
لئے ذات عرق ہی اور شام والون کے لئے جحفہ ہی اور
نجد والونکے لئے قرن اور یمن والونکے لئے یلملم ہی اور یہی
میقات ہندوالون کا بھی ہی غرض یہہ کہ جس شخص کی
راہ جس میقات کے طرف سے ہووہی اُسکا میقات ہی
اور میقات سے بغیر احرام باندھے مکے کے جانیوالے کو گذرنا
حرام ہی اور میقات کے پہلے احرام باندھنا درست
ہی اور جو لوگ میقات اور مکے کے بیچ کے رہنے والے ہین
اُنکو بغیر احرام باندھے مکے کے طرف جانا درست ہی اُنکا
میقات حرم کے باہر ہی اور حجتینے حج کے تین کہلاتے ہین
شوال اور ذی القعدہ اور دس روز ذی الحجہ کے اسلئے
تعالی سب مسلمان کو توفیق اپنے خاص گھر کے زیارت کا

بطفیل نبی آمین یارب العالمین

ابتدا ہے نحمد رسالہ مولانا عبد العزیز مغفور کا

بسم اللہ الرحمن الرحیم

جاننا چاہیے کہ جو شخص ارادہ حج کا کرے اور سامان سفر کا کرے اور صورت کی راہ سے جہاز میں بیٹھ کر مکہ معظمہ کی طرف روانہ ہو رہے تب پھر جب وہ شخص یلملم کے مقابل پہنچے وہاں سے احرام باندھے اور باندھنا احرام کا چار طرح پر ہے اول قران احرام حج کا باندھنا جسکو افراد کہتے ہیں دوسرے احرام عمرہ کا باندھنا پھر مکہ معظمہ میں پہنچ کر ارکان عمرہ کے حج کے مہینوں میں ادا کر کے احرام کھولنا تب پھر احرام حج کا باندھ کے حج کو ادا کرنا اس قسم کو تمتع کہتے ہیں تیسرے احرام عمرہ کا حج کے مہینوں کے سوائے اور دسویں تاریخ ذی الحجہ کے ارکان عمرہ کے ادا کر کے احرام کھول ڈالنا جو تھے وہ کہ میقات پر یا میقات کے مقابل میں پہنچ کے احرام حج اور عمرے

دونوں کا ساتھ ہی باندھنا اور اس صورت میں کہ
معظمہ میں پہنچ کر ارکان عمرے کے ادا کرے اور احرام
نہ کھولے بلکہ محرم رہے پھر جب حج کے دن آویں سب
ارکان حج کے ادا کرکے احرام کھولے اس قسم کو قران
کہتے ہیں اور یہ نزدیک امام اعظم رحمۃ اللہ علیہ کے
---
تمتع اور افراد سے افضل اور بہتر ہے پھر جب چار
قسم احرام کے معلوم ہوئے تب جاننا چاہیئے کہ جب
ارادہ احرام باندھنے کا کرے سب ناخن اور مونچھوں کے
ناخن ترشوادے اور بغل اور ناف کے تلے کے بال دور
کرے اور لب کے بال جو بڑھ گئی ہوں تو اسے چھوٹا
کرے اور اگر عادت سر منڈانے کی رکھتا ہو تو سر منڈادے
اور نہیں تو سر میں کنگھی کرے اور اگر جورو یا لونڈی ساتھ
ہو تو اس سے صحبت کرے اور خوشبوئی کا استعمال کرے کہ
احرام کے وقت ان چیزوں کا کرنا مستحب اور بہتر ہے
اور یہ چیزیں واجبات اور ضروریات احرام میں سے

نہیں ہیں وضو کرے اور غسل کرنا واجب ہی اور نہ ہو
اور چادر جو پاکیزہ پاک و صاف ہو نئی ہو یا
دھوئی ہوئی ہو پہنے اور دو رکعت نماز نفل کی ادا کرے بعد
اسکے اگر قصد قران کا رکھتا ہو تو اسطرح نیت کرے
اللھم انی ارید الحج والعمرۃ فیسرھما لی وتقبلھا منی
یعنی اے خدا تحقیق ارادہ کرتا ہوں میں حج اور عمرے کو
پس آسان کر ان دونوں کو واسطے میرے اور قبول
کر ان دونوں کو مجھ سے اور اگر قصد تمتع کا رکھتا ہو یوں کہے
اللھم انی ارید العمرۃ فیسرھا لی وتقبلھا منی اور اگر قصد
افراد کا رکھتا ہو یوں کہے اللھم انی ارید الحج فیسرہ لی و
تقبلہ منی بعد اسکے تلبیہ کہے اور الفاظ تلبیہ کے یہ ہیں
لبیک اللھم لبیک لبیک لا شریک لک لبیک ان الحمد والنعمۃ
لک والملک لا شریک لک اس قدر الفاظ سے کم نہ کہے
اور اگر اس سے زیادہ کہے تو مضائقہ نہیں اور صورت تلبیہ
نیت سے حج یا عمرے کے تمام کرنا کتاب احرام اسکا تمام

نہ بتنے اور ریاضت سیانی کا کمر میں مسابقہ نہیں اور اسی
میں سے یہ ہی کہ اپنے عورت سے جماع نکرے اور
جس جرو کو خواہش جماع کی ہوتی ہی پر ہیز کرے
مثل پوست بلسا اور شہوت کے ہاتھ اٹھیکدن بھوما
اور اسی میں سے یہ ہی کہ ذکر جماع کا اور شہوت
بھری باتیں اور مرد عورتوں کے درمیان پر نہ لاوے اور
اس میں سے یہ ہی کہ کوئی برا کام کرے اور کسی کے
ساتھ لڑائی اور جھگڑا نکرے اور اسی میں سے یہ ہی کہ
خشکی کا شکار نکرے یہاں تک کہ کسی شکار کرنوالے کو شکار کا
پتا بھی نہ دے اور شکار کو اشارہ سے بھی نہ بتاوے اور
شکار کرنوالے کی کسی طرح مدد نکرے اور دریائی شکار
جیسا کہ مچھلی ہی روا ہے اور اسی میں سے یہ ہی کہ
خوشبوئی نہ لگاوے اور اسی میں سے یہ ہی کہ ناخن اور
مرا اور ڈاڑھی کے بال بلکہ سارے بدن کے بال دور کرے
نہ مونڈھا کے نہ کترا کے اور اسی میں سے یہ ہی کہ مرا اور

ڈاڑھی کے بال و ناخن گل خیرو و غیرہ سے مُنڈھوانے اور
اُسی مین سے بہتر ہین کہ اپنے منہہ اور سر کو کسی چیز سے
نہ ڈھانپے اور احرام کی حالت مین کئی جانورون کا قتل
کرنا روا ہی اُن کے قتل سے یہ صدقہ دینا ہوگا اور نہ دم
واجب ہوگا اور دم کہنے ہین قربانی کو اور وہ جانور ہین
ہین کوا اور چیلہ اور سانپ اور بچھو اور چوہا اور کلنی
اور کچھوا اور بھیڑیا اور گیدڑ اور پتنگہ اور مکھی اور
چیونٹی اور گرگٹ اور برنی اور پسو اور ہاتھی اور مچھر
اور جانور پھاڑ کھانیوالا اور جتنے ایذا دینے والے جانور
ہین فرض حج مین چار ہین پہلے احرام دوسرے عرفات
مین عرفے کے روز زوال کے بعد سے عید الضحی کے فجر تک
وقوف کرنا یعنے ٹھہرنا اگر چند لمحہ بھی غافل ہوتے مرنے
طواف زیارت کہ اُسکا کرنا عید کے روز مین بہتر ہی اور
اُسکا تاخیر کرنا قربانی کے دنون سے موجب دم کا ہی
چوتھے ترتیب کو نگاہ رکھنے ان کا مین ہین یعنے اول احرام

اور مرد کے واسطے نماز میں فرض ہی اُسکا چھپانا *
تیرھویں سعی صفا سے شروع کرنی * چودھویں جسکو
قدر نہو اُسکو صفا اور مروہ میں پیادہ پا سعی کرنی
* پندرھویں ذبح کرنا بکری کا اور جو اماند بکری کے ہی
قران کرنے والے اور تمتع کرنے والے کو * سولھویں
ہر شوط طواف کے بعد دو رکعت نماز ادا کرنی *
سترھویں ترتیب کا نگاہ رکھنا درمیان اگر یان پھینکنے
اور حرمت اُنے اور ذبح کرنے اور طواف زیارت کرنے
کے واسطے پر کہ پہلا کنکری پھینکے بعد اُسکے ذبح کرے بعد
اُسکے حرمت اوتے بعد اُسکے طواف زیارت کرے *
اٹھارھویں طواف زیارت کا ایام نحر میں کرنا یعنے دسویں
عید الضحی کے اور دو روز اُسکے بعد * انیسویں طواف
کرنا اسطور پر کہ حطیم اندر طواف کے آجاوے یعنی طواف
کرنا پیچھے سے حطیم کے طواف میں داخل ہو جاوے
* بیسویں بعد طواف کرنے کے صفا اور مروہ میں سعی

کرنی * اکیسویں مکان میں اور وقت نفس میں حرمت انا یعنے
حرام ہیں اور ایام تحریق حرمت انا * بائیسویں ہار رہنا
رنڈوہٹ سے مثل جماع و جرد کے بعد وقوف عرفہ کے
بھی اور اُسکے سوا باقی سب سنت اور مستحب اور
آداب ہی علامہ یہ کہ جو چیز کہ اُسکے ترک سے دم لازم آتا ہی
وہ واجب ہی اور دم ان میں جسر دیمین سے ایک کو
کہتے ہیں یعنے اونٹ گائی دنبہ یا بکری بھیڑ کی بھی دینے
میں داخل ہی اور دسویں دم میں کفایت کرتا ہی لیکن
دو چیزوں میں نہیں ایک بدلہ طوافِ فرض کو ناپاکی کے
حالت میں کیا دوسرے یہ کہ بعد وقوف عرفہ کے جماع کیا
یہاں دو چیزوں میں دنبہ کافی نہیں ہی بلکہ گائے یا اونٹ
ذبح کرنا چاہیے اور گوشت ہدی کا جو گراں اور نفع کے
واسطے کھے کھانا چاہیے ہی ملکہ مستحب ہی نا گوشت
فرمائی پکا اور گوشت ہدی اسلام کا بھی کھانا چاہیے اور
اُسکے سوا اور ہدی کا گوشت اپنے تئیں کھانا درست

نہین ہی اگر قران اور تمتع کے ہدی سے عاجز ہو تو اس
صورت مین دس روزہ لازم ہوتا ہی تین روزہ قبل ایام
قربانی کے اسطرح پر کہ آخر روز عرفہ کے روز پر ہے اور
سات روز حج سے فارغ ہونے کے بعد جہان چاہے
رکھ لے اور اگر پہلے عرصہ آنے کے ہدی پر قادر ہو تو
اس صورت مین اسپر ہدی لازم ہی اور اس صورت مین
ہدی کے بدلے مین روزہ نہین ہاکو بیشک اور ہدی کیلئے
نہین قربانی کے جانور اونٹ گاے بکری کو جو کعبہ تک
پہنچا کے ذبح کیئے جاتے ہین * جب کہ معظم مین داخل ہونیکا
ارادہ کرے تب غسل کرے اور یہہ غسل مستحب ہی
اور مکہ معظمہ کی بلندی کی طرف سے کہ اسی طرف
ثنیہ علیا ہی اور معلا بھی جو مقبرہ مکہ کا ہی اسطرف
سے داخل ہوے اور داخل ہونے کے واسطے دن بہتر ہی
رات سے اور جس وقت کہ شہر مکہ مین داخل ہوا سباب
اپنا جہان رکھنا منظور ہو وہان رکھنے کے بعد پہلے

مسجد الحرام میں جاوے اور سخت ہی کہ مسجد الحرام
میں آنے کے وقت تلبیہ کہے اور دروازہ بنی شیبہ کی
طرف سے کہ اسکو باب السلام بھی کہتے ہیں مسجد میں
داخل ہو اور جب بیت اللہ نظر آوے تب تکبیر اور
تہلیل یعنی اللہ اکبر اللہ اکبر لا الہ الا اللہ کہے اور جب
مسجد حرام میں داخل ہو تو اس حالت سے کہ عاجزی اور
انکساری کرتا ہوا اور اپنے تئیں ذلیل سمجھتا ہوا اور
مکہ کی بزرگی کو ملاحظہ کرتا ہوا اور خائف غم دل اور
رحمت کے داخل ہو اور طواف عمرہ کا اور طواف قدوم
کا کہ قارن اور مفرد اور کے کہے سوا اور شہر والوں کے
واسطے سنت ہی بجا لاوے اسطور پر کہ پہلے حجر اسود کے
سامنے آوے اور تہلیل اور تکبیر پڑھے اور حجر اسود کے
چومنے وقت دونوں ہاتھوں کو اٹھاوے جیسا کہ نکبیر
تحریمہ کے وقت اٹھاتے ہیں اور حجر کو بوسہ دیوے
بشرطیکہ کسی کو رنج نہ پہنچاوے اور اگر ایسا ہو تو حجر اور

مجمع حلالیں کے حجر اسود کو جو ہم نے بوسے تو حجر تک ہاتھ پہنچا کر
ہاتھ کو چومے اور اگر یہ بھی ممکن نہ ہو تو دوسری چیز کو مثل
عصا وغیرہ کے حجر اسود سے چھلا کر اسی چیز کو چومے
اور اگر یہ بھی ممکن نہ ہو تو حجر کے برابر آ کے حجر کی طرف
منہ کرے اور تکبیر اور تہلیل اور درود کہے اور
طواف اضطباع کے ساتھ کرے یعنے اپنی چادر کو درمیان
بغل کے نیچے سے ڈال کے بائیں کندھے پر ڈالے اور
اسی شکل سے سات مرتبہ طواف کرے
یعنے حطیم کو بھی طواف میں لے پہلے تین مرتبہ طواف میں آ
رمل بھی کرے یعنے جلدی کے ساتھ چلے اور دونوں
مونڈھوں کو چلتے وقت ہلاوے اور جب حجر اسود کے
برابر گذرے تو اسی طرح سے جو پہلے مذکور ہوا بجا لاوے
یعنے استلام کرے اور تکبیر اور تہلیل اور درود پڑھے
اور طواف کا ختم بھی حجر چومنے پر کرے اور رکن
یمانی کو جو متصل میں حجر اسود کے ہے بوسہ دینا بہتر ہے اور

بعد طواف کے دو رکعتیں نماز ادا کرے کہ پہلی دو رکعتیں
حنفیوں کے نزدیک واجب ہیں اور ان دو اور وتر کو تین کے
نزدیک مقام ابراہیم کے پڑھے اور اگر یہ میسر نہ ہو تو
اس جگہ کہ ممکن ہو جو آجکل جگہ کہ مسجد میں جانے پر ہے
اول رکعت میں بعد فاتحہ کے قل یا ایھا الکافرون اور
دوسری رکعت میں قل ہو اللہ پڑھے اور بعد نماز کے دعا
کرے اور اپنی حاجت طلب کرے اور چاہ زمزم پر
جاوے اس کا پانی پیئے بعد پینے کے پھر مقام ملتزم پر
آوے اور حجر اسود کو چومے اور پہلو بدل اور دروازہ پر
مذہب کو بہتر ہے کہ بعد طواف زیارت کے صفا اور
مروہ میں سعی کرے اور اگر پہلے طواف قدوم کے جو
آفاقی کے لئے سنت ہے سعی کرلے تو جائز ہے اور
مسجد حرام سے باہر آکر صفا کی طرف آوے اور صفا کے
اوپر اس قدر چڑھ جاوے کہ کعبہ شریف اس کو نظر آوے
اور یہ اللہ کی طرف متوجہ کرے اور دونوں ہاتھوں کو آسمان کی

طرف اُٹھا کر جو چاہے سو دعا کرے تکبیر اور تہلیل اور تحمید
اور درود بجالاوے پھر مروہ کی طرف آوے اچھی
اپنے طور پر چلے لگے جب بطن وادی میں پہنچے تو میل اخضر
سے دوسری میل تک سعی کرے یعنی خوب تیز چلے اور مروہ
پر آوے اور قبلہ رخ کھڑا ہو کر تحمید اور تہلیل اور ثنا اور
درود بجالاوے اور تکبیر اور دو تو ہاتھوں کا اُٹھانا جیسا کہ
صفا پر کیا تھا یہاں بھی کرے اسی طرح سات مرتبہ آوے
اور جاوے اور یہ چلنا شروع کرے صفا سے اور ختم
کرے مروہ پر اور سعی میں شرط یہ ہے کہ بعد طواف کے
ادا کی جاوے اگر قبل طواف کے سعی کی تو پھر دوبارہ کے
سعی کرنا لازم ہے اور اس سعی کے واسطے طہارت ضرور
نہیں ہے اگر ساتھ طہارت کے ادا کرے تو بہتر اور اولیٰ
ہے بلکہ اسی طرح وقوف عرفہ اور مزدلفہ اور رمی جمار
یعنے کنکری پھینکنے کے واسطے بھی طہارت شرط نہیں ہے
طواف کے لئے طہارت ضرور ہے اور حالت طواف اور

آفتاب کے ڈھلنے سے پہلے آوے اور اگر ظہر پڑھکر آیا تو یہ بھی بدلا یقہ نہیں اور عرفات کی رات کو منا مین کاٹے اور عرفہ کے فجر کی نماز فجر کی تاریکی کے وقت پڑھکر عرفات کی طرف جاوے اور اگر اتنا دیر تاریخ کو منا مین آوے یعنے اتنی وقت آوے بعد فجر اور طلوع ہونے آفتاب کا خیال نہ رکھے اور عرفہ کے روز عرفات مین جاوے یعنے کسی وقت جاوے اس روز فجر کی نماز تاریکی مین پڑھکے عرفات کی طرف جانے کا خیال نہ رکھے تو جایز ہی لیکن خلاف سنت کے ہی اور عرفات مین جہان چاہے اترے سوائے بطن عرنہ کے اور اترنا نزدیک جبل رحمت کے افضل اور بہتر ہی اور اس روز مین بعد اترنے کے غسل کرنا سنت ہی اور اس جگہ یعنے عرفات مین وقوف کرنا یعنے ٹھہرنا فرض ہی جسے اسکے حج نہین ادا ہوتا اور امام کا خطبہ سنے اور امام کے ساتھ بشرط احرام کے نماز ظہر اور عصر کی

ہے اور اس کے اور تنہائی اور خوب
تلاوت اور درود سے حاجتیں اور بخشش اور اخلاص
سے بہت سا بچے اور اپنی حاجت طلب کرے پھر
آفتاب ڈوبنے وقت امام کے ساتھ مزدلفہ میں آوے
اور راہ میں استغفار اور تلبیہ اور اس کی ذکر اور حمد
اور صلوٰۃ بہت سا کرتا رہے اور مزدلفہ میں آکر امام
کے ساتھ نماز مغرب اور عشا کی اکٹھا پڑھے اور عشا کی
نماز کے بعد اسی جگہ رات کاٹے اور اس جگہ پر رہنا
واجب ہے اور مستحب ہے کہ رات بھر جاگے اور تلاوت
قرآن اور ذکر اور دعا میں جاگتا رہے اور فجر ہوتے ہی تاریکی
میں فجر کی نماز ادا کرلے اور جس جگہ چاہے مزدلفہ میں
وقوف کرے مگر وادی محسر میں وقوف نہ کرے اور
اگر اس وادی میں گذر ہو تو چاہئے کہ تیزی کے ساتھ
نکل جاوے اور بعد فجر کے مزدلفہ میں وقوف کرے
یہاں تک کہ اسفار ہو جاوے یعنی خوب صبح روشن

زیارت کرتا رہے اور رات کو مزدلفہ میں رہا کرے اور
یوم النحر کے دوسرے یا تیسرے دن تینوں جمرات کو کنکری مارے
پہلے اس جمرہ کو جو مسجد خیف کے متصل ہے سات
کنکری مارے بعد اسکے اس جمرہ کو جو اسکے پاس ہے
جسکو جمرہ وسطیٰ کہتے ہیں بعد اسکے جمرہ عقبہ کو اسی طرح
سات کنکری مارے وقت کنکر مارنے کا یہ ہے کہ
تیسرے یا چوتھے دن تینوں جمرات کو کنکری مارے
سات سات کنکر ہوں اور جو چوتھے دن اگر وہاں رہے
تو اس پر تینوں جمرات کی رمی لازم ہو اور اگر کوچ کیا تو
جو چوتھے روز کا کنکری مارنا ساقط ہوا لیکن کنکری مارنے کا
وقت ان تینوں دن میں زوال کے بعد ہی ہے لیکن
جو چوتھے روز اگر قبل زوال اور بعد طلوع فجر کے کنکری مارا
تو جائز ہی اگرچہ مستحب اور مہینوں بعد زوال کے ہی
اور دوسرے اور تیسرے روز قبل زوال کے کنکری
مارنا جائز نہیں ہی اور مستحب ہی کہ کنکری چھوٹی

بہت بڑی نہو اور پاک ہو اور کنکری جمرات کے
پاس سے نہ لے بلکہ مزدلفہ یا وادی سے لے آوے اور
کنکری سیاہ اور ابھار پن لیکر پھینکے اور کنکری پھینکتے
وقت جمرات سے پانچ ہاتھ سے کم فرق نہو اگر زیادہ
ہو تو مضایقہ نہیں ہے اور جو کنکری پھینکیا کہ اُسکے بعد
کنکری پھینکنا ہی پاوے پھینکے اور جو کنکری پھینکنا
کہ اُسکے بعد کنکری پھینکنا نہیں ہے پاوے اور سوار
اُسکے بن برابر ہی اور وادی پن کھڑا ہو کر اوپر کی طرف کو
کنکری پھینکے اور کنکری پھینکتے وقت منا کو داہنی طرف
اور کعبہ کو بائیں طرف رکھے اور تاسی شکل پر کنکری
پھینکے اور اگر کنکری جمرات سے دو ہاتھ تو وہ پھینکنا
درست نہیں بلکہ چاہیے کہ کنکری جمرہ کے پاس یا اُسکے
اوپر پڑے اور دو ہاتھ سے کنکری مارے ہر کنکری
کو جدا جدا پھینکے اور اگر مٹھی میں سب کو لیکر ایک
ہی بار پھینک دیا تو جائز ہی اور زمان افعال کے بعد وادی

محبت اپنی آگر ایک دوسرے سے ظاہر کرنا چاہیں تو
صدر کے واسطے بعض رعایتوں کے ادا کرنے کے واسطے چاہیے
کہ کبھی سے تو نا مطمئن ہوا کریں تو کہ طرح سے پھر کر
دونوں آپس میں صلح کر لیں اور یہ باتیں واجب ہیں اور
اس طرح سے بیچ میں رہنا اور سمجھانا بجھانا اور
اس کے چاہنے والے بیچ میں آکر بات بھر کر جانی ہوئی کمی تار کر دینے
اور اس طرح سے نفرت کو محبت کی طرف لے آنا کہ جس سے اور باتیں
اس کی اپنے منہ سے اور کہیں اور بدل بھی جائیں اور پھر
محبت زیادہ کی طرف آوے اگر ہو سکے تو اور دونوں
اور اگر کچھ کے بعد دونوں ہونا نہیں تو اس کے آنسو
کو اور مکان ماتم کو پونچھ دے اور اپنے سینہ اور منہ کو
صاف کر لے اور ماتم سے اپنے سب کو ہٹا دے اور رکھ
کے دونوں کو پکڑ کے بہت سا گریہ و زاری کرے اور اس وقت
بھی لکھنا اور مسلسل اور دوسرے اشغال اور اذکار
اور ورد اور وظائف میں مشغول رہے اور اپنی حاجت

اللہ تعالیٰ سے مانگے اور اپنے منہ کو کعبہ کی طرف
کئے ہوئے احرام سے باہر آوے اسکے بعد جہاں چاہے
جاوے عمرہ میں سعی واجب نہیں ہی اور ایک
سال میں کئی عمرہ ادا ہو سکتا ہی اور اسکا وقت
تمام سال ہی مگر حج کے ایام میں اکروہ ہی اور
حج کا ایام عرفہ کا روز اور نحر کا روز اور ایام تشریق
ہی اور بہتر عمرہ جو اکروہ نہیں یہ غیر قارن کے لئے اور
عمرہ کا بالکل احرام اور طواف ہی اور واجبات عمرہ کے
دو حرف ہیں ایک تو سعی کرنا صفا اور مروہ میں دوسرے
سر منڈانا یا بالوں کو کترانا اور شرطیں عمرہ کی مثل
شرطیں حج کے ہیں اور سنت اور آداب عمرہ کے مثل
سنت اور آداب حج کے ہیں ... احکام جنایات کے
جنایت کا معنے گناہ ہی اور یہاں مراد ہی اُنکاموں سے
کہ جنکا کرنا محرم کو منع ہی سو احکام جنایت کے بے
یہاں سے سنو اگر محرم نے پورے ایک صنف میں استعمال

کوئی زہر و بستی جنایت کرنا و سے سب برابر ہین
اگر محرم نے بہت سی خوشبو کھا لیا تو اسپر دم
لازم ہوتا اور خوشبو کے سونگھنے اور خوشبودار پھول
اور خوشبودار میوہ کے سونگھنے سے محرم پر کچھ
نہین لازم ہوتا مگر بلا کام کرنا ہی اور جوئین کے
مارنے سے خواہ اسنا کھانا ایک کھنے دست برابر خیرات
کردے یہہ اس شخص کے حق مین ہے کہ جسے اپنے بدن یا کپڑے
پاکیزہ کرنے مین یعنی کپڑے کے ملوث ہو اور اگر زمین سے کپڑے
کے ملوث ہونے کو دھونے مین نہ ڈالے دیا اس بہت پر کہ جوئین مرجاوین تو اگر ایسا کیا
اور بہت جوئین مرین تو اسپر آدھی صاع گیہون
خیرات کرنی لازم ہوتی اور اگر دھونے مین کپڑا
خشک ہونے کو رکھا ہو یہہ نیت نہو کہ جوئین مرین
اور جو جوئین مرین تو اسپر کچھ واجب نہین ہوتا فقط

تمام شد

یہ رسالہ مختصر جو ہر ہی فوائد دینی و اخروی سے ابتک
کسی نے ایسے نہیں لکھا تھا سو اور فی الواقع ایسا ہی چاہئے کہ
جس میں ارکان و احکام جمع کے بخوبی منقح و مبین ہوں
کیا بھی ہی ہزار شکر و احسان اس خدائے قادر مطلق کا
کہ اس خاکسار بے مقدار عبدالغنی سے یہ بھی ہو سکا اس سے
دیباچہ ارکان الحج جو تالیفات حضرت سراج الامۃ شاہ عبدالعزیز
محدث دہلوی رح کے ہیں بہم پہنچا کر اپنے اہتمام
اور اہتمام سے تصحیح سے محقق فاضل فقیہ کامل کا شفیع
دقایق معقول و منقول واقف علوم عقلی و نقلی
مولوی محمد وحید صاحب مدرس مدرسہ کلکتہ کے اور
فاضل اجے فطیر معین دین حضرت پشیر و نذیر جناب
مولوی پشیر الدین صاحب کے بسنہ ۱۲۹۰ ہجری میں
چھپا کر چھاپا خانے سے چھوا لیا۔

***

مَن مَّاتَ وَلَمْ يُجِبْ فَلَيْسَ بِإِنْسَانٍ شَاءَ يَهُودِيًّا وَإِنْ شَاءَ نَصْرَانِيًّا

پچیسویں تاریخ جمادی الاخرہ کی

# محمد حسین اور ولی محمد کی اہتمام میں چھپا ہوا

بسم اللہ الرحمن الرحیم

الحمد للہ رب العالمین والصلوٰۃ والسلام علی خیر خلقہ محمد وآلہ اجمعین

اما بعد یہ رسالہ ہی آداب الحرمین اسمین مسائل ضروری حج کی اور زیارت مدینہ منورہ کی اردو مین صاف صاف بیان ہی شرح وقایہ اور درالمختار وغیرہ سی بندہ عاجز خرم علی نی بموجب فرمایش سید میرک جان شناور لکھنوی کی سنہ ۱۲۴۹ ہجری مین مرتب کیا حق تعالی مسلمین کو اس سی فائز بخشی آمین مقدمہ صحیح بخاری اور مسلم مین ابوہریرہ سی روایت ہی کہ حضرت نی فرمایا کہ ایک عمرہ دوسری عمری تک درمیانی کناہونکو مٹاتا ہی اور مقبول حج کا تو سوای بہشت کی کوئی بدلا نہین اور صحیح مسلم مین ابوہریرہ سی روایت ہی کہ حضرت نی فرمایا کہ جو بیت اللہ مین آیا اسطرح کہ نہ اوسنی عورت سی صحبت کی اور نہ کناہ کیا تو ایسا بیکناہ ہو جاتا ہی جیسی کہ اوسکو اوسکی مانی جنا اور صحیح مسلم مین عمرو بن عاص سی روایت ہی کہ حضرت نی فرمایا کہ اسلام اگلی کناہونکو ڈہاتا ہی اور ہجرت اگلی کناہونکو ڈہاتی ہی اور حج اگلی کناہونکو

ڈہاتا ہی

دہاتا ہی **باب** پہلا حج مین اسمین چند فصلین ہین **فصل** حج فرض ہی جو اوسکو نمانی وہ کافری
حج اوس مسلمان عاقل بالغ پر فرض ہی جو آزاد اور تندرست اور مقدور والا ہو یعنی آتی جاتی
اہل وعیال کی خرچ کی سوای اوسکی پاس خرچ اور سواری میسر ہو اور راہ مین امن ہو اور
عورت پر اوسوقت فرض ہی کہ اوسکی ساتھہ خاوند یا محرم ہو تمام عمر مین ایکبار حج فور افرض
ہی یعنی مقدور ہو کر سستی کرنا سخت گناہی **فرائض حج** حج مین تین چیزین فرض ہین ایک
احرام دوسرے وقوف عرفہ یعنی عرفی کی دن عرفات مین ٹہرنا اگرچہ ایک ساعت ہی ہو
تیسرے طواف الزیارۃ ان تین سی اگر کوئی ترک ہو تو حج نہو **واجبات حج** وقوف مزدلفہ
یعنی وہان کا ٹہرنا اور صفا مروی کی درمیان دوڑنا اور کنکریان مارنا اور طواف الصدر یعنی طواف
رخصت مسافر کو کرنا اور سر منڈوانا یا بال کترانا اور میقات سی احرام باندہنا اور عرفات مین غسل و
ٹہرنا اور طواف حجر اسود سی شروع کرنا اور طواف داہنی طرفسی کرنا اور طواف پیادہ
کرنا اگر عذر نہو اور طواف مین باطہارت ہونا لیکن اکثر اسکو سنت کہتی ہین اور طواف مین ستر
عورت کرنا اور صفا مروی کی دوڑ صفا سی شروع کرنا اور اوس دوڑ مین پیادہ پا ہونا اگر عذر
نہو اور قران اور تمتع کرنیوالی کو ایک بکری ذبح کرنا اور سات بار طواف کر کی دو رکعت پڑہنا
اور کنکریان مارنی اور سر منڈانی اور ذبح مین ترتیب کرنا یعنی قربانی کی دن اول کنکریان مارے
پہر ذبح کری پہر سر منڈاوی اور طواف الزیارۃ قربانی کی دنون مین کرنا اور طواف بیت اللہ
کا معہ حطیم کی کرنا اور قاعدہ واجب پہچاننی کا یہہ ہی کہ جسکی ترک کرنی سی ذبح کرنا لازم ہو وہ
واجب ہی چنانچہ اسکی تفصیل آگی مذکور ہو کی فرض واجب کی سوای جو کام ہی سو سنت ہی یا ادب
جیسی خشوع مین کشایش کرنا اور طہارت سی رہنا اور زبان کو گالی اور غیبت سی روکنا اور
ماں باپ اور بیٹی اور ضامن ہی سی اجازت سفر کی لینا اور مسجد مین دو رکعت پڑہنی کی دو ستونسی رخصت

اونسی قصور معاف کروانا اپنی حنفین و حامنکو انا جمعہ رات کی دن سفر کرنا جلنی کے وقت کچھ خیرات
دینا **فصل** حج کی ایام شوال اور ذیقعدہ اور عشر ذیحجہ ہین ان دنونسی پہلی احرام باندہنا مکروہ ہے
اور عمرہ کرنا سو کدہی مکروہ یہہ کہ احرام سی طواف اور سعی ادا کری اور تمام سال درست
ہی مگر عرفہ سی تیرہوین تاریخ تک مکروہ تحریمی ہی اور موافیت احرام کی پانچ ہین یعنی وہ مکان جہانسے
مکہ جانیوالی کو دون احرام کی جانا درست نہین مدینہ والونکا ذوالحلیفہ ہی اور عراق والونکا
ذات عرق اور شام والونکا جحفہ اور نجد والونکا قرن اور یمن والونکا یلملم ہندوستان کی لوگ
بہی یلملم سی احرام باندہتی ہین انکا دنسی احرام کی تاخیر کرنا جائز ہی لیکن تقدیم درست ہی اور
مکہ والی حج کا احرام حرم سی کرین اور عمرہ کا احرام تنعیم سی **فصل** احرام کا طریقہ یہہ ہی کہ وضو
کری اور اگر غسل کری تو مستحب ہے اور سر منڈانا موچھ کترانا ناخن کاٹنا یا کی کینا بہی مستحب ہے اور اگر

[illegible]

اے الٰہی ارادہ حج فیسر الی وتقبلہ منی یعنی حج کی نیت پر اسطرح لبیک کہی لبیک اللھم
لبیک لبیک لا شریک لک لبیک ان الحمد والنعمۃ لک والملک لا شریک
لک یعنی مین حاضر ہون اے خداوند مین حاضر ہون مین حاضر ہون تیری حضور مین کوئی تیرا شریک
نہین ہی حاضر ہون مقرر سب تعریفین اور نعمتین تیری ہی ہین اور بادشاہی تیری ہی ہی کوئی
تیرا شریک نہین اس لبیک سی کوئی لفظ کم کرنا درست نہین اور اگر زیادہ کچھ کہی تو درست ہے پہر جب
نیت کری لبیک کہا تو محرم ہو گیا سو اسکو چاہیی جماع سی اور عورتون کی روبرو جماع کی بات
چیت سی اور گناہ سی اور فسیقونسی لڑنی جہگڑنی اور خشکی مین شکار نہ ماری اور نہ اوسکی طرف
اشارہ کری کہ کسیکو شکار بتلاوی لیکن دریا کا شکار درست ہے اور نہ خوشبو لگاوی اور نہ ناخن

اور منہہ کو اور سر کو نہ چھپاوی اور داڑہی اور سر کو خطمی سی نہ دھووی اور تمام بدن کی بال نہ مونڈی نہ کتری نہ اوکھاڑی اور کرتہ اور پاجامہ اور قبا اور پگڑی اور موزہ اور رنگین خوشبودار کپڑی کو نہ پہنی لیکن حمام کرنا اور کھر اور عماری کی سایہ مین ہونا درست ہی اور رسی ہوئی ہمیانی کو کمر پر باندہنا جائز ہی اسیطرح ہتھیار باندہنا انگوٹھی پہنا فصد لینا ہم پٹی کرنا بالی خوشبو کا سرمہ لگانا سر اور بدن کو کھجانا اسطرح سی کہ بال نہ ٹوٹی نہ جون جہڑے تو درست ہی محرم کو چاہیی کہ ہمیشہ لبیک کہا کری جب نماز پڑہی اور جب بلندی پر چڑہی اور جب پستی مین اتری اور جب سوار اور پیادہ دنسی ملی اور جب فجر ہووے **فصل** جب مکہ مین داخل

سیدہا حجر اسود کی طرف جاوی اور اللہ اکبر کہی اور کلمہ پڑہی اور نماز کیطرح رفع الیدین کری یعنی دونون ہاتہہ اوٹہائی اور حجر اسود کو ہتہیلی سی ملی یا چومی بشرطیکہ کسیکو تکلیف نہ دی اور نہین تو کسی چیز سی اوسکو چہوئی پہر اوسکو چومی اور اگر کثرت ہجوم سی یہہ بہی ہووے تو حجر اسود کی سامنی ہو کر اللہ اکبر کہی اور کلمہ پڑہی اور حمد خدا کری اور درود پڑہی پہر طواف القدوم شروع کری کہ مسافر کو سنت ہی اسطرح کہ حجر اسود سی اپنی داہنی طرف کو جدہر بیت اللہ کا دروازہ ہی طواف شروع کری اسطور سی کہ اپنی چادر کو داہنی بغل کی نیچی سی نکال کر بائین مونڈہی پر ڈال کی بیت اللہ کا سمت حطیم کی طواف کری سات بار اور اول تین طوافون مین دوڑی اکڑکی دونون مونڈہی ہلاوی جیسی لڑلی والی صف جنگ مین چلتی ہین اور جب طواف مین حجر اسود پاس آوے داوی طرح کری یعنی اوسکو ہاتہہ لگاوی یا چومی اور طواف مین رکن یمانی کو چہو نا مستحب ہی اور طواف ختم کری حجر اسود کو چوم کر یا چہو کر پھر دوگانہ طواف کا مقام ابراہیم کی پاس یا کہین اور

حرم میں ادا کری کہ یہ نماز سات طواف کی بعد واجب ہی پھر نماز کی بعد حجر اسود کو چومی پھر
مسجد سی باہر نکلی اور صفا پر چڑہی اور بیت اللہ کی سامنی سو کر اللہ اکبر اور کلمہ کہی اور درود پڑہی اور جو
دل چاہی سو دعا کری اور رفع الیدین کری پھر مروہ کو چلی راہ میں دو سبز مینار ہوں گی درمیان
دوڑی جب مروہ پر چڑہی تو جو صفا پر کر چکا سو وہاں بھی کری اسطرح سات بار کری صفا سی
شروع کری مروہ پر ختم کری مستحب ہے کہ اسکی بعد مسجد احرام میں جا کر دو رکعت نماز پڑہی پھر کی
میں جا کر رہی احرام باندہی اور نفل طواف کیا کری جتنا اوسکا جی چاہی مسافر کی حق میں نفل نماز
سی نفل طواف بیت اللہ کا افضل ہی **فصل** ذی حجہ کی ساتوین تاریخ امام خطبہ پڑہی اور منا کا جانا
اور عرفات کی نماز اور وہاں کا ٹہرنا اور پھر لوگوں کو تعلیم کری پھر نوین تاریخ عرفات میں اور
کیارہوین تاریخ منا میں خطبہ پڑہی اور احکام تعلیم کری پھر آٹہوین تاریخ فجر کی نماز کی بعد کہ
سی منا کو جاوی اور ایک رات اور دن وہاں رہی پھر عرفی کی فجر کو آفتاب نکلی عرفات میں
جاوی سوای بطن عرنہ کی تمام عرفات ٹہرنی کا مقام ہی پھر جب آفتاب ڈہلی تو امام دو خطبی
جمعہ کی طرح پڑہی اور احکام تعلیم کری اور ظہر کی وقت ظہر اور عصر کی نماز ملا کر پڑہاوی ایک
اذان اور دو اقامت سی لیکن بدون امام اور احرام کی ظہر اور عصر ملانا درست نہیں پھر غسل
کر کی ٹہہرنی کی مقام میں جا کر ٹہہری اور امام اونٹ پر سوار جبل رحمت پاس قبلہ رو پکار کر دعا

عشا کی وقت پڑہی مغرب کی نماز راہ میں یا مزدلفہ میں پڑہنا درست نہیں پھر رات کا
رہی جب کہ اول وقت تاریکی میں نماز پڑہی پھر وہاں ٹہہری اور دعا کری کہ واجب ہے

کہی اور کلمہ پڑہی اور لبیک کہی اور درود پڑہی پہر جب صبح کی سفیدی خوب ظاہر ہو جاوی تو
منا مین آوی اور جمرۃ العقبہ کو نالی کی اندر سی سات کنکریان ماری اور سی مارنا مکروہ ہے اور
ہر کنکری کی ساتھہ اللہ اکبر کہی اور پہلی کنکر سی لبیک کہنا موقوف کری پہر اگر چاہی تو ذبح کری
پہر سر کی بال کترائی یا منڈاوی لیکن منڈانا افضل ہی اسوقت سی ہر چیز حلال ہو گئی لیکن عورت
سی صحبت درست نہین پہر منا کی دنون مین یعنی دسوین گیارہوین بارہوین جب چاہی تو مکی مین
طواف الزیارۃ کی واسطی آوی لیکن دسوین تاریخ طواف کرنا افضل ہی سات بار طواف کری
اگر طواف القدوم مین اکڑ مچکا ہوا اور صفا مروے کی درمیان دوڑ چکا ہو تو اب نہ دوڑی اور اگر
طواف القدوم نہ کیا ہو تو ضرور اکڑی اور دوڑے پہر طواف الزیارۃ کر کی منا مین آوی اور
گیارہوین تاریخ تین جگہہ کنکریان ماری اول خیف کی مسجد پاس تھی پہر اوس سی قریب پہر جمرۃ العقبہ
کو سات سات بار کنکریان ماری اور ہر کنکری پر اللہ اکبر کہی اور پہلی اور دوسرے مقام پر
کنکریان مار کی ٹھہرا رہی اتنی دیر جتنی دیر مین سورۂ بقر ختم ہو سو وہان اللہ اکبر کہی اور کلمہ پڑہی
اور خدا کا شکر کری اور درود پڑہی اور دعا مانگی لیکن دسوین تاریخ اور تیرہوین تاریخ کنکریان
مار کی توقف نکری پہر بارہوین تاریخ اور تیرہوین تاریخ اسطرح کری اگر تیرہوین تاریخ وہان
رہی کہ یہہ مستحب ہی اور اگر تیرہوین تاریخ دوپہر ڈلنی سی پہلی کنکریان ماری تو بھی درست ہے اور نہہ
بھی درست ہی کہ تیرہوین تاریخ کو فجر ہونی کی قبل منا سی کوچ کری اور اگر صبح ہو گئی تو کنکریان
مارنا واجب ہو گیا پہر جب مکہ مین آوی تو سنت ہی کہ اول محصب مین اتری اگرچہ ایک ہی
ساعت سی پہر جب مکہ سی سفر کا ارادہ کری تو طواف الصدر یعنی رخصت کا طواف کری سات بار اور سفر
نہ اکری نہ دوڑے پہر زمزم کا پانی پی اور بیت اللہ کا آستانہ چومی اور اپنا سینہ اور منہہ ملتزم
مین لگاوی ملتزم اوس مکان کا نام ہی جو حجر اسود اور در کعبہ کی درمیان مین ہی اور بیت اللہ

کی پروون سی چیخ فریادی کیطرح اور خوب کوشش سی دعا کری اور روئے اور پہلی قدم چلنی سی اسکو دیکھتی ہوئی مسجد الحرام سی باہر نکلی اور عورت بہی مرد کی طرح کری لیکن سر کو نہ کہولی صرف منہ کہولی رہی اور لبیک پکار کی نہ کہی اور دو سبز مینار کی اندر نہ دوڑی اور سر کو نہ منڈاوی بلکہ تہوری بال کترواتی اور سیا کپڑا اوسکو درست ہی اور ہجوم مین مجرا سود پاس نہ جاوی اور حیض کے حالت مین سب کری لیکن طواف نکری **فصل** قران تمتع سی افضل ہی اسواسطی کہ پیغمبر خدا صی اللہ علیہ وسلم نی قران ہی کیا تہا اور اسواسطی کہ اوسمین مشقت بہی زیادہ ہی قرآن یہہ ہی کہ حج اور عمرہ کی میقات سی ساتہی نیت کری یعنی دو رکعتا احرام کی بعد یون کہی کہ اَللّٰھُمَّ اِنِّیْ اُرِیْدُ الْحَجَّ وَالْعُمْرَۃَ فَیَسِّرْھُمَا لِیْ وَتَقَبَّلْھُمَا مِنِّیْ پہر لبیک کہی اور جب مکہ مین پہنچی تو عمری کا طواف کری اول تین پاطواف مین اکڑی اور چہپٹی اور صفا اور مروے کی درمیان دوڑی جسطرح کی طواف القدوم مین مذکور ہو چکا لیکن سر نہ منڈاوی پہر طواف کی بعد احرام باندہی ہی اور حج کی ایام مین حج کری جو قران کری وہ طواف القدوم نکری کہ مکرر ہی اور دسوین تاریخ کنکریون کی رمی کری قربانی کری اور اگر مقدور نہو تو ساتوین آٹہوین نوین دسوین کہی اور سات روزی ایام تشریق کی بعد کبھی اگر پہلی تین روزی کہی تو اوسپر ذبح کرنا لازم ہو گیا اور اگر بدون عذر کہی عرفات کا وقوف کری تو عمرہ باطل ہو گیا اوسکی قضا کری اور عمرہ چہوڑنی کی بدلی ذبح کری اور تمتع افضل نہی ہی حج سی تمتع کا یہہ طریق ہی کہ میقات سی حج کی ایام مین عمری کی نیت سی احرام کری اور عمری کا طواف اور سعی کرکی سر منڈاوی یا بال کتراوی اور اول طواف سی لبیک کہنا موقوف کری پہر آٹہوین تاریخ ذیحجہ کی آوی حج کا احرام کری مفرد کیطرح یعنی نری حج کرنی والی کیطرح لیکن اوسکو لازم ہی کہ طواف الزیارۃ مین تین طواف مین اکڑی اور چہپٹی اور صفا مروہ کی اندر دوڑی اور دسوین تاریخ ذبح کری اور اگر عاجز ہو تو قران والی کی طرح روزی رکہی **فصل جنایات**

یعنی

یعنی قصور کی کفاری کا بیان اگر احرام والا کسی عضو کو خوشبو لگاوی یا سر پر مہندی کا خضاب کری
یا تیل لگاوی یا سیا کپڑا پہنی یا ایکدن بھر سر چھپاوے رہی یا چوتھائی سر یا ایک بغل یا ناف کی نیچی کی
بال منڈاوی یا ناخن کاٹی دونون ہاتھونکی یا دونون پاؤن کی یا ایک ہاتھ ایک پاؤنکی ایک
مجلس مین یا طواف القدوم یا طواف الصدر ناپاکی کی حالت مین کری یا امام سی پہلی عرفات

[illegible]

کسی عبادت مین تقدیم تاخیر کری جیسی کنکریان مارنی سی پہلی سر کو منڈاوی تو اوسپر ذبح کرنا واجب
ہوا خواہ بکری ذبح کری خواہ گائی اور اگر عضو سی کم مین خوشبو لگاوی یا سر کو ڈھانکی یا سیا کپڑا ایک
دنسی کم پہنی یا چوتھائی سر سی کم منڈاوی یا پانچ انگلیونسی کم کی ناخون تراشی یا کسی اور محرم یا حلال
کا سر مونڈی یا طواف القدوم بیوضو کری یا طواف الصدر مین تین شوط کری یا تین مقاموںسی
کسی مقام کی کنکریان مارنا ترک کری تو نصف صاع گیہون صدقہ دیوی اور اگر بیماری کی سبب سے یا کسی
اور عذر سی خوشبودار چیز لگاوی یا چوتھائی سر کو منڈاوی تو ذبح کری یا تین صاع گیہون چھ فقیرونکو
دیوی یا تین روزی کہی اور اگر قبل وقوف عرفات کی جماع کری تو حج باطل ہوا ذبح کری اور دوسرے
سال اوسکو قضا کری اور اگر احرام والا شکار کری یا کسیکو شکار بتلاوی قصدا یا سہوا تو اوسپر اوسکا
بدلا ہی خواہ شکار کا جانور دریں ہو خواہ کچھ اور اوسکا بدلا یہ ہے کہ جو وہان کی دو عادل اوسکی قیمت
اٹکل کریں پھر اوس قیمت کا جانور مول لیکر مکہ مین ذبح کری خواہ گیہون کو صدقہ دیوی ہر مسکین کو
نصف صاع اور اگر شکار کو زخمی کری یا اوسکی روئین نوچی یا اوسکا عضو کاٹی تو بقدر نقصان
کی کفارہ دیوی اور اگر جانور کی پر اوکھاڑی یا اوسکی پاؤن کاٹی تو اوسکی قیمت دیوی اور اگر انڈا
توڑی تو اوسکی قیمت دیوی اور اگر انڈا توڑنی سی مردہ بچہ نکلی تو زندہ بچی کی قیمت دیوی اور اگر حرم کی

کہاس کاٹی یا علو درود حجت کہ جو کسیکی تک میں ہیں کاٹی تو اوسکی قیمت دیوی اور اگر خشک ہو تو کچھ
مضائقہ نہیں اور گھاس کو نہ چھوڑی۔ کانٹی مگر اذخر کا کانٹنا درست ہی اور اگر حرم کا ہرن یا کبوتر اپنے
کی تکلیف دے تو اس میں ڈالی کہ جوں مرجاوی یا ٹڈی کو ماری تو کچھ صدقہ دیوی حقنا اوسکا چاہی
اور اگر کوا اور چیل اور بچھو اور سانپ اور چوہا اور باؤلا کتا ماری تو کچھ ضائقہ نہیں اور چیونٹی اور پسو اور
جھڑی اور پچھو اور درندہ جانور جو حملہ کری تو اوسکا مارنا درست ہی اور محرم کو درست ہی کہ گھاس اور درخت
اور اوشد اور نالو مرعی اور بطخ کو ذبح کری اور اگر غیر محرم نے شکار کیا ہو اسکی اشارت کی تو محرم کو
اوسکا گوشت کھانا درست ہی **فصل** اگر احرام باندھ کی بیماری سخت یا دشمن کے خوف سے حج نہ کر سکی تو
اپنی طرف سے کسیکے ساتھ قربانی مکہ میں روانہ کری اور وقت کا دن مقرر کر دیوی اگر بری بھی
ہو تو ایک قربانی اور اگر قربانی کے بیت کی موجود نہ قربانی بھی بھیجے حسن قربانی بھیج سکے اور
اپنا احرام اتاری اور نہ اگر قربانی نہ بھیجی اور کہہ لپٹ آوی اور احرام باندھی رہ سکی تو بھی درست ہی
بہتر یہ ہی سر منڈا کری اور اگر قربانی روانہ کرنی کی بعد صحت یابی یا خوف دور ہو تو حج کرنی کو روانہ
ہوی **فصل** موانع قبول دعا کعبہ کے اندر اور ملتزم اور حجر اسود اور طواف اور صفا مروہ کے درمیان
پیر اور زمزم اور مقام ابراہیم اور اول کعبہ بطرف پہلی میں اور رکن یمانی اور حطیم اور میزاب رحمت
تلی اور منا میں چودھویں رات کی آدھی رات میں اور عرفات اور مزدلفہ کی قیام میں دعا مقبول ہوتے
ہی ان جگہ میں بالقصد دعا کری **فصل** سفر السعادت میں ہے کہ جو حضرت صلی اللہ علیہ وسلم کی قبر
بیت اللہ پر پڑتی تو رفع الیدین کرتی اور اللہ اکبر کہتی اور یہہ دعا پڑھتی اَللّٰھُمَّ اَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ
السَّلَامُ حَيِّنَا رَبَّنَا بِالسَّلَامِ وَاَدْخِلْنَا الْبَيْتَ تَشْرِيفًا وَتَعْظِيمًا وَتَكْرِيمًا وَمَهَابَةً وَبِرًّا
مِنْ حَجَّةٍ وَاعْتَمِرْ تَكْمِيلًا وَتَشْرِيفًا وَتَعْظِيمًا وَبِرًّا اور رکن یمانی اور حجر اسود کی درمیان
یہہ دعا پڑھی رَبَّنَا اٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَّفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَّقِنَا عَذَابَ النَّارِ اور مقام

ابراہیم کی جاء پر یہ آیت پڑھی وَاتَّخِذُوْا مِنْ مَّقَامِ اِبْرٰهٖمَ مُصَلًّى اور صفا کی نزدیک آیت
پڑھی اِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَآئِرِ اللّٰهِ اور جب صفا پر چڑھی تو اللہ اکبر کہی اور یوں فرمایا
لَآ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِيْكَ لَهٗ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ لَآ اِلٰهَ اِلَّا
وَحْدَهٗ وَصَدَقَ وَعْدَهٗ وَنَصَرَ عَبْدَهٗ وَهَزَمَ الْاَحْزَابَ وَحْدَهٗ اور وہاں یہ دعا فرمائی
اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَسْئَلُكَ مُوْجِبَاتِ رَحْمَتِكَ وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ وَالْغَنِيْمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَالسَّلَامَةَ
مِنْ كُلِّ اِثْمٍ لَا تَدَعْ لِيْ ذَنْبًا اِلَّا غَفَرْتَهٗ وَلَا هَمًّا اِلَّا فَرَّجْتَهٗ وَلَا كَرْبًا اِلَّا كَشَفْتَهٗ وَلَا حَاجَةً اِلَّا
قَضَيْتَهَا اور عرفات میں ہاتھ اٹھا کر عاجز مسکین کی طرح یہ دعا فرمائی اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَالَّذِيْ
نَقُوْلُ وَخَيْرًا مِّمَّا نَقُوْلُ اَللّٰهُمَّ لَكَ صَلَاتِيْ وَنُسُكِيْ وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِيْ وَاِلَيْكَ مَاٰبِيْ وَلَكَ
رَبِّ تُرَاثِيْ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَوَسْوَسَةِ الصَّدْرِ وَشَتَاتِ
الْاَمْرِ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَجِيْءُ بِهِ الرِّيْحُ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَسْمَعُ كَلَامِيْ وَتَرٰى

[illegible]

لَآ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِيْكَ لَهٗ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ
حدیث میں آیا ہے کہ حضرت نبی فرمایا کہ میری دعا اور پیغمبروں کی دعا عرفات میں یہ لَآ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ

زن وسوا بس الصندد وشتات الامر اللهم انی اعوذ بک من شر ما یلج فی اللیل و
شر ما یلج فی النهار و شر ما هبت به الریح و من شر بوائق الدهر **باب** دوسرا مدینہ
کی زیارت میں **فصل** جذب القلوب میں ہے کہ پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم نے فرمایا کہ جسنے میری
قبر کی زیارت کی اوسکو میری شفاعت واجب ہوگئی اور جسنے حج کی بعد میری قبر کی زیارت کی
گویا اوسنے میری زندگی میں ملاقات کی اور جسنے حج کیا اور میری زیارت نکی اوسنے مجھپر ستم کیا
**فصل** سب علما کی نزدیک قولا وفعلا حضرت کی زیارت افضل سنت ہی حج کی بعد سو اسلئے کہ
جب قبور مسلمین کے زیارت مستحب ہی تو حضرت کی زیارت بطریق اولی افضل ہوئی اور ثابت ہی کہ
حضرت اپنی قبر میں زندہ ہین زیارت کرنی والی کی سلام کا جواب دیتی ہین تو ایسی نعمت سی محروم
رہنا بڑی بی نصیبی ہے **فصل آداب زیارت** بعد حج کی خالص نیت سی مدینہ منورہ کا قصد
کری اور راہ مین کثرت درود کی کری جب مدینہ کی قریب پہنچی تو زیارت کی نیت سی غسل کری اور اسنید
کپڑی پہنی اگر عطر میسر ہو تو بدن مین لگاوی اور جب مدینہ نمودار ہو تو سوار ہوی اور تری اگر ہو سکی تو
مسجد شریف تک پیادہ آوی اور جب حرم شریف مین پہنچی تو حضرت کو سلام کر کی یہ دعا پڑہی اللھم
ھذا حرم رسولک فاجعلہ لی وقایۃ من النار وامانا من العذاب وسوء الحساب
اللھم افتح لی ابواب رحمتک وارزقنی فی زیارۃ نبیک ما رزقتہ اولیائک یا
اھل لما عنک واغفر لی وارحمنی یا خیر مسئول اور کمال ادب اور شوق سی حرم شریف
مین داخل ہو اور روتا پڑہتا ہوا اور جب مسجد شریف مین داخل ہو تو اول داہنا قدم اندر رکہی اور یہ
دعا پڑہی اللھم افتح لی ابواب رحمتک اور درود پڑہی اور حضرت کی مصلی پر دو رکعت تحیۃ المسجد
پڑہی اور بعد نماز کی شکر الہی بجا لاوے کہ ایسی عمدہ نعمت وسکو نصیب ہوئی اوسکی بعد روضہ منورہ پر
زیارت کی واسطے کمال شوق اور ادب سی حاضر ہوا اور اسطرح سی تین بار سلام کری کہ السلام

علی

فاروق اعظم کی زیارت کری جیسا کہ معلم بتلاوی **فصل** جب تک مدینہ مین رہی اسکو غنیمت جانی
اکثر اوقات مسجد شریف مین حاضر رہی اور عبادات پر حریص رہی اور اعتکاف کری اور درود پڑہتا رہی اور
نفل نماز پڑہا کری خصوصا اوس مقام مین جو حضرت کی قبر اور منبر کی درمیان ہی کہ وہان کی نماز
اور دعا مقبول ہی اسواسطی کہ صحیح حدیث مین آیا ہی کہ میری منبر اور قبر کی درمیان بہشت کی باغ
ہی اور دوسری حدیث مین آیا ہی کہ سوای بیت اللہ کے حضرت کی مسجد کی نماز اور مسجدون سی ہزار
حصہ افضل ہی اور کعبی کی نماز مدینہ کی مسجد سی سو حصہ زیادہ ہی تو اور مسجدون سی لاکہہ حصہ افضل ہوئی
اور جب بقیع کی زیارت کو جاوی تو یہہ دعا کری اَللّٰھُمَّ اغْفِرْ لِاَھْلِ بَقِیْعِ الْغَرْقَدِ اَللّٰھُمَّ لَا
تَحْرِمْنَا اَجْرَھُمْ وَلَا تَفْتِنَّا بَعْدَھُمْ وَاغْفِرْ لَنَا وَلَھُمْ پہر ہر ایک قبرون پر جاوی اصحاب اور
اہل بیت کی اور سلام کری چنانچہ مشہور ہی اور مستحب ہی کہ مدینہ کی اور مساجد مین نماز پڑہی خصوصا مسجد
قبا مین اور جبل احد کی اور وہان کی شہیدون کی زیارت کری اور وہان اپنی واسطی خدا سی دعا
خیر کری باقی آداب اور دعائین وہان کی معلم بتلا دیتی ہین یاد و تفصیل کی حاجت نہین الہی
اپنی کرم اور فضل سی ہمکو بہی حرمین شریفین کی زیارت نصیب کر آمین
یارب العالمین وصلی اللہ علی سیدنا وشفیعنا محمد
وآلہ واصحابہ اجمعین

بعد تمام کرنی اس رسالہ کی عاجز محمد حسین لکھنوی مہتمم مطبع محمدی کو یہہ سبب
معلوم ہوا کہ احرام سی طواف رخصت تک بترتیب ہر مقام کی دعائین لباب المناسک مختصر
مجمع المناسک ملا رحمۃ اللہ سی جسکی شارح ملا علی قاری ہین لکھدیجی تا ہر مقام کی دعاؤ
شائق کو بھی جو اس مختصر قدر ضرورت پر اکتفا نکری یہہ رسالہ فائدہ بخشی اور جو کچھ اس سی زیادہ
مسائل حج کی تفصیل درکار ہو کی تو اس عاجز کی رسالہ زاد الحرمین مین پاویگا خدا نی چاہا تو

## قریب اسکا بھی چھاپہ ہوتا ہی اغاز ادعیہ

احرام کا دوگانہ مسجد مین مستحب ہی اگر میقات پر مسجد ہو تو غیر مکروہ وقت مین کپڑی احرام کی
پہن کے دو رکعت نماز سنت احرام کی نیت کری پہلی رکعت مین بعد سورہ فاتحہ کی سورت الکافرون
اور دوسری رکعت مین بعد سورہ اخلاص کے رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ
پڑہی اور دوسری رکعت مین بعد سورہ اخلاص کے رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ
أَمْرِنَا رَشَدًا پڑہی اور بعد سلام کی حج کی مطابق یون زبان سی فقط حج کا کرنی والا کہی اَللّٰهُمَّ إِنِّي
أُرِيدُ الْحَجَّ فَيَسِّرْهُ لِي وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي اور بعضون نے یہہ بھی بڑہا ہی وَأَعِنِّي عَلَيْهِ بَارِكْ لِي فِيهِ
نَوَيْتُ الْحَجَّ وَأَحْرَمْتُ بِهِ لِلّٰهِ تَعَالَى اور متمتع یعنی جو عمرہ کر کی حلال ہو جائیگا اور پھر مکہ سی حج
کی تمتع کی نیت کریگا وہ یون کہی اَللّٰهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْعُمْرَةَ فَيَسِّرْهَا لِي وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي اور جو پہلی
لفظ یہان ہی زیادہ کری تو أَعِنِّي عَلَيْهَا وَبَارِكْ لِي فِيهَا نَوَيْتُ الْحَجَّ وَأَحْرَمْتُ بِهَا لِلّٰهِ تَعَالَى
کہی اور قارن یون نیت کری اَللّٰهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْعُمْرَةَ وَالْحَجَّ فَيَسِّرْهُمَا لِي وَتَقَبَّلْهُمَا مِنِّي
وَأَعِنِّي [illegible]
لَبَّيْكَ اَللّٰ[illegible]
لَكَ اور [illegible]

الیک والعمل لبیک الله الحق لبیک اور حج یا عمرہ جسکی نیت کی ہی اوسکا بھی ذکر لبیک مین
کری تو بہتر ہے جیسی لبیک بحجۃ حقا یا لبیک بعمرۃ حقا یا لبیک بعمرۃ وحجۃ حقا اور
لبیک کی بعد دعا بھی مستحب ہی جیسی اللھم اعنی علی فرض الحج وتقبلہ منی واجعلنی من وفدک
الذین رضیت عنھم وارتضیت وقبلت اللھم احرمت لک شعری وبشری ودمی وعظامی
من النار وکل شیء حرمتہ علی النار واستثنی بذلک وجھک الکریم پھر پشت وارسی رو در
اور جو چاہی سو دعا مانگی جیسی اللھم انی اسئلک رضاک والجنۃ واعوذ بک من غضبک
والنار جب حرم محترم کی سرحد پہنچی تو اطمینان قلب اور ظاہر باطن عظمت اور وقار سی ننگی پاؤن
استغفار کرتا دعائین مانگتا پیادہ پا جیسی قیصر پادشاہ باجبروت اور غفار کی سامنی جاتا ہی

ودمی وعظمی وبشری
کرمانی نی اتنا زیادہ کیا
ہی اسئلک بانک انت الله الذی لا الہ الا انت الرحمن الرحیم وان تصلی علی محمد وعلی

ایسہ

صلی الله علیہ وآلہ وسلم واعوذ بک من شر ما استعاذ منہ نبیک محمد صلی الله
علیہ وآلہ وسلم اور دخول بیت اسکا باب السلام سی مستحب ہی رو در پر سنا دعا مانگتا پہلی دہنا

ذنوبی وافتح لی ابواب رحمتک الله اکبر الله اکبر الله اکبر لا الہ الا الله والله اکبر الله

وقنا عذاب النار یہہ ایک پہر ہوا باتوں پہیری اسطرح کرکی جسکو طواف کی بعد سعی کرنی
ہووہ حجر اسود کو چومکی مقام ابراہیم مین دو رکعت نماز واجب طواف پڑہی اور یہہ کہی واتخذوا
من مقام ابراہیم مصلی پہر حضرت آدم علیہ السلام کی دعا مانگی اللھم انک تعلم سری

اصحابنا واجلسنا من النار یا کریم یا غفار یا عزیز یا جبار ربنا تقبل منا انک انت السمیع
العلیم وتب علینا انک انت التواب الرحیم اللھم رب البیت العتیق فنی من
النار واعذنی من کل سوء واقنعنی بما رزقتنی وبارک لی فیما اتیتنی پہر زمزم پینی کی
وقت یہہ پڑہی اللھم انی اسئلک علما نافعا ورزقا واسعا وعملا صالحا وشفاء من کل داء
پہر زمزم پیکی حجر اسود کو چومی اور باب الصفا سی نکل کی یہہ پڑہتا ہوا صفا پر آوی ابدأ بما
بدء اللہ بہ بسم اللہ الرحمن الرحیم ان الصفا والمروۃ من شعائر اللہ فمن حج البیت
او اعتمر فلا جناح علیہ ان یطوف بھما ومن تطوع خیرا فان اللہ شاکر علیم اور جب
پر چڑہی تو یہہ دعا پڑہی اللہ اکبر اللہ اکبر اللہ اکبر ولہ الحمد الحمد للہ علی ما ھدانا الحمد
للہ علی ما اولانا الحمد للہ علی ما الھمنا الحمد للہ الذی ھدانا لھذا وما کنا لنھتدی

وَنَصَرَ عَبْدَهٗ وَاَعَزَّ جُنْدَهٗ وَهَزَمَ الْاَحْزَابَ وَحْدَهٗ لَآ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَلَا نَعْبُدُ اِلَّا اِيَّاهُ
مُخْلِصِيْنَ لَهُ الدِّيْنَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُوْنَ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ اُدْعُوْنِيْٓ اَسْتَجِبْ لَكُمْ
وَاِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيْعَادَ وَاِنِّيْٓ اَسْئَلُكَ كَمَا هَدَيْتَنِيْ لِلْاِسْلَامِ اَنْ لَّا تَنْزِعَهٗ مِنِّيْ حَتّٰى تَتَوَفَّانِيْ
وَاَنَا مُسْلِمٌ سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَآ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ
الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَّعَلٰٓى اٰلِهٖ وَصَحْبِهٖ وَاَتْبَاعِهٖٓ اِلٰى يَوْمِ
الدِّيْنِ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَشَايِخِيْ وَلِلْمُسْلِمِيْنَ اَجْمَعِيْنَ وَالسَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِيْنَ
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ پہر دو نو سبز سنار دہنیں دوڑتی وقت یہہ کہی رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ
وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ اِنَّكَ تَعْلَمُ مَا لَا نَعْلَمُ اِنَّكَ اَنْتَ الْاَعَزُّ الْاَكْرَمُ وَاهْدِنِيْ لِلَّتِيْ هِيَ اَقْوَمُ
اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ حَجًّا مَّبْرُوْرًا وَّسَعْيًا مَّشْكُوْرًا وَّذَنْبًا مَّغْفُوْرًا اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ وَلِوَالِدَيَّ
وَلِلْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِيْنَ وَالْمُسْلِمَاتِ يَا مُجِيْبَ الدَّعْوَاتِ رَبَّنَآ اٰتِنَا فِي
الدُّنْيَا حَسَنَةً وَّفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَّقِنَا عَذَابَ النَّارِ طبرانی اور بیہقی نے ابن مسعود سے
کیا ہی کہ نویں شب کو منیٰ میں جو شخص اس کو ہزار بار پڑہی جو مانگی سو پاوی وہ دعا یہہ ہے
سُبْحَانَ الَّذِيْ فِي السَّمَاءِ عَرْشُهٗ سُبْحَانَ الَّذِيْ فِي الْاَرْضِ مَوْطِئُهٗ سُبْحَانَ الَّذِيْ فِي
الْبَحْرِ سَبِيْلُهٗ سُبْحَانَ الَّذِيْ فِي النَّارِ سُلْطَانُهٗ سُبْحَانَ الَّذِيْ فِي الْجَنَّةِ رَحْمَتُهٗ سُبْحَانَ
الَّذِيْ فِي الْقَبْرِ قَضَاؤُهٗ سُبْحَانَ الَّذِيْ فِي الْهَوَاءِ رَوْحُهٗ سُبْحَانَ الَّذِيْ رَفَعَ السَّمَاءَ
سُبْحَانَ الَّذِيْ وَضَعَ الْاَرْضَ سُبْحَانَ الَّذِيْ لَا مَلْجَاَ وَلَا مَنْجَاَ مِنْهُ اِلَّا اِلَيْهِ دعا جو
مرفہ کی اس رسالہ میں مذکور ہو چکی یہاں کچھہ حاجت نہیں غروب آفتاب تک آمین کہتا

اور دعائیں مانگنا بسیر کرے اور حضرت علی کرم اللہ وجہہ سے روایت ہے کہ اوسکو یہہ دعا
بہت مانگی اللّٰھُمَّ اَعْتِقْ رَقَبَتِیْ وَاَوْسِعْ لِیْ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَاصْرِفْ فَسَقَةَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ
بیہقی فی شعب الایمان میں جابر بن عبد اللہ رضی اللہ عنہ سے روایت کیا ہے لَا اِلٰہَ اِلَّا اللّٰہُ اَکْبَرُ جَدًّا

اور [illegible] صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَعَلٰی اٰلِ مُحَمَّدٍ کَمَا صَلَّیْتَ عَلٰی اِبْرَاھِیْمَ وَعَلٰی اٰلِ اِبْرَاھِیْمَ
اِنَّکَ حَمِیْدٌ مَّجِیْدٌ وَعَلَیْنَا مَعَھُمْ مزدلفہ سے منیٰ کو چلی تو وادی محسر میں دوڑتا جائے اور

وَجَّھْتُ وَجْھِیَ لِلَّذِیْ فَطَرَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ حَنِیْفًا وَّمَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِکِیْنَ اِنَّ صَلَاتِیْ
وَنُسُکِیْ وَمَحْیَایَ وَمَمَاتِیْ لِلّٰہِ رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ لَا شَرِیْکَ لَہٗ وَبِذٰلِکَ اُمِرْتُ وَاَنَا مِنَ
الْمُسْلِمِیْنَ اَللّٰھُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّیْ ھٰذَا النُّسُکَ وَاجْعَلْھَا فِدَاءً لِوَجْھِکَ وَعَظِّمْ اَجْرِیْ عَلَیْھَا
اور جب سر منڈا کے حلال ہو قبلہ رو ہو کر یہہ دعا پڑھے اَلْحَمْدُ لِلّٰہِ عَلٰی مَا ھَدَانَا

[illegible] فِیْ بَدَنِیْ وَبَارِکْ لِیْ فِیْ سَمْعِیْ وَبَارِکْ لِیْ فِیْ بَصَرِیْ وَارْفَعْ لِیْ دَرَجَةً فِی الْجَنَّةِ الْعَالِیَةِ اَللّٰھُمَّ
بَارِکْ لِیْ فِیْ نَفْسِیْ وَتَقَبَّلْ مِنِّیْ اَللّٰھُمَّ اغْفِرْ لِیْ وَلِلْمُحَلِّقِیْنَ یَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ اٰمِیْنَ بِسْمِ اللّٰہِ
اَللّٰہُ اَکْبَرُ اور جب بیت اللہ کی داخلی کرے تو یہہ دعا پڑھے رَبِّ اَدْخِلْنِیْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَّ
وَاَخْرِجْنِیْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَّاجْعَلْ لِّیْ مِنْ لَّدُنْکَ سُلْطَانًا نَّصِیْرًا اَللّٰھُمَّ اَدْخِلْنِیْ جَنَّتَکَ
کَمَا اَدْخَلْتَنِیْ بَیْتَکَ وَاَرِزْقْنِیْ رُؤْیَتَکَ اَللّٰھُمَّ یَا رَبِّ لَبَیْتِ الْعَتِیْقِ اَعْتِقْ رِقَابَنَا

وسلم واعوذ بک من شرہا استعاذ منہ نبیک محمد علیہ السلام ربنا تقبل منا
انک انت السمیع العلیم وتب علینا انک انت التواب الرحیم وجب کہر کی پہر
ارادہ کری تو طواف الوداع جیسا کہ معلوم ہوا ادا کری مگر اس طواف مین اکڑنا ہچپٹنا بغل
مین سی چادر نکالنا جسکو اضطباع کہتی ہین سعی کرنا نہین ہی اور بعد طواف کی جیسا کہ معلوم

پڑہی اور تبرکا پانی سی نہانی یا سر پر ڈالی اور اوسکی طرف دیکہی جیسا کعبہ کو دیکہنا عبادت ہی
ویسا ملزم کو بہی دیکہنا عبادت ہی اور تبرک کی واسطی پانی گہر کو لی آنا بہی درست ہی مگر
اور عطر کعبہ کا خادمونسی مول لینا درست نہین خلاف کعبہ کا مول لینا درست ہی پہر ملزم
سی لگ کی روئی اور دعا مانگی باب کعبہ کو جو کی دعا مانگتا روتا اوسکی جدائی پر افسوس
کرتا الٹی پاؤن آہستہ آہستہ تعظیم اور توقیر کی ساتہہ کعبہ کو دیکہتا باب الوداع ہی
باہر آئی اور جو کچہہ ہوسکی خیرات کری کہ وہان نیک دیئی کا ثواب لاکہہ درجے
کی برابر ہے اللہ تعالیٰ اس رسالہ کی مصنف اور کاتب اور
صاحب طبع کو ہمیشہ کی اپنی گہر کی نصیب کرے
آمین یا ارحم الراحمین

تمت

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله والصلوٰة على رسول الله والسلام عليه وعلى آله وأصحابه صلى الله عليه وعليهم وسلم

أما بعد اسکی کہتا ہی خادم العلماء الفقیر فقیر وحقیر عاجز و مسکین محمد فیاء الدین غفر الله له ولوالدیه کہ یہہ کچھ مختصر مسمّی بہ حصن حصین اور شرح اوسکی مظہر جلیل سی اور کچھ بیان مین مختصر زاد سبیل اور مظاہر حق وغیرہ سی نکالی کر بیان آداب سفر عام مین اور سفر خاص حجرین سو بیان ارکان اور ضروریات حج کی بموجب درخواست بعض احباب کے لکھی جاتی ہی تاکہ مسلمانون کو دونو سفرین کام آوین اس لئی ان اوراق کا نام زاد سفر رکھا گیا اور تاریخی نام اسکا زاد غریبان ہی اور ترتیب کیا اوسکو دو بابون پر اول باب مین دس فصلین لکھین بیان مسافرت مین اور دوسرے باب مین تین فصلین بیان آداب حج مین مذکور ہین بعد اسکی ایک خاتمہ مسایل متفرقہ ضروریہ مین لکھا پھر مختصر مناجات درگاہ باری تعالیٰ مین عرض کی ہے خدای تعالیٰ قبول فرادی آمین آمین آمین **پہلا باب** بیان مسافرت مین **پہلی فصل** مسافر کی رخصت کے بیان مین جسوقت کوی سفر کری تو مناسب کری اوس سی مقیم اور کسی آستودع الله دینك وامانتك وخواتیم عملك یعنی سونپتا ہون مین تیرا دین الله کو اور امانت تیری اور آخر عمل تیری یعنی خاتمہ بخیر **مؤلف** مراد امانت سی مال ہی یا اہل اور اولاد یا تمام امور دنیوی اور کہی مسافر اوس شخص کو کہ رخصت کرتا ہی اوسکو استودع الله الذی لا تضیع ودائعه یعنی سونپتا ہون مین بھی اوس خدا کو کہ ضایع نہین کرتی ہین اور نہین ضایع ہوتی ہی امانتین پاس اوسکی اور اگر کوی شخص ہون کو رخصت کری اہکو تو مسافر کہی استودع الله الذی لا یضیع ودائعه سونپتا ہون مین تجھکو اوس خدا کو نا آخر اور جو کوی کہی مقیم کو کہ اوا

تو کہی مقیم اللھم اطوله البعد وھون علیه السفر قد ذلک اللہ التقوی وغفر ذنبک ویسر لک الخیر
حیثما کنت یعنی یا اللہ لپیٹ اسکی لئی درازی راہ کی یعنی قریب کر راہ اور آسان کر اوپر مشقت سفر کی توشہ دی تجکو
اللہ پرہیزگاری اور بخشی گناہ تیری اور آسان کری تیرے لئے بھلائے جیسے توفیق دنیا اور
آخرت کی بھلائی دی جہانکہ ہووی توقف ایک شخص انحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کی پاس حاضر ہوا اور عرض کی یا رسول
اللہ میں سفر کیا چاہتا ہون پس توشہ دے مجکو یعنی دعا کر دے کہ برکت اسکی بجای توشہ سفر کی ہو یا مراد توشہ متعارف ہو
یعنی خرچ راہ پس انحضرت صلی اللہ علیہ وسلم فرمایا زودک اللہ التقوی یعنی تقوی اخرت کا ہی نصیب کری تجکو اللہ تقوی
اوسنے عرض کیا زیادہ کیجی پھر فرمایا وغفر ذنبک پھر عرض کیا زیادہ کیجی ماں باپ میری فدا ہو تجہ پر فرمایا وکیف

[illegible] ہووی اللہ تعالی نگہبان اوسکا یہان تک کہ پھری اپنی اور
پہنچی سفر کا ارادہ کرنیوالا جب ارادہ کری اللھم بک اصول وبک احول وبک اسیر یعنی یا اللہ ساتھ

[illegible] کی اور جلنی دوڑنی کی سی اور سوا اکی میں پڑھ تا سورہ ایلاف کا سبب اسکا ہی ہر برای ہی کہ میں اوی نصیب دشمن وغیرہ
کی ف ابو طاہر کی روایت سے کہتی ہین کہ میں ارادہ سفر کا کرتا تہا اور ڈرتا تہا اوس سی پس ابو الحسن پاس حاضر ہوکر
یعنی طلب دعا کی کی کہ اوس غم سی نجات پاون پس انحضرت فرمایا کہ جو کوئی ارادہ سفر کا کری ڈر اور دہشت دشمن کی طرف
سی رکہتا ہی پس چاہی کہ الایلاف پڑہی کہ وہ امان مین رہیگا ہر برای سی پس ابو طاہر کہتی ہین کہ میں پڑہا اوسکو کوئی چیز ایذا
دینی والی اب تلک مجہی پیش نہین آی **فصل دوسری** سوار ہونیکی بیان مین اور جب ارادہ کری سوار ہونیکی
ارکاب مین یا اوسمین کہ قایم مقام رکاب کا ہو کہی بسم اللہ پس جب بیٹہہ چکی جانور کی پیٹ پر کہی الحمد للہ سبحان

لا الٰہ الا انت سبحانک انی ظلمت نفسی فاغفر لی فانہ لا یغفر الذنوب الا انت
یعنی سب تعریف بنی واسطے خدا کی پاکی ہی اوس خدا کو کہ اعبدار کیا ہمارے لئے
طاقت پانیوالی اور تحقیق ہم طرف پروردگار اپنی کی اپنے رجوع کرنیوالی ہین پہر الحمد سے کہی تین بار اور اللہ
اکبر کہی تین بار و لا الٰہ الا اللہ ایک بار پہر کہی ہاکی یاد کرتا ہون تجکو ای اللہ محقق یعنی ظلم کیا نفس اپنی پر یعنی بسبب
گناہ کرنیکی پس بخش مجکو پس تحقیق نہین بخشتا گناہون کو کوئی مگر تو ف حدیث شریف مین یا ہی خلاصہ اوسکا یہ
ہی کہ انحضرت صلی اللہ علیہ وسلم نی سوار ہوکر یہہ آیت پڑہی اور ہنسی اور حضرت علی سے سبب اوسکا پوچہا فرمایا کہ خوش
ہوتا ہی رب تیرا اپنی بندی سی اور بڑا ثواب دیتا ہی جب کہتا ہی بندا تیرا اغفر لی ذنوبی فرماتا ہی اللہ تعالی
کہ جانتا ہی بندہ میرا کہ کوئی گناہ اسکی نہین بخشتا سوائی میری پس حضرت علی بہی اسیطرح پڑہکر ہنسی سرور عالم صلی
اللہ علیہ وسلم کی ہیروی کی لئی کہ انی المشکوۃ اور بجد دانا الی ربنا المنقلبون کو بہی عبارت سی یہہ کہنا چاہئی کہ سوار
ہونیمین غافل ایکہکی ہی طرف اور سیر جانیکے بہی اور بڑا اشتغال پروردگار کی طرف ہی اور سواری مظنہ ہلاکت اور خطر کی بہی ہے
پس گویا اشارہ ہی کہ سوار کو چاہی اوس سے غافل نہووی اور مستعد واسطے یاد خدا تعالی کی ہو کر نباید راہ باکسی کج
کرچلی کہ انجر کار سواری چوپی یعنی جنازہ پر اس جہان فانی سی جاویگا اوس وقت کونہ بہولی اور جان کہ اسی طرح
ایک سفر اوس سے ہوری ہر جانا ہی ایسی کام کرون کہ اوس روز روز مسابی ہو پس ہمیشہ شمار ہی کہ ہر حال مین موت
کو نہ بہولا کری کہ یاد کرنا موت کا بہت عمدہ ہے اور بڑا ثواب ہے یا اللہ ہم سبہون کو یہہ حالت نصیب کریں
آمین یا رب العالمین یا نہ چہیڑ لوئی سوار کہ حالی ہو امور دنیا سی بلکہ اپنی مین اور مشغول ہو دل اوسکا ساتہہ اللہ
کی اور زبان اوسکی ساتہہ ذکر اوس کی کی کرکہ اوسکی پیچہی ہولر کرتا ہی اللہ تعالی ایک فرشتہ کو اور نہین خالی
ذکر اوسکی سی اور مشغول ہوتا ہی ساتہہ شر کی یعنی سریکی اور مانند اوس کی کی یعنی ساتہہ کلام بنا اور بتاید اوسکی
کہ چہپی ہوا پر کرتا ہی اللہ تعالی اوسکی شیطان کو ف یعنی جو کوئی سواری کی وقت یاد خدا کی کرتا ہی اوسکی ہو
اللہ تعالی فرشتہ کو متعین کرتا ہی کہ نگہبان اور مددگار ہوتا ہی اور تعلیم نیکی کی کرتا ہی اور بیچی بازرکہنی
ہی والا شیطان سی ہوتا ہی اور بری راہ بتاتا ہی **تیسرا فصل** سفر کی دعاؤن مین اللہم
انا نسئلک فی سفرنا ہذا البر والتقوی ومن العمل ما ترضی اللہم ہون علینا سفرنا ہذا

ومغفرة منك ورضوانا بيدك الخير انك على كل شئ قدير اللهم هون علينا

اللہ

وكآبة المنظر وسوء المنقلب في المال والاهل والولد یعنی یا اللہ تحقیق ہم مالکتی ہین تجھسی بیچ
اس سفر اپنی کی نیکی اور پرہیزگاری اور عمل سی وہ جو خوش ہووی تو اوس سی یعنی قبول کری اوسکو یا اللہ
مالکتا ہون مین تجھسی وسیلہ کہ پہنچاوی تکی کو یعنی دنیا اور آخرت کی بھلای کو اور مالکتا ہون تجھسی تجھسے
اور خوشنودی بھری بیچ ہاتھہ تیری کی بھلای ہی تحقیق تو ہر چیز پر قادر ہی یا اللہ اسان کر اس سفر ہماری کو
اور لپیٹ یعنی دفع کر ہمسی درازی اوسکی یا اللہ تو ہی یار یعنی نگہبان سب بلاون سی سفر مین اور تو خلیفہ ہی بیچ
اہل کی یعنی کارساز اور نگہبان اہل و عیال میرے کا بھی میری یا اللہ یار ہو تو ہمارا بیچ سفر ہماری کی اور خلیفہ
رہ ہمارا بیچ اہل ہماری کی یا اللہ تحقیق مین پناہ مانگتا ہون ساتھہ تیری مشقت سفر کیسی اور بری حالت دیکھنی کے
سی یعنی سبب نقصان دیکھنی کے اہل و مال مین کہ غمگین ہوون اور حالت بری ہو اور برای پھرنی کی سی مال مین اور
اولاد مین یعنی اس سی بھی پناہ ہی کہ سفری بھر کر اہل و مال مین نقصان وغیرہ دیکھون اور رنج اوٹھاوون ف طاعت
اور وسیلہ اوسکو کہتی ہین کہ جسکی کرنیسی آدمی مطلوب اور قرب الہی کو پہنچی مراد بندہ کی خدا کی ہی کہ اوسکی سبب سی آوے
نجات پاتا ہی اور اللہ تعالی کا قرب حاصل ہوتا ہی **چوتھی فصل** بیان مین چڑہنی اوتراونی بلندی کے
اور جانور کی کرانیکی جب چڑہی پہاڑی پر اللہ اکبر کہی اور جب اوتری اوس سی سبحان اللہ کہی اور جب کبھی
جنگل پر لا الہ الا اللہ اور اللہ اکبر کہی اور جو کراوی کسیکو جانور اسکا پس چاہی کہ کہی بسم اللہ ف
حیات الحیوان مین لکھا ہی کہ طبرانی نی اوسط مین حضرت ابن عمر روایت کی ہی کہ جو اللہ کا غلام یا جانور بدخو
رکھتا ہو تو اوسکی کان مین یہہ آیت پڑہی افغیر دین اللہ یبغون وله اسلم من فی السموت والارض
طوعا وکرها والیه یرجعون کذا فی فتح المبین **پانچوین فصل** کشتی کی بیٹھنی کی بیان مین جب سوار
ہووی کوی دریا مین یعنی کشتی مین تو یہہ دو آیتین پڑہی کہ ایمان دونی سی ہی بسم الله مجریها ومرسیها
ان ربی لغفور رحیم وما قدروا الله حق قدره والارض جمیعا قبضته یوم القیمة و

السموٰت مطویات بیمینہ سبحٰنہ وتعالیٰ عما یشرکون یعنی ساتھہ نام خدا کی ہی چلنا کشتی کا اور
ٹہرنا اوسکا تحقیق پروردگار میرا البتہ بخشنے والا مہربان ہی **ف** یہہ بیان حضرت نوح ع کی کشتی کا ہی منقول ہے
کہ جیوے چلنا کشتی کا چاہتی ہی بسم اللہ کہتی چلتی نہی اور جب ٹہرنا چاہتی تو بسم اللہ کہتی ٹہہر جاتی پس اس نبی
حضرت نی اس آیت کی پڑہنی کا حکم فرمایا ہی اور دوسرے آیہ کا یہ ترجمہ یہہ ہی یعنی اور نہ پہچانا کافرون نی خدا کو
حق پہچاننی اوسکیکا اور زمین تمام قبضہ اوسکی مین ہوگی دن قیامت کی اور آسمان لپٹی جاوینگی داہنے ہاتھہ اوسکی
مین پاکی ہی اوسکو اور مرتبہ ہی اوس چیز سی کہ شریک کرتی ہین کافر جھٹی **فصل** بیان مین بلند جگہہ پر چڑہنے
کی اور بڑہی کوئی جگہہ بلند پر کہی اللھم لک الشرف علی کل شرف ولک الحمد علی کل حال یعنی یا اللہ
واسطی تری بزرگی ہی ہر بلندی پر یعنی قدر اور مرتبہ تیرا بلند ہی ہر بلندی سی اور تری لئی سب تعریف ہی ہر حال
**فصل** ساتوین بیان مین شہر دیکھی کی اور داخل ہونی کی اور جب دیکھی اوس شہر کو کہ چاہتا ہی داخل
ہونا اوسمین تو کہی اللھم رب السموٰت السبع وما اظللن ورب الارضین السبع وما اقللن
ورب الشیاطین وما اضللن ورب الریاح وما ذرین فانا نسئلک خیر ھذہ القریۃ
وخیر اھلھا ونعوذ بک من شرھا وشر اھلھا وشر ما فیھا یا اللہ پروردگار ساتون اسمانون کی
اور اوس چیز کی کہ سایہ ڈالا ہی اونہون نی اور ای رب ساتون زمینون کی اور اوس چیز کی کہ اوٹہایا ہی اونہون
نی اور ای رب شیطانون کی اور اونکی کہ گمراہ کیا ہی شیطانون نی اور ای رب ہوادن کی اور اوس چیز کی
کہ پراگندہ کرتی ہین ہوائین پس تحقیق ہم مانگتی ہین بہلائی اس شہر کی اور بہلائی شہر والون کی اور پناہ
پکڑتی ہین ساتھہ تیری بڑائی اسکی سی اور برائی رہنی والون اسکی سی اور برائی اوس چیز کی سی کہ اسمین ہے
**ف** بہلائی شہر کی یہہ ہی کہ داخل ہونا مبارک ہو یعنی سبب طاعت اور عبادت اور عافیت کا ہو اور بہلائی شہر
والون کی یہہ کہ نیک بخت ہون اور صحبت اونکی باعث بہتری کی ہو اور پڑہی وقت ارادہ داخل ہونی شہر کے
اللھم بارک لنا فیھا تین مرتبہ اللھم انک رزقتنا جناھا وحببتنا الی اھلھا وحببنا صالحی اھلھا
الینا یعنی یا اللہ برکت دی واسطی ہماری اس شہر مین یا اللہ نصیب کر ہمکو میوی اسکی اور دوست کر
ہمکو طرف شہر والون کی اور دوست کر نیکبخت شہر والون کو طرف ہماری **فصل** اٹہوین ذکر منزل

بن او ترلی اور تام کرنی مسافر کی ہین اور جب اوتری مسافر منزل مین تو بڑی یہہ دعا پس تحقیق نہین ضرر کرنگی
پڑہنی والے کو کوئی چیز یہان تک کہ کوچ کری وہ یہہ ہی اَعُوْذُ بِکَلِمٰتِ اللّٰہِ التَّامّٰتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ
یعنی پکڑتا ہون مین ساتہہ کلمون پورون خدا کی برای اوس چیز کی سی کہ پیدا کی اور جب شام کری مسافر اور

ادماوالد یعنی ای زمین رب میرا اور رب تیرا اللہ ہی پناہ پکڑتا ہون ساتہہ اللہ کی برای تیری سی یعنی خسف وغیرہ
سی اور برای اوس چیز کی سی کہ پیدا کی گئی تجہہ مین یعنی سانپ وغیرہ اور برای اوس چیز کی سی کہ چلتی ہی تجہہ
یعنی حیوانات اور جن وانس اور پناہ پکڑتا ہون ساتہہ اللہ کی برای شر کی سی اور اژدہا کالی کی سی اور ہر طرہہ
کی سانپ کیسی اور بچہو کی سی اور برای رہنی والون شہر کی سی یعنی جنات یا آدمی اور برای آنی والی کی سی یعنے
آدمی یا ابلیس اور بیٹی کی سی یعنی اولاد آدمی یا اولاد ابلیس اور پچہلی رات کو کہی مسافر سَمِعَ سَامِعٌ بِحَمْدِ
اللّٰہِ وَنِعْمَتِہٖ وَحُسْنِ بَلَائِہٖ عَلَیْنَا رَبَّنَا صَاحِبْنَا وَاَفْضِلْ عَلَیْنَا عَائِذًا بِاللّٰہِ مِنَ النَّارِ یعنی
سننے والے نی تعریف کرنی میری خدا کو اور اقرار میرا ساتہہ نعمت اوسکی کی اور خوبی نعمت اوسکی کی ہمپر ای رب
ہمارے یار ہو یعنی مددگار ہو ہمارا اور فضل کر ہمپر کہتا ہون یہہ کلام پناہ چاہتا ہون ساتہہ خدا کی اگ سے

**فصل نوین** بیان مین جانور کی بہاگ جانی اور مدد چاہنی کی اور جب بہاگ جاوی جانور کسی کا پس چاہیے
پکاری اس طرح پہ اَعِیْنُوْنِیْ عِبَادَ اللّٰہِ رَحِمَکُمُ اللّٰہُ یعنی مدد کرو میری ای بندون اللہ کی رحم کری تمکو
اللہ **ف** یہہ قول ابن عباس کا ہی اور مراد بندون خدا سی رجال الغیب ہین یعنی ابدال یا ملائکہ یا مسلمان جنات
ابن مسعود نی آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم سی روایت کی ہی کہ جب بہاگے جاوی جانور کسی کا جنگل مین پس چاہیے
پکاری یَا عِبَادَ اللّٰہِ اِحْبِسُوْا یَا عِبَادَ اللّٰہِ اِحْبِسُوْا یَا عِبَادَ اللّٰہِ اِحْبِسُوْا یعنی ای بندگان خدا روکو اسکو
پس تحقیق اللہ کی بندی زمین مین ہین کہ روکتی ہین اوسکو پس ایک بزرگ سی منقول ہی کہ جانور اونکا بہاگتا
پاتہا اور یہہ حدیث جانتی تہی اونہون نی یہہ کلمہ کہی فی الحال اللہ تعالی جانور اونکا پہیر دیتا تہا **تنبیہ** چاہیے
یہان سے کوئی یہہ نہ سمجہہ جاوی کہ پکارنا مردون کو یا غائبون کو مدد کی لئی سوای خدا کی درست ہی اس لئے

کہ ابدال سنیہ ہین اور حق تعالی نے اونکو جنکلون مین اسی واسطے یعنی خلق کی کارروائی کے لئے مقرر کر رکھا ہے
جب اونمین سی کوئی مرجاتا ہی تو خدا تعالی اور کو اوسکی جگہہ مقرر کردیتا ہی اور کتنی اونکی پوری کردیتا ہی واللہ اعلم
اور جناب آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم نے فرمایا کہ جب کوئی کچھہ چیز گم کری یا چاہی مدد اور حال یہہ کہ وہ ایسی جگہ
مین ہو کہ کوئی اس اور پہنچتین اوسکا نہین ہے پس چاہی کہ کہی یا عباد اللہ اعینونی یعنی ای بندہ خدا کی میرے
مدد کرو پس اللہ تعالی کی بندی ہین کہ ہم نہین دیکھتی یعنی ابدال کہ وہ ای کام پر مقرر ہین اور وہ زندہ ہین جب اون
مین سی ایک مرتا ہی اوسکی جگہہ پر دوسری کو حق تعالی مقرر کردیتا ہی ابدال کی بیان مراہی جیسکہ اور حدیثون
سے معلوم ہوتا ہی کہ وہ اس کام پر مقرر ہین اور یہان سی مردون سی مدد مانگنی جایز سمجھی گئی ہی کہ وہ توصاب
قران اور احادیث صحیحہ سی ممنوع اور مفسدہ مین اور شرک **فصل دسیون** بیان مین اوس مطیع کی
بڑھتی کی کہ جسکی سبب مسافر خوشحال ہوجاوے کہ اپنی سفری ہیچ اور ہر مسافر سی بہتر حال اور ہیبت مین ہو فرمایا رسول
خدا صلی اللہ علیہ وسلم نے کہ تو جاتا ہی ای جبیر کہ جب نکلی تو سفر مین یہہ کہ ہووی تو بہتر اونٹون اپنی کی پیٹھہ
یمین یعنی صورت اور حال مین بہت زیادہ اونکا ازروی توشہ کی **ف** یعنی بہت مال والا اور بہت قرابت
اور کمال جمال والا ہوجاوی تو اور جبیر امام حضرت کے صحابی کا ہی وہ کہتی ہین کہ پس عرض کیا یعنی مین نے رسول
پیمبران باپ میری پس فرمایا پڑہ یہہ پانچ سورتین قل یا ایہا الکافرون اور اذا جاء نصر اللہ
اور قل ہو اللہ احد اور قل اعوذ برب الفلق اور قل اعوذ برب الناس
اور شروع کر ہر سورۃ کو ساتھہ بسم اللہ کی اور ختم کر قرارت اپنی ساتھہ بسم اللہ کی یعنی سب پیٹھہ ہوجاوے تیری
کہا جبیر نے اور تہا مین غنی بہت مال والا پس تہا مین کہ نکلنا تہا سفر مین پس ہوجاتا تہا بہت تباہ
حال باردون سی ہیئت مین اور کمتر توشہ مین **ف** یعنی باوجود کثرت مال کے بدہیئت اور مفلس ہوجاتا
بسبب ضایع ہونی مال کی اور بی برکتی مال کی پس ہمنشہ رہا مین جیسکہ سیکھین مینے یہہ سورتین رسول خدا
صلی اللہ علیہ وسلم سی اور مداومت کی اوسکی پڑہنی کی ہوا مین بہترین اون سی ہیئت مین اور زیادہ ترین
اون سی توشہ مین یہان تک کہ پھرا مین سفر اپنی سی **باب دوسرا جسکی امورات ضروری**
**کی بیان مین پہلی فصل فرضیت حج کی بیان مین** جانا چاہی کہ فرضیت

حج کی ایات قرانی اور احادیث صحیحہ نبوی صلعم سی بخوبی ثابت ہی پس مختصر مین ایک ایۃ قرانی اور دو تین حدیثین ثبوت فرضیت حج کی لی لکھنی کافی ہین سو یقین کرنا چاہی کہ حج مثل نماز روزی اور زکوۃ کی فرض عین ہی اور ارکان اسلام سی ہی حق تعالی سورۃ ال عمران مین ارشاد فرماتا ہی وَلِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا یعنی اور خدا کی بندگی کی لی فرض ہی لوگون پر قصد کرنا خانہ کعبہ کا جو طاقت رکھتا ہو اوسکی کہر کی طرف راہ چلنی کی اور فرمایا آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم نی کہ بنیاد اسلام کے اوپر پانچ چیز کی ہی ایک گواہی اس بات کی کہ نہین ہی کوئی معبود بحق سوائی اللہ کی اور تحقیق محمد بندے اور رسول اوسکی ہین دوسرے ٹھیک پڑہنا نماز کا تیسری دینا زکوۃ کا چوتھی حج پانچوین روزی رمضان کی ف اس حدیث سی معلوم ہوا کہ حج ارکان اسلام سی ہی مثل نماز روزی کی پس جو قدرت پاکر حج نہ کری اوسکا اسلام پورا نہین کہ [illegible] ہی صحیح مسلم مین ابوہریرہ سی رو [illegible]

تمہید حج پس حج کرو پس عرض کیا ایک مرد نی آیا ہر سال فرض ہی یا رسول اللہ پس جب یہی آپ یہان تک کہ اوسی وہی بات تین بار کہی تب فرمایا اگر کہتا مین ہان بیشک واجب ہو جاتا ہر سال اور البتہ طاقت نہ رکھتی تم اوکر نیکی اور ایک روایت مین یہہ بھی آیا ہی اور حج تمام عمر مین ایک بار فرض ہے پس جو زیادہ کری نفل ہی اور حج فرض ہوی پر شتابی کری یعنی جس سال مین اوس پر فرض ہوا ہی اوسی سال بجالاوی یا سفر کرنے کا ارادہ کرتا ہو اور استطاعت رکھنے والی سی مراد ہی مسلمان آزاد عاقل بالغ صحیح البدن قادر زاد راحلہ پر سوا حاجت اصل کی بشرط امن راہ کی اور امن راہ سی یہہ مراد ہی کہ غالب اوسمین سلامت ہو اور بر و بحر اسمین برابر ہین اور اسی پر فتوی ہی چنانچہ در مختار برہان فتیہ عالمگیری وغیرہ مین مذکور ہی برہان مین لکھا ہی اگر احتمال سلامت اور ہلاک دونون برابر ہون تو بھی امن راہ نہین اور عورت کی لی اگرچہ بڑھاپا ہو سوا ان شرطون کی دو شرطین اور بھی ہین ایک خالی ہونا عدت سی دوسری ہمراہ ہونا خاوند یا محرم جوان متقی کا بغیر جسکی محرم وہی ہی کہ جسکی ساتھ کبھی نکاح جایز نہین مسلمان ہو یا کافر بندہ ہو یا آزاد اور بعد استطاعت کی شوہر کی اجازت کی حاجت نہین اتنی مختصر اور خلاصہ کذائی زاد السبیل **دوسری**

**فصل** فرایض و واجبات حج اور افعال خاص عورتون کی مین فرایض جنکی ملتقی الابحر مین لکھا ہی کہ فرض حج کی مین احرام اور وقوف عرفہ مین اور طواف الزیارت اور اوسکو طواف الافاضہ اور طواف الرکن بھی کہتی ہین احرام شرط ہی اور باقی دونون رکن کذا فی المظاہر اور زاد سبیل مین لکھا ہی کہ فرض جملی پانچ ہین اول احرام اور یہ شرط ہی دوسرا وقوف یعنی شب نہ عرفات پر غرقی کی ون زوال کی سورج کی بیچ کسی ایک لحظہ ہو کسی حالت مین تیسرا طواف الزیارت اور یہ دونون رکن ہین لیکن وقوف اقوی ہی لہذا صحیح کہ نہی قبل وقوف کی حج فاسد ہوجاوی اور قبل طواف کی خاسہ نہین ہوتا چوتھا ترتیب ان تینون مین یعنی جو اوا کرنا ہر فرض کا اوسکی وقت اور مکان مین ان فرضون سی اگر کوی ترک ہو تو حج اوانہو گا اور امام شافعی کی نزدیک سعی صفا طواف کی اور سر منڈانا بھی فرض ہے و واجبات حج کی ملتقی مین لکھا ہی کہ احرام حج کی یہہ ہین وقوف مزدلفہ کا اور سعی درمیان صفا اور مروہ کی اور رمی جمار اور طواف الصدر کو اوسکو طواف الوداع بھی کہتی ہین اور باقی کی لئی اور حلق یا بال کترا دی اور ہر چیز کہ واجب ہو بسبب ترک اوسکی دم یعنی جانور ذبح کرنا اور سوای انکی کی سنتین اور اداب ہین اور مولانا محمد اسحق رحمۃ اللہ علیہ نی اپنی رسالہ مین واجبات حج کی یون ارقام فرمای ہین وقوف مزدلفہ اور سعی کرنی درمیان صفا اور مروہ اور کنکریان اوسی مقام پر اور طواف الصدر یعنے طواف الرخصت کرانا قی کو یعنی جو کہ کی کا رہی والا نہو اور سر منڈانا یا بال کروانی اور احرام میقات سی باندہنا اور وقوف عرفات آفتاب کی غروب ہونی تک اور شروع کرنا طواف کا حجر اسود سی اور بعضون نی اسکو سنت کہا ہی اور طواف شروع کرنا دائین طرف سی اور طواف پیادہ پا کرنا اگر کچھ عذر نہو اور طواف باطہارت کرنا اور طواف مین ستر ڈھانکنا اور سعی صفا پر سی شروع کرنی اور سعی مذکور پیادہ پا کرنی اگر عذر نہو اور ذبح کرنا بکری یا مانند اسکے کا قارن اور متمتع کو اور بعد پر شوہ اور کپڑے پہننی اور ترتیب درمیان رمی اور حلق اور ذبح کی اس طرح کہ اول رمی کری پھر ذبح پھر حلق پھر طواف زیارت کری اور طواف زیارت ایام نحر مین کرنا اور طواف اس طرح کرنا کہ معظم طواف کی اندر اجادی اور سعی درمیان صفا اور مروہ کی بعد طواف کی کرنی اور حلق

وقوف

بعد وقوف عرفہ کی اور جو پہنین کہ اوسکی ترک سے دم لازم آوی اونکا ترک بھی واجب ہے اور سوائے
اسکی مستحبات اور آداب [illegible]
یا ماننداس کی اور بکری یا

مین یا حیض یا جماع کری بعد وقوف عرفہ کی پہلی سر منڈانیکی تو امین نہین کفایت کرتا مگر بدنہ یعنی اونٹ
یا گاہین اسی بابی المظاہر بیان خاص فصل عورتون کی کا زاد سبیل مین لکھا ہی کہ عورت کی لئی نسبت
مرد کی کئی چیزین بعد احرام کی خاص ہین اول سی ہوئی کپڑا پہنا جیسی جبہ کرتا پائجامہ واستانی وغیرہ
پر خوشبودار چیز من رنگا ہوا مانند زعفران کسم وغیرہ کی پہنا جایز نہین دوسرے موزون جرابون
کا پہنا جس سے ہڈی ٹخنی کی چھپی رہے تیسری سر کا ڈھکنا پر ہونہہ پر کپڑا نہ پہنچی اگر پردہ نشین ہو تو مونہہ
پر کھپا چون وغیرہ کا ڈھکنا بنا کر باندہی پھر اوپر سی کپڑا ڈال کر منہہ کا نامحرم سی چھپاوی چوتھی تلبیہ کہنا
لبیک کا پانچوین چھٹی اضطباع ورمل کا طواف مین ساتوین اٹھوین استلام کرنا حجر اسود اور رکن یمانی کا
بروقت جمع ہونی مردون اجنبی کے نہ پڑنا دوگانہ طواف کا مقام ابراہیم کے پاس بوقت وہان
جمع ہو مردون کا دسوین نہ دوڑنا درمیان صفا مروہ کی کیارہوین نہ چڑہنا صفا مروہ کی اوپر جہان مردون کا
وہان جاؤ ہو بارہوین سر نہ منڈانا احرام سے اینکی وقت تیرہوین بال کترانی ایک اونکی کے قدر نہ
زاید برخلاف مرد کی کہ اوسکو چوتہای کترانا واجب ہے چودہوین تین بال کترانیکی برخلاف مرد کی کہ اوسکو
سر کا منڈانا ہی جایز ہی پندرہوین تاخیر کرنا طواف زیارت مین بارہوین ذی حجہ سی عذر حیض وغیرہ
سی برخلاف مرد کی کہ اوپر تاخیر سے دم لازم آتا ہی سولہوین ساقط ہونا طواف وداع کا بروقت
روانہ ہونی ساتھہ والون کی عذر حیض و نفاس سے برخلاف مرد کی کہ اوپر واجب ہی مسئلہ عورت
حیض و نفاس والیکو سب افعال حج و عمرہ کی کرنی جایز ہین مگر طواف کعبہ کی جایز نہین اس واسطے کہ طواف
مسجد مین ہوتا ہی اور ناپاک کو مسجد مین جانا منع ہی لیکن باوجود منع ہونی کی اگر اس حالت مین طواف
کر لی تو فرض ادا ہو جاویگا لہذا اگر عورت کو پہلی طواف زیارت کرنی حیض آوی اور ساتھہ والی اوسکے
ٹھیر نہین سکتی اس حالت مین اگر طواف کر لی حج صحیح ہوگا لیکن کہنا ہوگی اونٹ یا گائی قربانی کرے

اور توبہ کری اور خشنی مشکل حکم عورت کا رکتا ہی مسئلہ عورت احرام باندہنی والیکو سونا چاندی حریر پہنا
جایز ہی اہنی تیسرے فصل فضایل حج اور عمرہ کی بیان مین صحیح مسلم مین ابوہریرہ سی روایت ہی کہ
کہ ایک عمرہ دوسری عمرہ تک کفارہ ہجو اناہی اور حج مبرور کی جزا نہین بکہ جنت ف حج مبرور کہتی ہین
حج مقبول کو اوسکی علامت یہہ ہی کہ حاجی اپ کو کنا ہو سی بچاوی اور حج اوسکا محض خدا کی واسطی
ہو ریا فخر وغیرہ کا دخل نہو اور بعضی محدثین کہتی ہین کہ حج کرنیوالیکے افعال و صفات بعد حج کے
پہلے سے بہتر ہو جاوین تو حج اوسکا مقبول ہی والا نا مقبول اور دوسری روایت ابوہریرہ سے
صحیحین مین اس طرح سی مذکور ہی کہ جسنے خدا کی لئی حج کیا اور عورتون سی خواہش کی بات چیت
نکی اور ساتہہ والون سی کالی کلوچ جھگڑا نکیا وہ پہرتی دفعہ ایسا پاک ہوا کہ یا کہ اوس دن اوس
کی انی جنا اور انحضرت صلی اللہ علیہ وسلم نی فرمایا ہی کہ ساتہہ کرو حج اور عمرہ کو اس واسطی کہ یہہ دونون
دور کرتی ہین گناہون اور محتاجی کو جیسی دور کرتی ہی بہٹی میل لوہی کو اور سونی چاندی کو اور فرمایا انحضرت
صلی اللہ نی حج اور عمرہ کرنیوالی مہمان اللہ کی اور زیارت کرنیوالی اوسکی ہین اگر اوس سے کچہہ مانگین تو دیتا ہے
مغفرت چاہین تو بخشتا ہے دعا مانگین تو قبول کرتا ہی شفاعت کرین تو مقبول ہوتی ہی اور حج یہہ
دین ایک ایک کے بدلی لاکہہ لاکہہ ثواب ملیگا قسم ہے اوس ذات کی جسنے کیا ہے مجکو حق کہ
درم اولتی بہاری ہی تمہاری اس پہاڑ سے اور اشارہ کیا پہاڑ ابوقبیس کے طرف اور فرمایا
حضرت نی بہتر دنون سی وہ عرفہ ہے جو جمعہ کے دن پڑے اور اون دنون کا حج بہتر ہے اور
دنون کی شرح سی اور امام حسن بصری اپنی رسالہ مین لکہتی ہین کہ صحف آدم مین حق تعالی فرماتا ہے
کہ حج کی دن آہستہ لاکہہ فرشتے آتی ہین اگر کم ہوتی ہین تو فرشتون کو بہیج کر پورا کر دیتا ہون اوستر
ہزار فرشتے ہر روز طواف کعبہ کی نئی بہیجتا ہون تفاسیر مین لکہا ہے کہ ستاری نبیون نی پیادہ پا
حج کیا ہی اور حضرت آدم نے ستر اذیب سے پیادہ جاکر چالیس حج کئی ہین کہتی ہین کہ جبحضرت آدم حج
کو چلی تو فرشتون نی کہا ای آدم اچہا کر حج اپنا کہ بتحقیق ہمنی حج کیا ہی پہلی تجھسے دو ہزار برس
مختصر الکذانی فراد سبیل چوتھی فصل تارکین حج کے وعید کی بیان مین فرمایا انحضرت صلی اللہ

علیہ وسلم نے جو مالک ہوا توشہ اور سواری کا کہ پہنچا دی اوسکو بیت اللہ تک اور وہ حج نکرے
پس فرق نہین ہی اوسپر کہ مرے یہودی یا نصرانی ف یعنی اوسکا مسلمان اور یہودی اور نصرانی
ہونا برابر ہی تیہہ اس واسطے فرمایا کہ یہودی اور نصاری حج کی قایل نہین اور فرمایا حضرت صلی
اللہ علیہ وسلم نے جسکو منع نکری حج کرنیسے کوئی حاجت ظاہری یا بادشاہ ظالم یا مرض یا وکئی ذالا
پس وہ موا اور حج نکیا تہا پس وہ مری چاہی یہودی ہوکر یا نصرانی ہکر انہی کذا فی زاد السبیل **پانچوین**
**فصل** بیان مین اوس شخص کے سزا کی جو حج کی یا عمرکی رستہ مین مرجاوی عدۃ الاباۃ فی اماکن
الاجابۃ مذکور ہی کہ انحضرت صلی اللہ علیہ وسلم نے فرمایا کہ جو نکلی قصد کرکر اس گہر کا حج کرنیوالے
یا عمرہ کرنیوالی ہی ہے ذمہ اللہ کا اکر اوسکو پہیری پہیری مزدوری اور غنیمت کے ساتہہ اور اکر اوس
روح قبض کری داخل کری اوسکو جنت مین اور ابو الفضل کرمانی اپنی منسک مین لکہتی ہین کہ انس
رضی اللہ عنہ سی روایت ہی کہ فرمایا سرور عالم صلی اللہ علیہ وسلم نے جو سوا مکہ کی راہ مین آتی یا جاتی
بخشتا ہے حق تعالی اوسکی گناہ اور نکہولا جاویگا اوسکا دفتر حساب کا اور نہ تولی جاوین کی اوسکے
اعمال اور داخل ہوگا جنت مین بغیر حساب اور عذاب کے اور ایک روایت مین آیا ہے کہ ملیکا اوسکو
ثواب حج وعمرہ کرنیوالی کا قیامت تک اور بعض کتابون مین روایت ہی کہ پیدا کریگا ہی اللہ اوسکے
لئی ایک فرشتہ کہ حج کرتا رہیگا اوسکی واسطی قیامت تک انتہی کذا فی زاد السبیل **چہٹی فصل**
طریقہ اور احکام سفر حجکی بیان مین مختصر اجو سفر حج کا ارادہ کری اوسپر لازم ہی نیت خالص محض خدا
کے واسطی کرتی اور چاہی توبہ نصوح کرنا سب گناہون سی اور ادا کرنا قرض کا اور پہونچانا امانتون کا
اور عفو کرنا حقوق العباد کا جہان تک ہوسکی اور راضی کرنا دشمنون کا قبول ہونا توبہ کا اسپر موقوف
ہے کہ حضرت نی فرمایا کہ نہین قبول کرتا ہے اللہ توبہ بندی کے یہان تک کہ راضی کری اوسنے دشمنون
کو پس جب راضی ہوئی دشمن راضی ہوتا ہی اللہ اور قبول کرتا ہے توبہ اوسکی اور ایک درم جو حق
دشمنون مین دیا جاوے بہتر ہے ادا کرنیوالی کے لئے عبادت ہزار برس سے اور واجب ہے ادا
کردینا نفقہ عیال اور اولاد کا اور جس کا نفقہ اسپر واجب ہے اپنی پہیرنے تک ان لوگون سے

ہرگز بی خبری نکری کہ حضرت نی فرمایا کافی ہی آدمیکو کہ کار ہوتی مین ضایع کرنا اپنی اہل کا اور راضی کرنا
چاہی والدین کو اور جسکی اطاعت اور نفقہ اوسپر واجب ہے والدین بیچ فرض کو ملنع ہون تو اونکا کہنا
نمانی نفل جسمین ضرر ہو اطاعت اونکی بہتری والدین ہون تو ادا اوادی کو مثل اونکی سمجھا چاہی اور
لکھنا چاہی وصیت کا کسی امین کی نام کہ وہ حقوق العباد اور حقوق اللہ جو اوسکی ذمہ پر ہون اوسکی بعد
ادا کری کہ حدیث سے ثابت ہے وصیت نامہ لکھکر سرانی رکھ چھوڑنا اور نماز اور استخارہ پڑھنے بعد کے حصن حصین
وغیرہ مین مذکور ہی واسطی اختیار کرنی وقت وراہ کی نہ واسطی اصل سفر کی اور استخارہ تین یا پانچ
یا سات بار کری اور مسواک سرمہ سلائی آئینہ کنگھی موئی ناکا مقراض چھری اور مزاد وضو کا برتن معہ الیا
مستحب ہے اور جمعرات یا پیر کے دن سفر کرے اور پہلی سفر کرنی سی احکام حجر وغیرہ کی معلوم
کری اور وطن سی ایسا رخصت ہو جیسا دنیا سی آخرت کو جاتا ہی اور گھر سی باہر اپنی پہلی سات قدم جو
کچھ دی اور دو رکعت نماز نفل ادا کری پہلی رکعت مین قل یا ایہا الکافرون اور دوسری مین قل ہو اللہ احد اور
بعد سلام کی یہہ دعا پڑہی اَللّٰھُمَّ اَنْتَ الصَّاحِبُ فِی السَّفَرِ وَالْخَلِیْفَۃُ فِی الْاَھْلِ وَالْمَالِ وَلَا یَقْرَبُ
وَالْاَحِبَّاءِ اَحْفَظْنَا وَاِیَّاھُمْ مِنْ کُلِّ اٰفَۃٍ وَعَاھَۃٍ یعنی ای اللہ تو ساتھی ہی سفر مین اور پیچھی خبر لینی
والا ہی گھر والون اور مال اولاد اور یارون اور بھائیون کا بچا کہو اور اونکو آفت سی اور مصیبت سے
اور عیب و نقصان پہنچی سورہ انا انزلنا اور یہہ دعا پڑہے بِسْمِ اللّٰہِ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللّٰہِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّۃَ
اِلَّا بِاللّٰہِ بِسْمِ اللّٰہِ عَلٰی نَفْسِیْ وَمَالِیْ وَدِیْنِیْ اَللّٰھُمَّ بِکَ انْتَشَرْتُ وَاِلَیْکَ تَوَجَّھْتُ وَ
بِکَ اَعْتَصَمْتُ وَعَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ اَللّٰھُمَّ رَدِّدْنِی الْمَقْرُوْنَ وَاغْفِرْ لِیْ ذُنُوْبِیْ
وَوَجِّھْنِیْ لِلْخَیْرَاتِ اَیْنَمَا تُوَجِّھْتُ یعنی سفر کرتا ہون مین ساتھہ نام اللہ کے بھروسا کیا مینی اللہ پر
اور نہین بچتا ہی گناہ سی اور نہین قوۃ ہی عبادت پر مگر اللہ کے جبت سے ساتھہ نام اللہ کی اعتماد کرتا ہون اپنی
ذات اپنی اور مال اور دین اپنی کی ای اللہ ساتھہ تیری ہی چلتا ہون مین اور طرف تیری ہی پہنچان کرتا ہون مین
اور ساتھہ تیری ہے بھروسا کرتا ہون مین اور تجھی پہ اعتماد کرتا ہون مین ای اللہ تو شہ دی مجکو تقوی کا اور
بخشدے میری گناہ اور متوجہ کر مجکو نیکون کی طرف جہان جاؤن اور جب باہر نکلی یہہ دعا پڑہی اَللّٰھُمَّ

اَنِّی اَعُوْذُ بِکَ مِنْ اَضِلَّ اَوْ اُضَلَّ اَوْ اَظْلِمَ اَوْ اُظْلَمَ اَوْ اَجْهَلَ اَوْ یُجْهَلَ عَلَیَّ بِسْمِ اللّٰهِ تَوَکَّلْتُ
عَلَی اللّٰهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ اَللّٰهُمَّ وَفِّقْنِیْ لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضٰی وَاعْصِمْنِیْ
مِنَ الشَّیْطٰنِ الرَّجِیْمِ یعنی ای اللہ پناہ مانگتا ہون تری اس بات سی کہ مین گمراہ ہون یا گمراہ کیا جاون
یا ظلم کرون یا ظلم کیا جاون یا نادانی کرون یا نادانی کی جاوی مجھپر ساتھہ نام اللہ کے بھروسا کیا سوا اللہ
کے نہین ہی بچنا گناہ سی اور قوۃ عبادت پر مگر بسبب اللہ بڑے بزرگ کی ای اللہ توفیق دی مجکو اوس چیز
کی جسکو دوست رکھتا ہی اور جس سے تو خوش ہوتا ہی اور بچا مجکو شیطان مردود سی اور آیۃ الکرسی اور
اور سورہ اخلاص اور معوذتین پڑھکر پھر ساتھہ مسکین کو کچھہ دی اور سب سے رخصت ہوکر دعا جاوے
اور اب ہی وہ دعا پڑھکر جو باب اول مین مذکور ہوی سبکو رخصت کری اور مسافر تین ہی وہ دعا مین پڑھے جو باب مسافرت مین مذکور ہین
اور حج کی لئی مال طیب جمع کری مال حرام سی حج قبول نہین ہوتا مستطاع ابن العماد مین مذکور ہی کہ فرمایا
سرور عالم صلی اللہ علیہ وسلم نی جب کوی حج کرتا ہی مال غیر حلال سی اور کہتا ہی لبیک حق تعالی فرماتا
ہی لَا لَبَّیْکَ وَلَا سَعْدَیْکَ وَحَجُّکَ هٰذَا مَرْدُوْدٌ یعنی لبیک پکارنا تیرا مقبول نہین اور یہہ
حج تیرا رد کیا گیا تجھپر مگر مال شبہہ سے فرض ساقط ہوجاتا ہی پس جسکی پاس مال شبہہ ہووہ قرض لیکر حج
کری اور اپنی مال شبہہ سی قرض ادا کری انشی کذا فی زاد السبیل الی دار الخلیل پھر جب ٹھہری سوارے
اسکی بیدار پر کہی اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اور سُبْحَانَ اللّٰهِ اور اَللّٰهُ اَکْبَرُ ف بیدا ایک بھکہہ بلند کا نام ہے
درمیان مکہ ا[illegible]

جب احرام با[illegible]

وَالنِّعْمَةَ لَکَ وَالْمُلْکَ لَا شَرِیْکَ لَکَ یعنی حاضر ہون مین خدمت تیری مین یا اللہ حاضر ہون
مین خدمت تیری مین تحقیق تعریف اور نعمت تیری ہی لئی ہی یعنی انعام و احسان بندون پر تیری
ہی جانب سی ہی اور ملک تیری ہی لئی ہی نہین کوئی تیرا ف احرام مین کتے چیزون کو حرام کرتا ہوتا
ہی خواہ احرام حج کا ہو یا عمرہ کا تفصیل اوسکی فقہ کی کتابون مین دیکھنی چاہی اور قصد کرنیوالی حج کی
کو چاہی کہ اول طہارت اور غسل کری اور کپڑی بن سی یعنی بن ہوئی بدن پر پہنی اور خوشبو بدن کو

پھر نیت احرام کری اور اگر بدون نماز کے بھی احرام باندھی جایز ہی لیکن مکروہ ہے اور بعد نماز کی لبیک کہے
اور بعد اوسکی مسید کائنات پر درود بھیجے اور لبیک کہنا بعد نماز کی ہمارے نزدیک سنت ہے اور فرض
احرام کی دو ہین نیت اور مطلق ذکر لبیک ہو یا سوا اسکی اور سوا اور سوا لکی اور دو ہین سنت ہین یا مستحب
اور لبیک کہنا ساری حج مین ایکبار فرض ہے اور بار بار سنت اور مستحب ہے کہ جب لبیک کہے تین بار سے
کم نہ کہے اور زبان سے کہی دل سے کہنا مفید نہین لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ وَسَعْدَیْکَ وَالْخَیْرُ
بِیَدَیْکَ لَبَّیْکَ وَالرَّغْبَاءُ اِلَیْکَ وَالْعَمَلُ لَدَیْکَ حاضر ہون خدمت تیری مین حاضر ہون خدمت
تیری مین اور مستعد ہون طاعت پر اور بہلائے ہاتون تیری مین ہے یعنی قبضہ قدرت و تصرف تیری مین حاضر
ہون خدمت تیری مین اور رغبت طرف تیری ہی اور عمل طرف تیری چرچتی ہین حاضر خدمت تیری مین
لَبَّیْکَ اِلٰہَ الْحَقِّ لَبَّیْکَ **اٹھوین فصل** فراغت بانی بقیہ کی بیان مین اور جب فراغت پاوے
لبیک کہنی سے مالکی حق تعالیٰ کی بخشش اوسکی اور خوشنودی اوسکی اور اوس سے ازادی کی مانگے **ف**
چنانچہ حدیث شریف مین یہہ اطاپڑتی آئی ہی بلکہ بعد ہر لبیک کے پڑہنا اوسکا سنت ہے وہ یہہ ہی اَللّٰھُمَّ
اِنِّیْ اَسْئَلُکَ مَغْفِرَتَکَ وَرِضَاکَ وَاَعُوْذُ بِکَ مِنْ سَخَطِکَ وَالنَّارِ وَمِنْ شَرِّ الْفِرَاقِ وَالنَّارِ یعنی الٰہی
تحقیق مانگتا ہون مین تجھسے مغفرت تیری اور خوشنودی تیری اپنی سی بچ دار نیغرت کی اور پہہ
کہ ازاد کری کری تو مجکو اوسسے **نوین فصل** طواف کے اور حجر اسود کی بوسہ دینے وغیرہ کے
بیان مین پس جب طواف کری جبکہ آوی رکن اسود کی پاس اللہ اکبر پاس اللہ اکبر کہی جہان لفظ رکن
مذکور ہوا وہی اوس سے وہ رکن مراد ہوتا ہے یعنی حجر اسود پس جب حجر اسود کی پاس پہونچی اوس کے
بسم اللہ اللہ اکبر لا الٰہ الا اللہ اور درود اور اللہ اکبر کہہ کر طواف شروع کری پھر جب ایک
دور پورا کر چکی کہ اوسکو بھوڑ کہتی ہین اسی طرح کرے پس سات شوط یونہین ادا کرے اور تکبیر کہے اور
ہاتھہ کندہون تک اوٹھاوے ہتھیلیان سامنی حجر اسود کی کرے پھر بوسہ دے اور طور بوسہ کا
یہہ ہی کہ دونون ہاتھہ حجر اسود پر رکھہ کر درمیان اون کی سر رکھکر بوسہ دے مگر اس طرح کہ آواز

زادی اور بوسہ سی نہین دی سکتا ہی ہاتھ لگا کر چومی جو یہہ بھی نہو سکی تو لکڑی وغیرہ لگا کر اوسی چومی یہہ موافق تصریح ہدایہ کی ہی اور جو یہہ بھی نہو سکی دونون ہاتون سی اوسکی طرف اشارہ کری مستحب ہی کہ حجر اسود پر سجدہ کری اور بوسہ دی تین بار یہ تہین کری اور کہی درمیان دونو رکنون کی رَبَّنَآ اٰتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً وَّفِی الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَّقِنَا عَذَابَ النَّارِ یعنی ای رب ہمارے ہمکو دنیا مین بھلائی اور آخرت مین بھلای اور بچا ہمکو عذاب اگ کے سی ف کعبی کی چار کونے ہین دو کو عراقی اور شامی کہتی ہین اور دو کو رکن اسود اور رکن یمانی کہتی ہین اور کبھی ان دو کو بھی رکنین کہتی ہین یہان وہی مراد ہین یعنی رکن اسود اور رکن یمانی کہ جانب جنوب کی ہین اور اسی طرح ر بنا پڑہی درمیان رکن اسود کی اور حجر کی

ف حجر کہتی ہین کعبی کی دیوار کو کہ جانب شمال کعبی کے ہی اگی یہہ دیوار کعبی کی تہی اب اسکو بری چہوڑ کر ورنہ دیوار کعبہ کی بنای ہی حجر بطور آدہی گہر کی

خاص درمیان رکن اسود اور مقام ابراہیم

اخلف علی کل غائبة لی بخیر یعنی یا اللہ قناعت دی مجکو ساتہہ اوس چیز کی کہ نصیب کی تو نی مجکو اور برکت دی میری لئی اوسمین اور خلیفہ ہو یعنی نگہبانی اوپر ہر چیز میری کی کہ غایب ہے ساتہہ بہلای کی اور ایک روایت مین یہہ کلمہ ہی پہلی دعا کی ساتہہ پڑہی آی ہین لَآ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِیْكَ لَهٗ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ **دسویں فصل** بیان مقام ابراہیم اور صفا مروہ مین جب فراغت ہاوی طواف سی اوی طرف مقام ابراہیم کی پس پڑہی یہہ آیہ وَاتَّخِذُوْا مِنْ مَّقَامِ اِبْرٰهٖمَ مُصَلًّی یعنی اور پکڑو مقام ابراہیم کو جگہہ نماز کی اور کری مقام ابراہیم کو درمیان کعبی کی اور پڑہی دو رکعت پہلی رکعت مین پڑہی قُلْ یٰٓاَیُّهَا الْكٰفِرُوْنَ یعنی بعد الحمد کی اور دوسری مین قل ہو اللہ احد ف مقام ابراہیم ایک پتہر ہی کہ حضرت ابراہیمؑ نی اوسپر کہڑی ہوکر لوگون کو بحسب حکم الہی کے حج کی لئی پکارا تہا چنانچہ وہ حکم بحج آیہ وَاَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ کی مذکور ہی یعنی اعلام کر لوگون مین ساتہہ حج کی اوسپر نشان قدمون حضرت ابراہیمؑ کا ہی اب سامنی کعبہ کی ایک حجری مین ہی پس اوسکی بھی کہڑا ہوکر دو گانہ پڑہی کہ وہ اسکی اور کعبی کی بیچ مین ہو جاوی یہہ دو رکعت ہر طواف کی بعد واجب

ہیں خواہ طواف نفل ہو یا فرض یا واجب اور یہ جگہ کہ اس نماز کی لئی بیان ہوی افضل ہے اگر اور جای بھی
پڑھی جایزہی پھر پھری طرف رکن کی یعنی حجر اسود کی پس چومی اوسکو یعنی دوبارہ یا ہاتھہ وغیرہی چھوئی پھر نکلی
دروازہ مسجد کی سی یعنی باب الصفا سی طرف صفا کی ف سنت یہ ہی کہ فی الفور بقصد سعی کی صفا کی طرف
نکلی بلا عذر تاخیر کرنی بری ہی اور عذری یا استراحت کی لئی واسطی دور کرنی اوذی کی اگر تاخیر کری مضایقہ
نہیں پس جب قریب ہوی صفا سی پڑہی یہ آیت اِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَآئِرِ اللّٰهِ یعنی تحقیق صفا
اور مروہ نشانیون خدا کی سی ہی پھر کہی اَبْدَأُ بِمَا بَدَأَ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ بِهٖ یعنی ابتدا کرتا ہون میں یعنی سعی میں
ساتھہ اوس چیز کی کہ ابتدا کی اللہ عزوجل نے ساتھہ اوسکی یعنی ساتھہ ذکر صفا کی پھر چڑہی صفا پر یہان تک
کہ دیکھی خانہ کعبہ کو ف اگلی زمانہ میں کوٹھہ کعبہ کا صفا پری معلوم ہوتا تھا اب بنا حرم سے چھپ گیا ہی مگر بعض
جگہہ صفا پر کسی اگر دوارہ [illegible]
کہی وحدانیت خدا کی اور [illegible]
کہتا ہی تین بطور دعا کی اوپٹھاوی اور کہی لَآ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِيْكَ لَهٗ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ
يُحْيِيْ وَيُمِيْتُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ لَآ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ اَنْجَزَ وَعْدَهٗ وَنَصَرَ عَبْدَهٗ وَهَزَمَ
الْاَحْزَابَ وَحْدَهٗ یعنی نہین کوی معبود مگر اللہ تنہا نہین کوی شریک اوسکا اوسکی لئی بادشاہت ہی اور اوسی کے
لئی سب تعریف ہی وہی جلاتا ہی اور مارتا ہی اور وہ ہر چیز پر قادر ہی نہین کوی معبود مگر اللہ تنہا پورا کیا وعدہ
اپنا یعنی فتح مکہ ہوا اور تقویت دین کی ہوی اور مدد کی بندی اپنی کی یعنی رسول خدا کی اور شکست دی کفار کی
گروہون کو تنہا ف یعنی غزوہ خندق مین کہ قریب بارہ ہزار کی کفار سوای بنو قریظہ اور نضیر کی جمع ہوکر
مدینہ پر آچڑہی تھی اور ارادہ لڑای کا سرور عالم علیہ السلام سے رکھتی تھی اللہ تعالی نی ہوا کو اوپر لشکر انکے
کو اوپر متعین کیا کہ ہلاک اور خراب کیا اور یہ کلمہ احتمال ہے کہ سوای توحید و تکبیر کی فرماتی ہون اپنی نماز
توحید و تکبیر کا ہو پھر دعا کری درمیان اوسکی اور کہی یا اوسکی تین بار ف یعنی کلمہ مذکورہ وغیرہ پڑہی اور دعا کری تین بار
پھر اوتری صفا سی اور قصد کری مروہ کیا یہان تک کہ جب اوتری دونون پاون اوسکی بیچ نشیب نالہ کے
دوڑی یہانتک کہ جب چڑہی چلی اپنی چال ف یعنی جب بستی نالہ سی بلندی مروہ پر چڑہنی لگی تو دوڑنا

موقوف کری آہستہ چلی اور یہ سنتی بلندی اگلی زمانہ مین تھی اب برابر ہی کر بجای دوڑنیکی نشانی بنادی ہی
اوسکو میلین اخضرین کہتی ہین پس اوس جگہہ سی دوڑی ادای سنت کی لئی یہان تک کہ جب آوی مروے
پر جیسکہ کیا تہا صفا پر **ف** یعنی متوجہہ قبلہ کو ہوکر تکبیر و غیرہا کہی پہر ویسی اوتر کر صفا کو جاوی اور
سعی کری اور سات پھیرے نہین کری صفا سی مروہ تک ایک شوط ہوتا ہی اور مروہ سی صفا تک دوسرا شوط یہہ سات

و آنا مسلمٌ یعنی یا اللہ تحقیق تو نی فرمایا ہی دعا کرو مجہی قبول کرونگا دعا تمہاری اور تحقیق تو نہین
خلافت کرتا ہی وعدی کو اور تحقیق مین مانگتا ہون تجہسی کہ جیسکہ ہدایت کیا تو نی مجکو واسطی اسلام کے

ہی بزرگتر **گیارہوین فصل** بیان عرفات مین جب چلی طرف عرفات کی لبیک کہی اور تکبیر **ف**
یعنی کبہی لبیک کہی راہ مین اور کبہی تکبیر لیکن علمانی لکہا ہی کہ لبیک کہنی سنت ہی اور تکبیر کہنی جایز
اور حضرت نی فرمایا کہ بہترین دعا کی دعا یون عرفہ کی ہی اور بہترین اوس چیز کا کہ کہا مینی اور سب
انبیانی کہ پہلی مجہسی
وھو علی کل شئی قدیر

لئی ہے بادشاہت اور اوسیکی لئی ہی تعریف سب اور وہ ہر چیز پر قادر ہی اور فرمایا کہ اکثر دعا میرے
اور دعا انبیا کی کہ پہلی مجہسی ہے دن عرفہ کی یہہ ہی لا الہ الا اللہ وحدہ لا شریک لہ لہ الملک
ولہ الحمد وھو علی کل شئ قدیر اللھم اجعل فی قلبی نورا وفی لسانی نورا وفی سمعی نورا
وفی بصری نورا اللھم اشرح لی صدری ویسر لی امری واعوذ بک من وساوس
الصدر وشتات الامر وفتنۃ القبر اللھم انی اعوذ بک من شر ما یلج فی اللیل

اوسکی لئی ہے بادشاہت اور اوسکی لئی ہی سب تعریف اور وہ ہر چیز پر قادر ہی یا اللہ کردل میرا بہتر یا اللہ کھول میری لئی سینہ میرا اور آسان کر میری لئی سب کام میری اور پناہ پکڑتا ہون مین ساتھ تیرے وسوسون سینہ کی سی اور پراگندگی کام کیسی ارفتہ فر کیسی یا اللہ تحقیق مین پناہ پکڑتا ہون ساتھ تیری برائی سے اوس چیز کی سی کہ داخل ہوتی ہی رات مین اور برائی اوس چیز کی سی کہ داخل ہوتی ہی دن مین یعنی قسم ہوتی ہی اور برائی اوس چیز کی سی کہ چلاوین اوسکو ہوائین یعنی شیاطین جنات **ف** کلمہ کو دعا اسلئے فرمایا کہ تعریف کرنی کریم کی حقیقت مین دعا ہوتی ہی کنایہ اور علامت شرح صدر کی حدیث شریف مین آیا ہے ہی کہ بیزاری ہو دنیا سی اور رجوع ہو طرف دار الخلود کی اور مستعد ہو واسطے موت کی پہلی آنی اوسکی سی اور مراد دنیا وسوسون سینہ کی سی پناہ اون چیزون سی ہی کہ باعث وسواس کے ہون یعنی لغو وشیطان اور پراگندگی کام کی یعنی پراگندگی امرون کی بسبب مشغول ہونی کی ساتھ امور دنیا کی اسی لئی بنا ہی ارفتہ قبر کا یعنی حیرانی جواب منکر نکیر کی سی اور لبیک کہنی عرفات مین سنت ہے **ف** یعنی پہلی وقوفکی روز عید قربکی رمی جمار تک لبیک کہنی سنت موکدہ ہی والا ہر حال مین بعد احرام کے مستحب ہے لیکن شروع احرام مین واجب ہے اور جب وقوف کری عرفات مین اوسکی لبیک اللھم لبیک یعنی حاضر ہون خدمت تیری مین یا اللہ حاضر ہون خدمت تیری مین تو کہی بعد لوسکی انا الحاکم وحیذ اکا نخ قریب یعنی سوای اوسکی نہین کہ بیلائی بھلائی آخرت کی ہی پس جب پڑہی عصر کی اور وقوف کری عرفات مین اونہای امام اسنے **ف** عرفات مین عصر کی نماز ظہر کی ساتھ پڑہ لیتی ہین اوسکی بعد عرفات مین وقوف کرتی ہین یعنی نہیں رہتی ہین کہ بعد وقوف فرائض وجمع سی ہی بعد وبعد ولیلی تاریخ نوین کی تمام شب دسوین تک وقت وقوف کا ہی اگر ایک ساعت سے اوسمین وقوف کریگا فرض ادا ہو جاویگا اور سنت یہہ ہی کہ بعد غروب کی واپس پھری اور کہی بعد نماز عصر کی عرفات مین اتہہ اونہا کر اللہ اکبر اللہ اکبر ولله الحمد اللہ اکبر اللہ اکبر ولله الحمد لا الہ الا اللہ وحدہ لا شریک لہ لہ الملک ولہ الحمد اللھم اھدنی بالھدی ونقنی بالتقوی واغفر لی فی الاخرۃ والاولی یعنی اللہ سب تعریف کی لئی سب تعریف سی اور اللہ بہت بڑا ہی اور اللہ کی لئی سب تعریف ہی اور اللہ بہت بڑا ہی اور اللہ کے

ی سب تعریف ہی ہمین کوی معبود مگر اللہ تنہا ہمین کوئی شریک اوسکا اوسکی لئی بادشاہت ہی اور
[illegible] یعنی عیبون ظاہر و باطن کمیی عیب
[illegible] دین و دنیا مین سرزد ہوی ہین
بخشندی اور پھر چھوڑدی ہاتہہ اپنی پھر چکارہی دعا پر بنی ہی مقدار پر بنی آدمی کی الحمد کو پھر سورہ کوی یعنی
پھر دعا پڑہی پس اونہادی ہاتہہ اپنی اور کہی استاد اوسکی یعنی دعا وغیرہ پڑہی **فصل بارہوین** بیان
مین پھرنی عرفات سی اور آی مشعر الحرام پر اور جب پھری عرفات سی اور اوی مشعر الحرام پر سو ہنہ کرے
قبلہ کی طرف پس دعا کرے خدا تعالی سی اور ساتہہ تکبیر اور تہلیل اور توحید کی یاد کری اوسکو یعنی اللہ اکبر
لا الہ الا اللہ وحدہ لا شریک لہ کہی ان عائشہ کہ ایہا تک روشن ہووے صبح خوب **ف** عرفات سی
پھر کر رات کو مزدلفہ مین رہتی ہین کہ سنت موکدہ ہی وہان کا رہنا پھر صبح کی نماز اول وقت پڑہ کر
مشعر حرام پر کہ نام پہاڑ مزدلفہ کا ہی وقوف کرنی ہین مطلق وقوف کرنا وان کا واجب ہے اگرچہ ایک
ساعت ہی ہو اور اس قدر کہ مذکور ہوا وقوف کرنا سنت ہی اور وقت وقوف کا طلوع صبح صادق
سی طلوع آفتاب تلک ہے اگر اسکی پہلی یا پیچہی کریگا معتبر نہین **فصل تیرہوین** رمی جمار کی بیان مین
اور ہنہ لبیک کہتا رہی یعنی احرام کی دن سی جگہون مقرر پر یہان تلک کہ رمی کری جمرہ کو یعنی جمرہ
العقبی کو **ف** جمرہ اصل مین سنگریزہ کو کہتی ہین پھر اب نام اونکا ستارون پر ہوگیا ہی جمرہ کنکر مارتی ہین
وہ تین ہین ایک جمرہ اولی جسکو جمرہ دنیا بہی کہتی ہین اور دوسری جمرۃ الوسطی اور تیسری جمرۃ العقبی
رمی کرنی اونکی واجب ہے دسوین تاریخ جمرۃ العقبی پر فقط رمی کرتی ہین یعنی کنکر مارتی ہین اور اول
کنکر مارنی مین لبیک کہنی موقوف کرتی ہین اور گیارہوین بارہوین تینون کو رمی کرتی ہین اور تیرہوین

ہر کنکری کی پہر اکی بڑی تہوڑا سا یعنی بعد رمی جمرۃ الدنیا کی پس ہٹری زمین نرم مین پس کہڑا ہو مقابل قبلہ
کی کہڑا ہونا دراز پس دعا کری اور اونہادی ہاتہہ اپنی پہر رمی کری جمرۃ الوسطی پر اسی طرح یعنی مثل جمرۃ

اور میرے نزدیک اوسکی ف جمرۃ الدنیا کی اسی دیر تک مستحب ہے چنانچہ بعضی روایت مین ہے بقدر پڑھنے
سورہ بقر کی آیا ہی پھر کھڑی ہو کر اللہ تعالی کی حمد اور تکبیر و تہلیل و تسبیح کری اور درود پڑہی اور بحال خضوع
اور خشوع سی دعا اپنی لمبی اور والدین کی لمبی کری اور بخشش چاہی اور بعد سے جمرۃ العقبی کے نہ ٹہیری پہلی
دن اور دوسری دن نہ تیسری دن اور دعا کرنے مین اختلاف ہی بعضی کہی ہین ٹہیری نہین چلتی مین دعا
کرتا جاوی اور بعضی مطلق دعا کرنی منع کرتی ہین اور داخل ہووی نشیب الی مین یعنی رمی جمرۃ العقبہ کے
لئی یہان تک کہ جب قراءت پاوی پڑہی اَللّٰھُمَّ اجْعَلْہُ حَجًّا مَبْرُوْرًا وَّذَنْبًا مَغْفُوْرًا یعنی یا اللہ کر
حج ہماری کو حج مقبول اور کر گناہ ہماری کو گناہ بخشا گیا ف حج مبرور اوسکو کہتی ہین جسمین گناہ نہ ہوا
نہو اور دعا کری پاس ہر جمرات کی اور نہ مقرر کری کوی دعا یعنی جو چاہی مانگی ف اس حدیث سی معلوم
ہوتا ہی کہ جمرۃ العقبہ کی پاس ہی دعا کری اگرچہ بغیر ٹہیرے ہی ہو **چودھوین فصل** ذبح قربانی کے
بیان مین جانا چاہئی کہ جب ذبح کری قربانی بسم اللہ واللہ اکبر کہی اور کہی یا تو ابنا اور صفاح اوس کے
کی یعنی چوڑا وکالہ قربانی کی اور سب کے وقت ذبح قربانی کی بِسْمِ اللّٰہِ اَللّٰھُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّیْ وَمِنْ اُمَّۃِ
مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ یعنی ذبح کرتا ہون مین ساتھہ نام خدا کی یا اللہ قبول کر مجھی یعنی قربانی میرے
اور امت محمد صلی اللہ علیہ وسلم کی یعنی قربانیان اونکی ف اگر نام اللہ تعالی کا ذبح کی وقت فصد اکر
کری وہ جانور کیا حرام ہوگا پس لفظ بسم اللہ کا کہنا ضرور ہی اور بسم اللہ واللہ اکبر کہنا مستحب ایسی ہے
اور دعائین کہ حدیثون مین مذکور ہین اولی ہی پڑہنا اونکا **پندرھوین** فصل خانہ کعبہ کے
بیان مین اور جب داخل ہووی خانہ کعبہ مین تکبیر کہی چہ چاروں کونون اوس کی اور دعا کری پھر سب کونون
کہی سے پس جب نکلی پڑہی سامنی کعبہ کے دو رکعتین اور داخل ہووی نبی صلی اللہ علیہ وسلم کعبہ مین اور
اسامہ اور عثمان بن طلحہ حجبی اور بلال بن رباح پس بند کیا دروازہ اوسکا عثمان نی اور پہر اتھہرے کی یعنی
لوگ بہتیرے اور شیری پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم اوسمین پس پوچہا مین یعنی ابن عمر نی بلال ہی جو وقت

نکلی پیغمبر صلے اللہ علیہ وسلم کہ کیا کیا رسو نخدا صلی اللہ علیہ وسلم نی یعنی کعبہ مین ٹہیر کر پس کہا
بلال نی کہ کیا پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم نی ایک ستون بائین طرف اپنی اور دو ستون دائین طرف
اپنی اور تین ستون پیچہی اپنی اور تہا کعبہ اوسدن اوپر چہ ستونون کی یعنی اب تین ستون
ہین پہر نماز پڑہی یعنی حضرت نی **سولوین فصل** ا زمزم کی بیان مین اور جب پہوے
کوی پانی زمزم کا پس متہہ کری کعبہ کے طرف اور بسم اللہ کہی اور تین دم لی یعنی تین دم
مین پیوی اور ہر دم مین برتن مونہہ سی جدا کری اور سیراب ہو وی اوس سی یعنی بہت پیٹ
بہر کر پیوی کہ کوکہین تن جاوین پس جب فراغت پاوی پس تعریف کری خدای تعالی کی یعنے
الحمد کہی تحقیق نشانی فرق کی درمیان ہماری اور منافقون کی یہہ ہی کہ سیراب نہین ہوتی
ہین ذزمزم سی **ف** یعنی علامت مومنین کی یہہ ہی کہ یہہ پانی پیٹ بہر کر پیتی ہین اور علامت
منافقین کی یہہ ہی نہین پیٹ بہر کر پیتی اوسکو اور زمزم نام کوئین کا ہی اسّیس ہات گز کا فرق
کعبی سی رکہتا ہی اول حضرت جبریل نی پانی اوسکا نکالا حضرت اسمعیل ع م کی لئی پہر حضرت
ابرہیم ع م نی کہود کر کنوان بنایا پہر اٹ گیا تہا عبد المطلب نے صاف کیا پس پانی اوسکا
سب پانیون پر افضل ہے بلکہ بعضون نی آب کوثر پر افضل کہا ہی اور فرمایا انحضرت صلی
اللہ علیہ وسلم نی کہ پانی زمزم کا واسطی اوس چیز کی ہی کہ پیا جاوی واسطی اوسکی یعنی
جس نیت سی پیوی حاصل ہو پس جو پیوی تو اوسکو حال یہہ کہ شفا چاہتا ہو ساتہہ اوس کے
شفا دی تجکو اللہ اور جو پیوی تو اوسکو حال یہہ کہ پناہ چاہی ولا ہو وی پناہ دی تجکو خدا
اور جو پیوی تو اوسکو کہ بجہاوی تو پیاس آپ بجہاوی کا خدا پیاس کو اور کہتی ابن عباس پیتے
پانی زمزم کا کہتی اَللّٰھُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ عِلْمًا نَافِعًا وَّرِزْقًا وَّاسِعًا وَّشِفَآءً مِّنْ کُلِّ
دَآءٍ یعنی یا اللہ تحقیق مین مانگتا ہون تجسی علم نفع دینی والا یعنی مجکو اور اوردن کو کہ وہ علم
معرفت اور علم کتاب و سنتہ کا ہی کہ باعمل ہو اور رزق فراخ اور شفا ہر بیماری ہی یعنی ظاہری
ہو یا باطنی اور جب آئی پیشوا دلیل اسلام کی کہ نام اونکا عبد اللہ بن مبارک ہے کوی زمزم پر

اور چاہا اوس پانی بنیا پھر متوجہ ہوی قبلہ کی طرف کہا یا اللہ تحقیق ابن ابی الموال نے یعنی اوس کے
اوستاد نی روایت کی ہمکو محمد ابن منکدر سے کہ روایت کی جابر سے یہہ حدیث کہ تحقیق رسولخدا صلے
اللہ علیہ وسلم نی فرمایا کہ پانی زمزم کا واسطے اوس چیز کی ہی کہ پیا جاوی واسطے اوسکی اور یہہ پانی
پیا ہوا ہین اوسکو واسطے ساہین بجہنی کی دن قیامت کی پھر بیان **فصل** عبداللہ ابن مبارک سے
عابد زاہد بزرگ قدر شناسا امام اعظم رحمۃ اللہ علیہ کی ہین **سترہوین فصل** بیان مین جگہون
اور وقتون قبولیت دعا کی جانا چاہی کہ کی اور اوسکی اثرات مین دعا قبول ہونیکی بہت مقام ہین اوّل
جب کعبہ پر نظر پڑی دوسرا حجر اسود کی پاس خصوصا دوپہر کی وقت تیسرا ملتزم مین آب کی سامنی جو تہا ملتزم
کی ترسیب خصوصا آدہی رات کو پانچوان حطیم مین چہٹا میزاب رحمت کی نیچی خصوصا صبح کی وقت ساتوان
رکن یانی کی پاس خاصہ صبح کو آٹہوان مابین رکن یانی اور باب مسدود کی کہ پشت کی جانب خانہ کعبہ کے
سامنی اوس دروازہ کی تہا اوس مقام کو مستجار کہتی ہین نوان درمیان رکن یانی اور حجر اسود کے
دسوان مقام ابراہیم کے پاس خصوصا صبح کو گیارہوان زمزم پر خصوصا غروب کی وقت بارہوان
خانہ کعبہ کے اندر چارون کونون مین اور ستونون کی درمیان خصوصا زوال کی وقت تیرہوان چودہوان
صفا مروہ پر خصوصا بعد عصر کی پندرہوان مابین الیلین سولہوان سترہوان عرفات پر دو مقام ہین ایک
پہری کی درخت کی نیچی زوال کی وقت دوسرا جبل رحمت کے پاس طرف سورج ڈوبی اٹہارہوان مشعر
الحرام پر سورج نکلنی سی پہلی اوننیسوان بیسوین منی مین دو مقام ہین ایک مسجد خیف کی پاس دوسرا جہان
کنکریان ملتی ہین خصوصا چودہوین کی آدہی رات کو سوای کی اور مقامات ہی لوگون نی کہی ہین مگر
مشہور ذکر ہوی ہلا علی تاری فراتی ہین بہتر دعاون سی یہہ دعا ہی اَللّٰھُمَّ اَدْخِلْنِی الْجَنَّۃَ
بغیر حساب نقل ہی کہ کسینی امام ابوحنیفہ رحمی پوچہا کہ جب کعبہ کو دیکہون کو کیا دعا پڑون فرمایا اپنے
مستجاب الدعوات ہونیکی اس لئی کہ اگر یہہ دعا قبول ہوی تو ہماری دعائین قبول ہوین انتہی مختصر الکدانی
زاد السبیل **اٹہارہوین فصل** مختصر زیارت مدینہ منورہ اور روضہ مبارکہ اور امورات ضروری
اوسکی مین معلوم کرنا چاہی کہ زیارت آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کی افضل عبادات سی قریب واجب کی ہی

بلکہ بعض کے نزدیک عین واجب ہے سرور عالم صلی اللہ علیہ وسلم فرماتے ہین کہ جسنی حج کیا نجاے کعبہ کا اور میری زیارت نکی پس تحقیق اوسنی ظلم کیا پھر اور فرمایا جسنی حج کیا اور زیارت کی قبر میری کی بعد وفات میری کی گویا اوسنی زیارت کی میری زندگی مین اور فرمایا جسنے زیارت کی میری واجب ہے اوس کی لئی شفاعت میری اور فرمایا خاک مدینی کے شفا ہے واسطی جذام اور برص کے اور واسطی بیماری کی اور فرمایا جو سہاری سختی اور شدت مدینی کی کو ہوسکا مین اوس کی لئی گواہ یا فرمایا شفیع قیامت کی دن اور فرمایا جو میری مسجد مین چالیس نمازین پڑہی کہ ناغہ نہوا وسمین سی کوئی لکہا جاویگا اوسکی لئی بیجاؤ دوزخ سی اور عذاب اور نفاق سی پس اگر حج کرنا اوسپر فرض ہی اور حج کی مہینی شروع ہوئی تو بہتر یہہ ہی کہ پہلی حج پہر زیارت کری اور اگر حج نفل ہی یا فرض ہی مگر ابہی حجکی مہینی شروع نہین ہوئی تو اختیار ہی چاہی پہلی حج ادا کری چاہی پہلی زیارت اور جب قصد روضہ مقدسہ کی زیارت کا کری تو نیت مسجد نبوی کی بہی شامل کرلی اور راہ مین فرایض و واجبات و سنن کو بخوبی بجالاوے اور محرمات اور مکروہات سی پرہیز کری اور کمال پاکی و طہارت و عاجزی کی ساتہہ روانہ ہو اور جتنی مسجدین مکہ سی مدینہ تلک راہ مین ملین اون مین نماز پڑہتا جاوی اور زیارت کرے حضرت میمونہ کی قبر کی جو مقام سرف مین تنعیم اور وادی کی درمیان ہی اور وہان ایک مسجد بہی بنی ہوی ہی وہان دعا مانگی اور راہ مین جب نماز وغیرہ ضروریات سی فارغ ہو درود پڑہتا رہے جب درخت مدینی کی نظر پڑین کہ مستی درود پڑہی اور شوق مین اگر تیز چلی اور ہوسکی تو پیادہ ہو سکی تو پاؤن رونا ہوا عاجزی کرتا ہوا روانہ ہو جب حرم مدینہ دیکہی یہہ دعا پڑہے اَللّٰهُمَّ هٰذَا حَرَمُ نَبِيِّكَ فَاجْعَلْهُ وِقَايَةً لِّي مِنَ النَّارِ وَأَمَانًا مِّنَ الْعَذَابِ وَسُوْءِ الْحِسَابِ یعنی اے اللہ یہہ حرم نبی تیری کا ہی پس کر اسکو بچاو میری لئی دوزخ سے اور امان عذاب ہی اور برای حساب سے اور ہوسکے تو پہلی یا پچہی داخل ہونیسی غسل کری اور اچہی کپڑی پہن کر خوشبو لگاوی اور کمال تواضع اور نیاز کی ساتہہ مدینہ مین داخل ہو پہر مسجد مین

شریف کی سامنی محراب کی دو کانہ تحیۃ المسجد کا قبلہ اقل ہوا اور کی سامنے پڑھی کہ فرمایا حضرت نے درمیان
کہہ اور منبر سے کی ایک ہاتھ ہی ہاتھوں بہت سی اکر وہاں جگہ پاوی تو مسجد میں جہاں جگہ پاوی پڑھیے
پھر سجدہ شکر کا ادا کری کہ اوسی وہاں پہونچنی کے توفیق بخشی اور جو چاہی سو دعا کی پھر سرانی
کی طرف بکمال ادب و توجہ قلبی کے سامنے درود و سلام پڑھیے اور سلام پہونچاوی اوس شخص
کا جسنے اوسی وصیت کی ہو پھر سرانی سی ہٹ کر مسجد جدید عثمان کی طرف جاکر چہرہ مبارک کی سامنے
پشت قبلہ کہڑا ہو اور درود و سلام پڑھی جتنا چاہی پھر ایک اتہ داہنی طرف ہٹ کر سامنی روی شریف
حضرت ابوبکر صدیق کی ہو کر سلام کہی پھر اپنی اور اپنے باپ کی لئی اور جسنی درخواست کی ہو دعا کی اوس کے

جالر دو کانہ پڑھی اور توبہ اور دعا کری پھر مسجد شریف میں مسار پڑی اور تسبیح و صلوات و استغفار
کری پھر منبر پاس درود پڑھی اور دعا کی پھر ستون خانہ کی پاس بھی جاکر ایسا کری اور مستحب ہے
کہ روز مسجد زیارت حضرت کی بقیع کی بھی زیارت کری کہ وہاں ہزار اصحابی مدفون ہیں اور ازواج
مطہرات بھی سوائی حضرت میمونہ اور خدیجہ کی اور بیٹیاں حضرت کی بھی وہاں ہی مدفون ہیں پھر نماز
پڑھی مسجد فاطمہ میں کہ بقیع میں ہی اور سکو مسجد الحزن بھی کہتی ہیں اور مستحب ہے زیارت شہداء احد کی جسرات کو
اور وقت زیارت کی سلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار سلام علیکم دانا ان شاء
مومنین وانا ان شاء اللہ بکم لاحقون اور آیۃ الکرسی اور قل ہو اللہ پڑھی اور مستحب ہے زیارت
حضرت اسماعیل بن امام جعفر صادق کی اور مالک بن سنان اور نفس زکیہ حضرت مہدی پوتی حسن
مثنی کی اور مستحب ہے زیارت اون مساجد کے جنمیں حضرت نی نماز پڑھی جیسی مسجد قبا کہ حضرت نی دو رکعت
کو وہاں کی برابر ایک عمرہ کی فرمایا ہی اور مسجد الجمعہ اور مسجد الفتح کہ اوسکو مسجد الشمس بھی کہتی ہیں اور مسجد
بنی قریظہ اور مسجد شجرہ ابراہیم بن رسول اللہ اور مسجد بنی ظفر اور مسجد الاجابہ کہ دو دعا میں حضرت

ن دوان قبول ہوئین ایک امت کا قحطسی نہ مرنا اور دوسرے غرق سی ہلاک ہونا اور مسجد الفتح جسکو مسجد
الاخراب اور مسجد الاعلی بھی کہتی ہین اور مسجد سلمان فارسی اور مسجد ابی بکر اور مسجد قبلی اور مسجد نبی حرام اور
مسجد القبلتین اور مسجد القبا اور مسجد الرایہ اور مسجد صغیر اوسکو مسجد الفتح بھی کہتی ہین کہ آیت یا ایہا الذین
امنوا اذا قیل لکم تفسحوا فی المجالس الخ وان نازل ہوی ہی اور مسجد ابی ذر کہ امیر حمزہ کی درگاہ کو
جاتی ہوی راہ مین دامین طرف پڑتی ہی اور مسجد ابی بن کعب کہ بقیع مین ہی اور مسجد مصلی عید اور وان
مسجد ابو بکر اور مسجد عمر اور مسجد علی بھی مشہور ہین ان مساجد مین نماز پڑہی اور روزی رکہنی مدینی
مین اور اعتکاف کرنا

کنوین کی جنین حضرت

اور غسل کری اگر حرج نہو ایک اون مین سی بیر ابیس ہی اور دوسرا بیر مغس اور تیسرا بیر عرس اور چوتہا بیر
پانچوان بیر حاء اور چہا بیر بضاعہ اور ساتوان بیر رومہ ہی انتی کنوانی زاد السبیل

## انیسوین فصل

بیان مین رخصت ہونی مدینی کی سی جبے تہ سی چلی دوکانہ رخصت کا مسجد نبوی مین پڑہی اور
جو حضرت کی مصلی پر پڑہ سکی تو نہایت بہتر ہی اور دعا مانگی زیارت کی مقبول ہوتی اور پہر حاضر
ہونیکی اور جو چاہی دین دنیا کی بہلائی سی اور روضہ مقدس پہ حاضر ہوکر اور درود وسلام عرض

غنیمت اور امن والی مسافت رحمت اپنی کی اپنی سب سے زاید رحم کرنیوالی اور وقت رخصت نے مبالغہ
کری کریہ وزاری اور الحاہ بہائی مین کہ یہہ علامت قبولیت کی ہی پس پہر ہی حسرت کرتا ہوا اپنی جدائی
پر حضوری کشرت سی اور خیرات کری جو میسر ہو کہ یہہ باعث نجات ہی ہر آفت سی اور موجب سلامت ہے

ہر علامت سی اور ہر بہری کہ مدینہ ہی جہواری شمل جمعہ برلی ہلیہ کی اور حاک صفا اور بابی مسالون کہودن
کا اور تبرکات مثل اوسکی بیاہتہ لیجانی اور ایسی ہے کہ کی ہی بابی زمزم کا اور سوای اوسکی تبرکات ہمراہ لے
لیکن راہ مین اگر بابی زمزم کا بعد وضو یا غسل کے اسکی پاس ہوگا تو اوسکو قیمم جایز نہین کہ بابی اوسکے
پاس ہی مگر اس حیلہ سی کہ اوسمین اوس قدر سی زاید گلاب یا کیوڑہ ملاوی یا اوسکو اپنی ساتھی کو بخشدے
پر بوقت پہونچنی کی اوس سے پہر لے اتنی کوتاہی زاد السبیل **تیسون فصل** سفر کی پہر نیکی
بیان مین اور داخل ہونیکی اپنی کہر مین پس جب پہری سفر اپنی سی تکبیر کہی اور پر بلند ہے زبین
سے تین تکبیر مین پہر کہی لَا اِلٰہَ اِلَّا اللّٰہُ وَحْدَہٗ لَا شَرِیْکَ لَہٗ لَہُ الْمُلْکُ وَلَہُ الْحَمْدُ وَ
ھُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ اٰئِبُوْنَ تَائِبُوْنَ عَابِدُوْنَ سَاجِدُوْنَ لِرَبِّنَا حَامِدُوْنَ
صَدَقَ اللّٰہُ وَعْدَہٗ وَنَصَرَ عَبْدَہٗ وَھَزَمَ الْاَحْزَابَ وَحْدَہٗ یعنی نہین کوی معبود مگر اللہ
ایکسا وہ نہین کوی شریک اوسکا اوسی کی لیے بادشاہت ہی اور اوسی کی لیے تعریف ہی اور وہ ہر چیز پر
قادر ہی ہم پہر نیوالی ہین توبہ کرنیوالی ہین بندگی کرنیوالی ہین سجدہ کرنیوالی ہین چلنی والی ہین اپنے اللہ کے
راہ مین ثنا کی لیے واسطے پروردگار اپنی کی تعریف کرنیوالی ہین سچ کیا اللہ نے وعدہ اپنا اور مدد کی
بندی اپنی کی یعنی آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کے اور شکست دی کفار کے گروہون کو اکیلے اوس
سب اوسی نزدیک سے پہرنے کی کہی اٰئِبُوْنَ تَائِبُوْنَ لِرَبِّنَا حَامِدُوْنَ یعنی ہم پہر نیوالی ہین توبہ
کرنیوالی ہین واسطے پروردگار اپنی کی تعریف کرنیوالی ہین اور ہمیشہ کہتا ہے ان کلمون کو یہان تک کہ داخل
ہووی شہر اپنی مین اور اپنی پہونچنی سے پہلی خبر کردی اپنی کہر والون کو تا وہ استقبال کرین اوسکا



توبہ طرف پروردگار اپنی کی اور حالانکہ پہر نیوالا ہوں سفر سی وہ توبہ کرتی ہوی ہمپر لوی ہمپر لوا ہمپر لوا ہون پہر لوا ہون
حالانکہ توبہ کرنیوالا ہوں پروردگار اپنی سی ایسی توبہ کہ نہ چہوڑی ہمپر گوی گناہ تہر کہر مین جا کر دوگانہ تحیۃ المسجد
کا پڑہنی اور ہمیشہ مانند ثابت خیر و صلاحیں پہلی سے زیادہ تر مشغول رہی کہ ہہ علامت سے حج مبرور کی

انہی خاتمہ چند مسایل متفرقہ ضروریہ مین مسئلہ محرم یعنی احرام والا اگر عضو کامل یا تمام بدن نوایت
مجلس مین خوشبو لگادی یا کپڑی یا فرش کو نہوڑایا بہت خوشبودار کری یا ڈاڑہی یا سر کی بالون کو
منہدی سی رنگین کری یا کھیر وسی وسہودی یا عین خوشبو کو قدر کثیر کہای یعنی جیسی دو چلو کلاب اور
کیوڑہ اور مشک مین کثیر وہ جسکو لوگ کثیر جانتے ہین بعضی کہتے مین کثیر وہ جو اکثر مونہہ مین لگتا ہے
یا دو مرتبہ سی زاید سر مہ خوشبودار لگادی اوسپر دم یعنی قربانی لازم ہی اور اگر اس سی کمتر ہو
تو صدقہ دی مثل صدقہ فطر کے مسئلہ خوشبو اگر ہلکی اور تہوڑی ہو تو پورا عضو اور تیز اور بہت
تو چوتہای عضو دم کی لازم آتی ہین معتبر ہی مسئلہ خوشبو کی استعمال کرنی مین قصداً اور بسہو اور
خوشی اور جبر برابر ہی یعنی ہر حال مین جزا لازم ہی مرد ہو یا عورت مسئلہ اگر منہدی سر پہ جادی تو دو
دینا چاہی ایک خوشبو کی بدلی دوسری سر ڈاکنی کے عوض مسئلہ اگر چند عضو کو کئی مجلس مین خوشبو
لگائی ہر ایک کا کفارہ جدا دی مسئلہ اگر مشک یا کافور یا عنبر کپڑی کو نہین باندہی تو فطرہ کی برابر صدقہ
کر دو کپڑی مین باندہنا یا حلوی مین عنبر کہانا جایز ہے مسئلہ اگر کئی عضو کو کئی حلقہ مین مونڈا ہر ایک کے
بدلی قربانی دی مسئلہ ہر ناخن کی بدلی آدہا صاع دی لیکن اگر مجموع کے قیمت قربانی کی برابر ہو تو کچھہ
کم کردی جتنی چاہی مسئلہ اگر سر یا مونچہ یا ڈاڑہی سی کئی بال اوکہاڑی یا ہاتہہ پیر نی دور ہو گئی ہر
ایک کی بدلی ایک لپ بہر گیہون دی مسئلہ اگر موچہین دور کین فطرہ کی برابر صدقہ دی اور جو
تہوڑے بہت اون مین سی دور کئی ہون تو قیاس کرنا چاہی اگر چوتہائی ڈاڑہی سی آدہی ہو تو آدہی قیمت قربانی
کی دی اور اگر چوتہای ہو تو چوتہای قیمت اوس کے دی مسئلہ اگر طواف زیارت حالت جنابت مین کیا
تو اونٹ یا گای قربانی کری مسئلہ اگر طواف زیارت بی وضو کیا یا طواف وداع ترک کیا یا طواف
وداع اور طواف قدوم حالت جنابت مین کیا ایک قربانی کری یہہ مسایل زاد سبیلی سے لکہی گئے ہین
مسئلہ اگر محرم استعمال کری خوشبو یا سر منڈا دی یا کپڑا سیاہ پہنی ساتہہ عذر کی یا بیماری کی پس ان
صورتون مین محرم پر لازم ہی کہ ایک چیز کری تین چیزون مین سی ذبح کری بکری یا چہہ مسکینون
کو تین صاع گیہون دی کہ ہر مسکین کو آدہ آدہ صاع یعنی دو دو سیر یا تین روزی رکہی یا متفرق اور اگر

حرم شکار کرے یا بتا دے شکار کو یا اشارہ کرے اوسکی طرف پس اوسپر واجب ہے لازم آتا ہے قیمت شکار کی ساتھ تخییر
مذہب عادلون کی بحسب قیمت اوس جگہ سے کہ شکار کیا ہے یا بحسب قیمت اوس موضع کی کہ قریب ہو اوسکی اگر قسم
شکار بین ہو اوسکی قیمت پھر اگر چاہے خریدی ساتھ قیمت اوسکی کی ہدی اگر آسکی اوسمین پس ذبح کرے
حرم مین اور اگر چاہے خریدی اوسکا غلہ اور دیوی ہر ہر فقیر کو دو دو سیر گیہون یا جو یا کھجور چار چار
سیر دیوے اگر چاہے روزہ رکھے بدل اوس ہر فقیر کی ایک ایک روزہ اور ان سب جنایات مین قصد اگر ہوا
اور اوپر بھولکر کرنیوالا اور عالم اور جاہل اور برابر ہے بیچ سب کے یہان مین کذا فی الظاہر خداوندا اس عاجز
گنہگار بمعہ اہل و عیال کی حج پر اور زیارت روضہ منورہ کی اور سکونت مدینہ شرفہ کی نصیب کر امین یا رب العالمین
الحمد للہ اولا و آخرا و ظاہرا و باطنا کہ یہ رسالہ زاد غریبان تمام ہوا و صلی اللہ تعالی علی خیر
خلقہ محمد و آلہ و اصحابہ اجمعین اب مناجات مختصر بجناب باری تعالی کیجاتی ہے بی تعالی قبول فرمائے
بحرمت نبی صلے اللہ علیہ و آلہ وسلم

## مناجات

خدایا تو غفار ہین جرم کار — تو ستار اور مین ہون اس عیب دار — تو ارحم ہی ہین سخت حیران ہون
تہ کردہ نفس شیطان ہون — تو خلاق و رزاق سب کا ہے — تو ہی ہے کہ ہر ایک کو روزی دیا
تری پل مین چاہی کہ اکو سیر — میری ہمتی رہی جاہی مسان — بنی پر ہو نازل درود بیکران
مقام تو نکو محمود کیجو عطا — کہ ہو اون سی وعدی تو نے کیا — چرن مین رہون اونکی ہر دم نیاز
رہون جب تلک دار دنیا مین یہان — نہ ہو دین مین میری کچھ بی زیان — نہ محتاج ہون مین کسی کی کبھو
نہ حیران ہون نہ ہو او ہوس — نہ مشکل اوی ہو کوی میرے — نظر رحم کی مجھ پہ ہووی تیرے
ممنون احسان کسی کا ہون یہان — نہ آمر کہ ہو نہین شکار زبان — مدد غیب سے میرے ہوتی رہے
لحاجت کسی کے نہ کرنی پڑے — نہ حاجت کوئے بند رہوی کبھی — روا کیجو تو میری حاجت سبھے
کہون کس سی تجھ بن خدایا میرے — سنے کون تجھ بن مری مدعا — وہی کو تنی میری حاجت کرو

تہین جانتا اوسکو بس ہو بہو
پہر اوسکو مین کہا تیری آئی کہون
کہ مین انکہت اوسکو کیونکر لکہون

سب جاتے ہین دین و دنیا میرے
روا کردی تو ہر حضرت نے
مجہی جو سنی فکر رہجون نے آہ

قبہ کر رکہا ہی میری بادشاہ
چہوڑا دی مجہی اونی یکبار نے
روا کر کی حاجت تو ہر نے

تمام عمر مین یہی جو جو طلب
کیا تجہسی وہ مجکو دیجو تو سب
مقصا نیف میرے کو کیجو قبول

اوسی دیکہہ با دین ہدایت جہول
یہہ زاد غریبان جو ہی اب ہوا
اسی ہے تو مقبول کیجو خدا

مجہی اوسکی بدلی مین دیتو یہہ اجر
رہون جا مدینی مین مین تا بحشر
معہ اہل و اولاد مجکو میسر

تو پہنچا کی تا حشر رکہیو وہان
وہین موت ہو دی ہین نزدکی
بقیعہ مین ہو قبر یارب میری

ہو قبر مین مجکو یارب عذاب
ہو آسان محشر مین میرا حساب
ہو فردوس مین میرا رہنا ضرور

رہون نعمتون مین وہان تا سحر
کہ تا کر دعصیان سے ہو جاؤن صاف
کہ تا اوسپہ سیدہا چلون ہی تعب

ز نیک مجکو دکہا دی تو اب
اوسی دی سی اہچون مین جنت کے بیچ
ہنوا و سین عصیان کے کیچہہ اونچ نیچ

رہون شرک و بدعت سے مین دور دور
ہی مرگ تک لب پہ تیرا ہی نام
رہون شرک و بدعت سے ہر دم مین دور

ہو توحید سنت کا مجہپر ظہور
موحد تو کر اور رکہنے مجہی
پدایت کا سر پر میرے تاج ہو

تیری ہی رضا کی رہی جستجو
نہ تائید مین میری کر تو درنگ
کہ مین سخت حیران ہون اور دلتنگ

میرا لجہت دل اور نخت تر کر
جو ہی خواجہ عثمان بس نامور
ہمیشہ ہی رکہنا تو اوسپر امان

صد و بست سال اوسکو دی ہی جان
حفاظت ہی اوسکو ہو حق سے سدا
میری نسل آگی بڑہی اتی خوب

میرا نام آگی چلی اتی خوب
میری ہی یہی ہجتی ہر دم دعا
یہی ہجتی ہے میری بس التجا

مقدر میری کر اودہر کا سفر
کہ بیس سفر مین ہی ہی کا سفر
معہ اہل و اولاد یہان ہی شتاب

رہا کر کی پہونچا یہ عالی جناب
مین بے برگ ہون اور ہون بے سہارا
مجہی اپنی رحمت سے پہونچا دی وہان

سب کوئی ایسا تو کر دی عطا
کہ ہجرت کا ین جاوی سامان میرا
ہمین یہان کے رہنی ہی دیکر شتاب
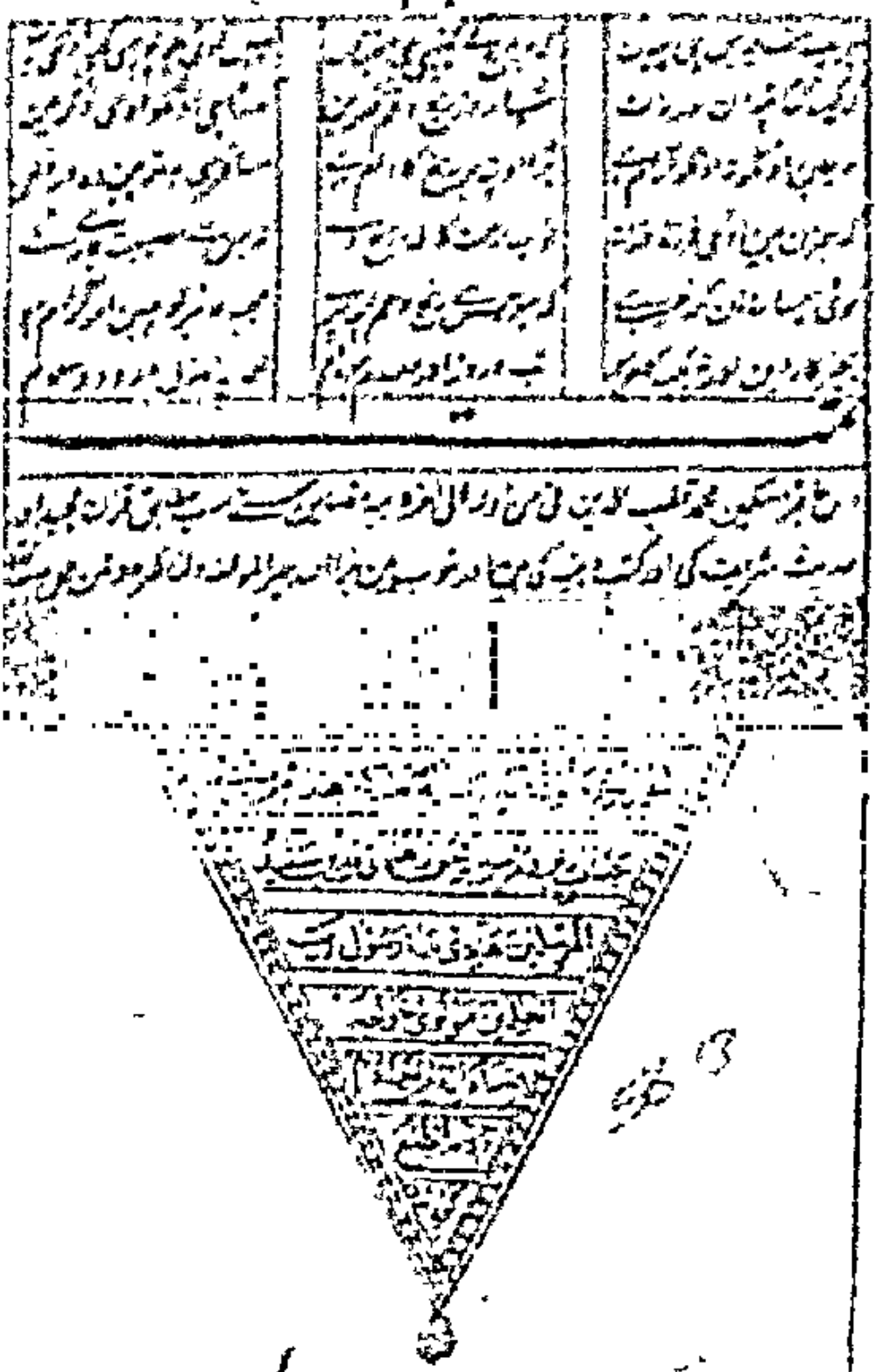
مدینی مین مہلا دے ایمان کی ساتہہ
بہت ابتو یارب ہرا کہہ چکے
نہین چلتا اپنی کوئی پی دنگ